

افق تبلیغ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه
معاونت فرهنگی و تبلیغی

افق تبلیغ
نشریه علمی - تخصصی
◀ سال اول، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۸



نشریه «افق تبلیغ» بر اساس پروانه انتشار
به شماره ثبت ۸۵۵۷۰ تاریخ
۱۳۹۸/۵/۱۵ معاونت امور مطبوعاتی
و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی، به عنوان فصلنامه تخصصی
منتشر می شود.



ویراستار:	ذوالفقار ناصری
صفحه آرا:	اکبر اسماعیل پور

صاحب امتیاز:	معاونت فرهنگی و تبلیغی
مدیر مسئول:	دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم سعید روستا آزاد
سر دبیر:	علی اکبر مؤمنی
دبیر اجرایی:	مهدی جباری

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

محمدتقی انصاری پور	عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب
حجت الله بیات	عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و حدیث
عباس پسندیده	عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث
حسین جوان آراسته	عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
کریم خان محمدی	عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم
ناصر رفیعی محمدی	عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه
سعید روستا آزاد	عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
ابوالفضل ساجدی	عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی <small>علیه السلام</small>
علی اکبر مؤمنی	پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

آدرس نشریه: قم، چهارراه شهدا، معاونت فرهنگی و تبلیغی، طبقه اول، کدپستی: ۳۷۱۵۷۹۱۸۱۱

تلفن: ۰۲۵ - ۳۱۱۵۱۲۴۷

پایگاه اینترنتی: <http://ofoghetabligh.dte.ir>

شبکه مجازی اینستا: @MaharateTabligh

قیمت: ۲۰/۰۰۰ تومان



شیوه‌نامه تدوین مقالات

الف) شرایط

۱. مقالات دارای صبغه تحقیقی - تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، و مستند و مستدل بوده و با قلمی روان و رسا به زبان فارسی نگارش یافته باشند.
۲. مقالات دنباله‌دار نباشند و حجم آنها (حداقل ۴۰۰۰ و حداکثر ۶۰۰۰ کلمه) تنظیم گردد.
۳. مقالات، نباید به عنوان بخشی از کتاب، یا به عنوان مقاله چاپ شده باشند.
۴. مقالات ترجمه‌ای تنها در صورت داشتن نقد مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.

ب) ساختار

۱. چکیده مقاله: (حداقل ۱۵۰ و حداکثر ۲۰۰ کلمه) شامل: بیان مسئله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و اجمالی از یافته‌های مهم پژوهش
۲. کلیدواژه‌ها: شامل ۳ تا ۷ واژه کلیدی.
۳. مقدمه مقاله، شامل تعریف مسئله، پیشینه اجمالی پژوهش، ضرورت و اهمیت طرح، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی.
۴. مقاله باید محصول مطالعه، تجربه و پژوهش‌های دست اول نویسنده و متضمن دست آورد علمی جدید با تکیه بر نتایج عملی باشد.
۵. نتیجه‌گیری: بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد.
۶. فهرست منابع: (اعم از فارسی، عربی، و لاتین) که به شکل زیر باید تنظیم گردد:
- نام خانوادگی و نام نویسنده، سال نشر، نام کتاب، ترجمه یا تحقیق، نوبت چاپ، محل نشر، ناشر.
- نام خانوادگی و نام نویسنده، سال نشر، «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره نشریه، صفحات ابتدا و انتهای مقاله.



۷. ارجاعات، باید بین متنی باشند: (نام خانوادگی، سال نشر، جلد، صفحه)

ج. یادآوری

۱. مجله در حق رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات آزاد است.
۲. حداکثر پس از دو ماه از دریافت مقاله، نتیجه پذیرش یا عدم پذیرش از طریق همین سامانه اعلام می‌گردد.
۳. امکان نقل مطالب در جای دیگر با ذکر نشانی نشریه بلامانع است.
۴. مطالب مقالات مبین آراء نویسندگان آنهاست و مسئولیت آن نیز بر عهده آنهاست.

فهرست مطالب

سخن اول ۷

نقش جناح‌گرایی روحانیت در تضعیف باورهای دینی ۹

کتاب محمدکاظم کریمی

نقش مساجد در تعمیق باورهای دینی ۳۱

کتاب حامد قرانتی

علل و ریشه‌های دین‌گریزی ۴۹

کتاب ناصر رفیعی محمدی / علیرضا انصاری

روش‌های تعمیق باورهای دینی کودکان و نوجوانان ۶۵

کتاب مسلم گریوانی

روش‌های جذب جوانان ۸۹

کتاب عشرت رنجبر

راه‌های تقویت دین‌باوری در جوانان ۱۰۷

کتاب ابوالفضل ساجدی / زهرا رضائیان

سخن اول

در آموزه‌های دینی، از تبلیغ دین به عنوان امری مهم و ضروری یاد شده و قرآن کریم وظیفه اصلی پیامبران را تبلیغ دین دانسته است: «فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ؛ آیا بر (عهده) پیامبران، چیزی جز تبلیغ آشکار است.» (نحل: ۳۵) تبلیغ آیین وحی میراث انبیای الهی، امامان معصوم و رسالت اصلی عالمان است. امام صادق علیه السلام علمای شیعه را مرزداران دین معرفی نموده و می‌فرماید:

عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ بِالتَّغْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيثَهُ يَمْنَعُونَهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى صُغَفَاءِ شِيعَتِنَا وَ عَنْ أَنْ يَتَسَلَطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ التَّوَاصِبُ أَلَا فَمَنْ اتَّصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ... أَلْفَ أَلْفٍ مَرَّةٍ لِأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنْ أَذْيَانِ مُجِبِّينَا وَ ذَلِكَ يَدْفَعُ عَنْ أَبْدَانِهِمْ؛ دانشمندان پیروان ما، همانند مرزدارانی هستند که در برابر لشکر ابلیس صف کشیده‌اند و از حمله آنها به افرادی که قدرت دفاع از خود را ندارند جلوگیری می‌کنند. آگاه باشید هر کس از شیعیان ما، خود را به این مرزداری برگمارد، مقامش از کسانی که با رومیان... جهاد کرده‌اند هزار هزار بار بالاتر است؛ بدان جهت که این مرزدار، از دین دوستان ما دفاع می‌کند، در صورتی که آنان از بدن ایشان دفاع می‌کند (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳، ج ۲: ص ۵).

امروزه با گسترش و پیشرفت تکنولوژی، سبک زندگی بشر دچار تغییرات شگرفی شده است در این میان رسانه‌های جدید، نقش بسزایی در تغییر رفتار و عملکرد انسان ایفا می‌نمایند؛ از این رو از یک سو تبلیغ در جامعه امروز امری ساده نیست و از سوی دیگر آسیب‌شناسی تبلیغ، دست‌یابی به ایده‌ها و طرح‌های نوین و متناسب با نیازهای جامعه امری ضروری است. با عنایت به اینکه تبلیغ دین دارای عرصه‌ها، ابزارها، رویکردها و عرصه‌های گوناگونی است،



موفقیت در این عرصه نیازمند نگاه دقیق و تخصصی است. براین اساس معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در راستای مأموریت‌های خود با انتشار نشریه علمی - تخصصی «افق تبلیغ» تلاش می‌نماید بستری مناسب جهت ارائه توانمندی‌ها، اندیشه‌ها و نوآوری‌های نویسندگان و نخبگان تبلیغ به منظور ارتقاء سطح دانش و مهارت تبلیغ دین فراهم نماید. از این‌رو از اندیشمندان و نویسندگان محترم دعوت می‌شود مقالات خود را با محوریت «راهکارهای تقویت و تعمیق باورهای دینی»، «روش‌های ایمان‌افزایی در جامعه معاصر»، «اصول و مبانی تبلیغ»، «روش‌های تبلیغ»، «آسیب‌شناسی تبلیغ»، «تبلیغ در ادیان و مذاهب»، «مطالعات تطبیقی تبلیغ»، «نوآوری‌های تبلیغی»، «ابزارهای تبلیغ»، «مخاطب‌شناسی در تبلیغ»، «مدیریت تبلیغ»، «سیره تبلیغی پیامبران و اهل بیت علیهم‌السلام»، «شیوه‌های تبلیغی مبلغان نخبه»، «اخلاق مبلغ» و سایر موضوعات مرتبط با تبلیغ به آدرس نشریه ارسال نمایند.

سعید روستا آزاد

مدیر مسؤول

نقش جناح‌گرایی روحانیت در تضعیف باورهای دینی

محمدکاظم کریمی*

چکیده

باورها مهم‌ترین بخش محتوایی دین هستند و عوامل و زمینه‌های گوناگونی در تقویت و تضعیف آنها نقش دارند. جناح‌گرایی به معنی وابستگی به علایق و تمایلات جناح‌های سیاسی کشور، از پدیده‌هایی است که در نظام جمهوری اسلامی به دلیل گرایش به سیاسی‌شدن مضاعف جامعه، مبتلابه اغلب اقشار جامعه به‌ویژه روحانیون بوده است و به دلیل نقش الگویی آنان در گرایش‌های اعتقادی و اخلاقی جامعه، تأثیر بسزایی در تغییر و تضعیف باورهای دینی افراد ایفا می‌کند. نوشتار حاضر با هدف آسیب‌شناسی جناح‌گرایی روحانیون، کوشیده است با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با استناد به میراث دینی، چگونگی اثرگذاری این پدیده و پیامدهای آن بر تضعیف باورهای دینی اعضای جامعه را گوشزد نماید. ارزیابی نهایی آن است که جناح‌گرایی روحانیت دست‌کم به دلیل داشتن پیامدهایی مانند کاهش اعتماد به روحانیت، رواج تساهل و تسامح در امر دینداری، گرایش به اندیشه‌های رقیب، تنزل منزلت آموزه‌های دینی و کاهش تحمل‌پذیری و طرد متقابل، می‌تواند بر باورهای دینی اقشار گوناگون جامعه تأثیر منفی برجای گذارد.

کلیدواژه‌ها

روحانیت، سیاست، جناح‌گرایی، دینداری، باورهای دینی.



مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی ایران هرچند متأثر از عوامل و زمینه‌های گوناگونی بوده، بیش از همه در مبانی فکری روحانیت شیعه ریشه داشته است که با آگاهی بخشی به توده‌های مردم، آنان را در خلق این رویداد بزرگ راغب ساختند. تکیه بر حرکت‌های مردمی و ایجاد بسترهای لازم برای حضور پررنگ قشرهای گوناگون مردم در فعالیت‌های سیاسی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی به رهبری روحانیت به شمار می‌رود. بر همین اساس، یکی از پیامدهای انقلاب اسلامی، شکل‌گیری گروه‌ها و جناح‌های سیاسی متأثر از آرمان‌ها و اهداف انقلاب بوده است و روحانیت به دلیل احساس دلبستگی به این اهداف و آرمان‌ها و با توجیه کمک به تحقق آنها، در گرایش به جناح‌ها و جریان‌های سیاسی پیشگام بوده و گاه خود از هسته‌های مرکزی شکل‌گیری آنها نیز بوده‌اند.

حضور و مشارکت در مرکز توجه جناح‌های سیاسی برای روحانیون، اگرچه با رویکرد فوق‌دارای برخی قوت‌ها و مزیت‌ها بوده است، از زوایای متعدد دیگر آسیب‌هایی داشته و به تدریج به تضعیف جایگاه دینی و مردمی این قشر منجر شده است. توجه به این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که این امر تأثیر بسزایی در جهت‌دهی باورهای اعضای جامعه دارد؛ به‌ویژه آنکه عمل و رفتار روحانیون به دلیل مرجعیت دینی‌شان، بر فرایند شکل‌گیری بینش، نگرش، گرایش و رفتارهای اعضای جامعه پیامدهای مهمی برجای می‌گذارد. بر همین مبنا، این مطالعه درصدد پاسخ به این پرسش است که جناح‌گرایی روحانیت چگونه بر تضعیف باورهای دینی اعضای جامعه اثر می‌گذارد و چه پیامدهایی دارد؟

پرداختن به این موضوع از آن جهت دارای اهمیت است که روحانیون با آگاهی از مخاطرات و پیامدهای جناح‌گرایی، حضور در مجامع و گروه‌های سیاسی را به گونه‌ای مدیریت کنند که به دام جناح‌گرایی سیاسی گرفتار نشوند و از ورود بی‌ضابطه به فعالیت‌های سیاسی پرهیز نمایند. از نگاهی دیگر، این بررسی در تقویت و ارتقای دانش سیاسی و اجتماعی طلاب حوزه علمیه نقش بسزایی دارد و آگاهی از نتایج آن برای این قشر ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بی‌گمان به دلیل پیچیدگی نسبی موضوع و ظرافت‌هایی که به طور طبیعی بر آن مترتب است، تاکنون کمتر بررسی شده. و ادبیات علمی پُرباری درباره آن تولید نشده است و به همین سبب، نوآوری وجه

برجسته این نوشتار خواهد بود.

در صورت‌بندی این تلاش علمی که از نوع مطالعات توصیفی است، سعی گردید با ارجاع به اسناد و به شیوه کتابخانه‌ای به گردآوری اطلاعات مبادرت گردد و در پایان به مدد تفسیر و تحلیل، داده‌ها پردازش و تدوین شوند. برای یافتن پاسخ مناسب به پرسش فوق، مطالب این نوشتار در قالب چهار محور تدوین گردیده است:

۱. جایگاه و اهمیت کنشگری سیاسی روحانیان؛

۲. روحانیت و جناح‌گرایی سیاسی؛

۳. پیامدهای ورود روحانیان به جناح‌بندی‌ها و گرایش‌های سیاسی؛

۴. پیامدهای جناح‌گرایی روحانیت در تضعیف باورهای دینی.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. جناح‌گرایی

جناح به فتح اول معادل ((faction)) در لغت به معنای طیف، دسته، جریان (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۸۶، ج: ۱، ص: ۵۳۹) و در اصطلاح مجموعه‌ای از گروه‌های سیاسی است که با اهداف و دیدگاه‌های مشترک در کوتاه‌مدت و یا بلندمدت به منظور رقابت و کسب قدرت سیاسی، در داخل یک حکومت یا حزب گرد هم می‌آیند، بدون اینکه دارای ماهیت رسمی و شخصیت حقوقی باشند (جمال‌زاده، ۱۳۸۲: ص ۳۸). بدین‌سان، جناح بخشی از یک واحد یا جریان سیاسی است که لزوماً مداومت ندارد و بنا بر ضرورت و به مناسبت‌هایی مانند انتخابات مجلس یا ریاست جمهوری و غیر آن تشکیل می‌شود (ر.ک: همان: ص ۳۸).

بر خلاف احزاب، جناح‌ها با ویژگی‌های زیر معرفی می‌شوند:

۱. دارای شعبه در سراسر کشور نیستند؛

۲. شخصیت حقوقی ندارند؛

۳. به مرور زمان می‌توانند مواضع خود را تغییر دهند و شناسایی خود را دچار مشکل سازند (همان: ص ۳۸).

مقصود از «جناح‌گرایی» در اینجا ابراز تمایل و گرایش به مواضع و دیدگاه‌های یک جناح سیاسی است؛ به گونه‌ای که در مواجهه با پدیده‌ها و موضوع‌های سیاسی و اجتماعی، از تصمیم‌ها و



رویکردهای آن بدون توجه به معیار داوری درباره آنها تبعیت گردد؛ ازاین‌رو نفس حضور روحانیون در فعالیت‌های سیاسی و داشتن موضع سیاسی، همچنین عضویت در گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی مشروط به رعایت جوانب شرعی و پای‌بندی به الزامات دینی، مصداق جناح‌گرایی تلقی نمی‌گردد.

۱-۲. باورهای دینی

در یک تقسیم‌بندی، دین به سه بخش اصلی تقسیم گردیده است: بخش اول، حوزه ایمان و باورهاست. اعتقاد به وجود هستی‌بخش، خلق و بعث عالم، ضرورت ارسال پیامبران، وجود عالم غیب، وجود عالم آخرت و مانند آن در دایره باورهای دینی قرار می‌گیرند؛ بخش دوم، حوزه اخلاق و ارزش‌هاست. این بخش شامل بایدها و نبایدها و فضایل و رذایل اخلاقی است که چگونگی برقراری رابطه انسان با آنها و زمینه سعادت و شقاوت او را فراهم می‌سازند؛ بخش سوم، شریعت یا مجموعه احکام و قوانینی است که برای شکل‌گیری ارتباط بندگان با خالق و گاه به منظور زیست بهتر اعضای جامعه و سامان درست امور زندگی‌شان، به عمل طبق آنها ملزم می‌شوند (کریمی، ۱۳۹۵: ص ۱۷۷). از این میان، حوزه باورها به دلیل ارتباط با جهان‌بینی و مبانی فکری، اهمیت اصلی و اساسی دارد و دو حوزه دیگر وابسته و متأثر از آن پدید می‌آیند. دارا بودن باورهای استوار و مستدل در جامعه امروز یک نیاز حداقلی است تا از طریق آن بتوان به صورت مستدل و منطقی از پایه‌های ایمانی خود در برابر شبهه‌ها و چالش‌های فرارو دفاع کرد. در این صورت، هر عاملی که قدرت و استحکام باورها را تهدید یا تضعیف کند، به اختلال کارکردی آنها می‌انجامد و اثرگذاری آنها را در شکل‌دهی زیست دینی مطلوب خدشه‌دار می‌سازد.

۲. رابطه دین و سیاست

هدف اصلی ادیان الهی، هدایت جامعه بشری به سوی سعادت و کمال واقعی است و بر همین مبنا، دعوت پیامبران، بیان موازین اخلاقی و تشریح احکام و قوانین صورت پذیرفته است. صدرالمتألهین شیرازی باریافتن خلق به قرب الهی و رسیدن به سعادت واقعی را هدف بعثت انبیای بزرگ الهی دانسته و می‌گوید: «طبق مبانی و شواهد عقلی و نقلی، هدف نهایی از ادیان الهی و بعثت انبیای عظام، سوق‌دادن مردم به مقام قرب الهی و راه‌یافتن به سعادت لقای او و بالا آمدن از مرتبه پست دنیا به درجه کمال است و این امر تنها با شناخت خداوند و شناخت

صفات او و اعتقاد به ملائکه و پیامبران و کتاب‌های مقدس و روز آخرت میسر است» (شیرازی، ۱۳۵۴: ص ۴۹۷). با وجود این، تحقق اهداف دین تنها با محدود شدن در حیات فردی انسان‌ها میسر نمی‌گردد؛ بلکه ورود دین به عرصه‌های حیات اجتماعی مانند سیاست، اجتماع، اخلاق، قانون و دیگر عناصر حیات اجتماعی ضرورت می‌یابد. عرصه سیاست و اداره امور سیاسی جامعه یکی از عرصه‌های مهمی است که رابطه تنگاتنگی با امر دین در جوامع امروز دارد و نقش تعیین‌کننده‌ای در اتخاذ رویکردها و شکل‌گیری رفتارها و نگرش‌های مردمان در همه زمان‌ها و مکان‌ها دارد.

با وجود این، با تأسف امروزه سکولاریسم (Secularism) به عنوان رقیب اصلی ادیان الهی در ساحت حیات سیاسی و اجتماعی بشر عرض اندام کرده است. این پدیده که بنیادی‌ترین آموزه مدرنیته است، همسو با تحقق آرمان مدرنیته در بُعد هستی‌شناسی، پا به عرصه وجود نهاد و با رویکردی انسانی و این‌جهانی، بریدن انسان از آسمان و جستجوی نیازش در این جهان را مطالبه می‌کند. سکولاریسم به عنوان بنیان هستی‌شناسی تمدن جدید غرب، امروزه تا عمق لایه‌های پنهان جامعه رسوخ کرده است و ساحت‌های گوناگون زیست اجتماعی انسان معاصر را تحت تأثیر قرار داده است. در ساحت الهیات، سکولاریسم بر نداشتن ارتباط دین و دنیا و بریدن انسان از ماورا اصرار دارد؛ در ساحت سیاست، سکولاریسم به بی‌ارتباطی دین و نهادهای دینی از سیاست حکم می‌کند و از اینکه مشروعیت حکومت بر مبنای دین تعریف گردد، نهی می‌نماید؛ در ساحت اجتماع نیز به قطع رابطه دین و آموزه‌های آن در شکل‌گیری روابط انسان‌ها و تأسیس نهادهای اجتماعی اصرار می‌ورزد (ر.ک: کریمی، ۱۳۹۵: ص ۱۵۸).

بدین‌سان دغدغه‌مندی درباره موضوعات و مسائل سیاسی و اجتماعی و حساسیت در برابر سرنوشت جامعه برای هر یک از اعضای جامعه اسلامی به‌ویژه روحانیون امری ضروری است و به طبع عطف توجه بدین امر، مصداق جناح‌گرایی تلقی نمی‌گردد؛ بلکه حضور مؤثر در مجامع و محافل سیاسی، کسب آگاهی از عمل‌گروه‌های سیاسی و نظارت بر عملکرد سیاستمداران و عوامل اجرایی حکومت، بدون دخالت‌گرایی‌های شخصی یا اتخاذ موضع موافق و مخالف، مصداق احساس تکلیف و ادای دین به سرنوشت جامعه خویش تلقی می‌گردد.

۳. سیاست‌ورزی روحانیون

مهم‌ترین شأن روحانیون، هدایت‌گری جامعه است که به تأسی از انبیا و اولیای الهی انجام



می‌پذیرد و عرصه قدرت و حکومت به دلیل ارتباط مستقیم با زیست روزمره مردم، سهم به سزایی در این هدایت‌گری دارد. بر همین اساس، حضور و تأثیرگذاری روحانیت شیعه در عرصه سیاست و سیاست‌ورزی، پیشینه‌ای به بلندای غیبت امام معصوم علیه السلام دارد. جانشینی امام در ابلاغ پیام دین به مردمان، در دوره نبود امکان برقراری ارتباط مستقیم با ایشان، رسالت مهم عالمان شیعه است که از صدوق تا خمینی برای انجام آن تلاش کرده‌اند و هر یک به شیوه خاص خود در تحقق آن سهمی داشته‌اند.

با وجود این، حضور مؤثر روحانیون در حوزه سیاست‌ورزی ایران‌زمین به عنوان کنشگر سیاسی در معنای مصطلح آن، به جنبش مشروطیت ایران در دهه‌های پایانی قرن سیزدهم شمسی برمی‌گردد و حضور عالمانی همچون سیدعبدالله بهبهانی، سیدمحمد طباطبایی، آخوند خراسانی، میرزای نائینی، شیخ فضل‌الله نوری و مانند آن در مصدر تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی رخدادهای مربوط به نهضت مشروطیت ایران، همراهی عالمان شیعی را با این نهضت مسجل ساخت؛ اما به دلیل آنچه که به فریب‌دادن روحانیت شیعه یاد شده (امام‌خمینی، ج ۴: ص ۲۸۸)، جنبش مشروطیت از اهداف خود در تحقق احکام و آموزه‌های اسلامی آن چنان که مورد انتظار بود، باز ماند؛ از این‌رو توفیق نیافتن در دستیابی به اهداف، آنان را وادار می‌ساخت تا برای تحقق رسالت خویش از هر نوع کوششی باز نایستند. بدین‌سان انقلاب اسلامی ایران را باید تلاشی از سوی عالمان شیعه به منظور جبران کاستی‌های انقلاب مشروطیت قلمداد کرد.

امام‌خمینی را باید پیشروترین روحانی سیاسی در دوره معاصر در جهان اسلام به شمار آورد که امر سیاسی را با نگاه ویژه نگریسته است. تمایز این نگاه از آن جهت است که وی با شناخت درست اقتضانات حوزه سیاست و با تیزبینی و دوراندیشی خاص خویش به این عرصه وارد گردید و در روزگاری که به تعبیر ایشان سیاسی‌بودن در حوزه علمیه به منزله «فحش» تلقی می‌گردید (امام‌خمینی، ۱۳۸۶، ج ۹: ص ۱۷۷)، ورود به عرصه سیاست و ایفای نقش کنشگر سیاسی در کسوت روحانیت را وظیفه خود دانست.

سیاسی‌بودن در نگاه امام به معنی داشتن بینش سیاسی درباره مسائل و موضوع‌های مبتلابه جامعه و آگاهی به معادله‌های قدرت برای اداره بهتر جامعه است. به این سبب، ایشان به تقبیح تلاش‌هایی پرداخت که به دوری‌گزینی روحانیون از سیاست می‌انجامد و پیشینه آن را با معیارهای عقلی سازگار نمی‌داند: «یکی از فحش‌هایی که گاه [به] یک آخوندی، اگر می‌خواست

یک حرفی بزند که به درد مملکتش بخورد، می‌گفتند «سیاسی» است. اوایل که ما آمده بودیم قم، یکی از علمای محترم - که محترم و در قم رئیس بود - این را بعضی مقدس مآب‌ها اشکال به او داشتند می‌گفتند منزلش «روزنامه» پیدا می‌شود! این طور، مغزها را تهی کرده بودند که اگر یک ملایی منزلش روزنامه بود، این اسباب طعنه می‌شد» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۹: ص ۱۷۷). به هر رو، برخلاف چشم‌اندازهایی که ارزیابی غیرواقع‌بینانه از سیاست و قدرت داشته‌اند، از نگاه امام تنزل سیاست به خدعه و نیرنگ، تنها با هدف کنارزدن رقیب و بیزار ساختن دینداران برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن در اداره جامعه اسلامی بود. از این نگاه، سیاست در متن اسلام قرار دارد و آن چیزی جز اداره صحیح امور کشور اسلامی و تحقق اهداف آن برای تعالی بخشیدن و به کمال رساندن جامعه و افراد آن نیست (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۵: ص ۱۱-۱۲).

۴. روحانیت و جناح‌گرایی سیاسی

بی‌تردید اصلی‌ترین بستر تبلور و تجلی حضور افراد و گروه‌ها در عرصه سیاست‌ورزی و عمل سیاسی در عصر کنونی، احزاب، جناح‌ها و تشکل‌های سیاسی مردم‌نهاد است. در کشور ما امروزه جناح‌ها و تشکل‌های سیاسی در واقع شکل تقلیل‌یافته احزاب سیاسی‌اند و به طور معمول مانند احزاب با هدف کسب قدرت و دخالت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی شکل می‌گیرند. هر حزب یا جناح سیاسی دارای ارکان و عناصری از جمله مؤسس، اساسنامه، ایدئولوژی و اعضای است. گروه‌هایی از انسان‌ها با پیشینه و هدف مشخص دور هم جمع می‌شوند و از ایدئولوژی خاصی حمایت می‌کنند و برای تحقق اهداف و سهم‌خواهی از قدرت، به تأسیس حزب یا جناح سیاسی مبادرت می‌ورزند.

ساده‌انگارانه است اگر تصور شود احزاب و تشکل‌های سیاسی بدون پیشینه و برنامه‌ریزی قبلی و در خلأ به وجود آمده‌اند. از آنجا که هر حزب نیازمند مرانامه یا اساسنامه است، در نخستین گام باید به تدوین و ارائه آن اقدام کند و به تدریج زمینه را برای عضوگیری و مشارکت اعضا فراهم آورد. با شروع فعالیت حزبی، زمینه‌های لازم برای تحمیل خواسته‌ها، فشار بر قدرت حاکم و اعمال ایدئولوژی خود فراهم می‌گردد.

آستین رنی در کتاب حکومت می‌نویسد: «سیاست ستیزه‌ای چندجانبه بین افراد و گروه‌هایی است که می‌کوشند با عمل خود دولت را وادارند تا آنها را یاری دهد یا مانع از آن شوند که دولت



به آنها زیان برساند» (رنی، ۱۳۷۴: ص ۴۷). به باور رنی، رقبای سیاسی برای رسیدن به خواست‌های خویش دست‌کم از هشت تاکتیک برای اعمال فشار بر دولت استفاده می‌کنند و این رقبا هستند که تعیین می‌کنند چه ترکیبی از این تاکتیک‌ها ممکن است بیش از همه پیروزی به بار آورد. این تاکتیک‌ها سطوح متعددی داشته و از «تحمیل عقیده بر دستگاه قانون‌گذاری»، «فعالیت در چارچوب احزاب سیاسی»، «تبلیغات همگانی» و «دادخواهی» تا «تظاهرات»، «اعتصاب و تحریم»، «نافرمانی مسالمت‌آمیز» و «خسونت» را شامل می‌شود (همان: ص ۴۷).

با لحاظ این نکته و با توجه به وضعیت صف‌بندی‌های سیاسی که از ابتدای انقلاب تاکنون در ایران رایج بوده است و نیز تعلق خاطری که فضایی حوزه علمیه در تعامل با این صف‌بندی‌ها از خود نشان داده‌اند، می‌توان گفت دو طیف «راست» و «چپ» در کشور از گذشته تاکنون در سپهر سیاسی ایران زمین فعال بوده‌اند. در طیف راست، امروزه گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی مرتبط با «اصول‌گرایان» قرار دارند و در طیف چپ، گروه‌ها و تشکل‌های وابسته به «اصلاح‌طلبان» جای می‌گیرند. بدین‌سان دو جناح سیاسی اصلی کشور، اصول‌گرایان و اصلاح‌طلبان هستند که تا حدود زیادی چارچوب و مواضع فکری و سیاسی آنها در موضوع‌ها و مسائل کشور مشخص و متمایز است. ذیل هر کدام از این دو جناح، تشکل‌ها و گروه‌های سیاسی متعددی فعالیت می‌کنند که اغلب در هنگامه انتخابات ظهور و بروز می‌یابند؛ هرچند در کنار این دو جناح، گروه‌هایی به نام «مستقل‌ها» نیز هستند، ولی به دلیل نداشتن شناسنامه و چارچوب فکری مشخص، در عرصه سیاست ایران فاقد جایگاه و پایگاه هستند.

روحانیت نیز به دلیل احساس تعلق به آرمان‌های انقلاب اسلامی، رسالت اصلی خویش را حفظ و مراقبت از دستاوردهای آن دانسته و برای پاسداری از آنها چاره‌ای جز حضور مؤثر در مجامع و محافل سیاسی نداشته است که به طور طبیعی اصلی‌ترین آنها تشکل‌ها و گروه‌های سیاسی است؛ اما نمی‌توان تأسف خود را پنهان داشت که به رغم تبار حوزوی انقلاب اسلامی و نقش پررنگ روحانیون در شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی، حوزه‌های علمیه از نظر بازتعریف سازوکارهای لازم برای حضور طلاب در عرصه سیاست دچار تأخر بوده‌اند و کاستی‌ها و آسیب‌های آن با وجود همه توجه‌های به سود یا زیان آن محسوس است؛ از این‌رو حضور در فضای سیاست و مبادرت به سیاست‌ورزی، عرصه را به گونه‌ای بر روحانیت تنگ ساخته است که چاره‌ای جز قرارگرفتن در کنار جناح‌های سیاسی موجود ندارند.

بدین سبب روحانیون نیز در کنار دیگر گروه‌های اجتماعی، سازوکار حضور در عرصه سیاست و قدرت را در قالب جناح‌های سیاسی مطرح کشور جستجو می‌کنند و هر یک به فراخور سلیقه، گرایش و علاقه‌مندی سیاسی خود جذب یکی از جناح‌های مطرح می‌گردند و به طبع در این فرایند با توجه به اصول، ارزش‌ها، ایدئولوژی، راهبردها و مبانی فکری حاکم بر جناح سیاسی، به اتخاذ موضع در برابر جناح رقیب و پافشاری بر آن مبادرت می‌ورزند. بی‌گمان طرد جریان رقیب، حملات شدید و بی‌رحمانه به اقتضای ابزارها و امکانات در اختیار، از اموری است که جناح‌های سیاسی برای از صحنه خارج کردن رقیب استفاده می‌کنند و در این چارچوب روحانیون وفادار به هر جناح نیز در متن خواست‌ها و جناح خویش قرار می‌گیرند و به رغم مخالف بودن آن با اصول و سنت‌های حوزوی و یا حتی مبانی شرعی و عرفی و قانونی، چاره‌ای جز پیشگیری منافع جناح سیاسی خویش و ترجیح آن بر جناح رقیب نخواهند داشت.

با این توصیف، اگرچه هرگونه ابراز وجود سیاسی برای طلاب در شرایط فعلی تنها در قالب جناح‌های موجود سیاسی امکان‌پذیر است، به دلیل محدودیهایی که برای روحانیون از نظر ارتباط با همه اقشار مردم و انجام دادن رسالت دینی‌شان در شعاع همه گروه‌های سیاسی و اجتماعی وجود دارد، قرارگرفتن ذیل جناح‌های سیاسی دورنمای رسالت آنان را تاریک ساخته و از اهداف اصلی‌شان باز می‌دارد.

۵. پیامدهای جناح‌گرایی روحانیت

امروزه هیچ‌کدام از شئون فردی و اجتماعی انسان‌ها را نمی‌توان تصور کرد که به نوعی با سیاست پیوند دور یا نزدیک نداشته باشد. سایه سنگین قدرت و سیاست چنان جدی است که تمام شئون حیات اجتماعی از اقتصاد و فرهنگ گرفته تا دین و اخلاق و تا ورزش و سلامت را تحت تأثیر خود قرار داده است؛ از این‌رو آگاهی به ماهیت امور و پدیده‌های سیاسی و شیوه‌های تحقق فرایندهای سیاسی و سازوکارهای تأثیرگذاری آنها به‌ویژه در عصر کنونی اهمیت بسزایی دارد.

با وجود این، میان معرفت سیاسی و سیاست‌ورزی با شناسنامه جناح‌های سیاسی تفاوت وجود دارد. معرفت و بینش سیاسی به معنی آگاهی از رابطه پدیده‌های سیاسی و کسب شناخت درباره فرایندهای سیاسی است؛ اما سیاست‌ورزی به معنای مقصود در اینجا ایفای نقش کنشگری سیاسی و انجام رفتار سیاسی به منظور تأثیر بر فرایندهای اجرایی کسب قدرت و دسترسی به منافع سیاسی از طریق حمایت یا مخالفت با یک جریان سیاسی است. بدیهی است



سیاست‌ورزی در این معنا هرچند فی نفسه امر ناپسندی نیست، مشروط به آن است که کنشگران سیاسی از اقتضائات امور سیاسی آگاهی کافی داشته باشند و از الزامات آن پیروی کنند و از دخالت‌گریهای سیاسی خود به حوزه‌ها و عرصه‌های دیگر پرهیزند.

افزون بر این، روحانیت در جامعه امروز ایران نقش هدایت‌گری و الگودهی قشرهای گوناگون را به عهده دارد و ایفای صحیح این نقش مستلزم وفاداری به الزامات آن است که از جمله آنها مراقبت در اظهارنظرها و داوری‌ها در موضوع‌ها و مسائل سیاسی و اجتماعی به منظور جلب اعتماد عمومی است. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَتِ أُمَّتِي وَ إِذَا فَسَدَا فَسَدَتِ أُمَّتِي، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَنْ هُمَا؟ قَالَ: الْفُقَهَاءُ وَ الْأَمْرَاءُ؛ دو گروه از امت من هستند که هرگاه اصلاح شوند، امت من اصلاح می‌شوند و هر گاه فاسد شوند، امت من فاسد می‌شوند. گفته شد یا رسول‌الله آن دو گروه کدامند؟ فرمود: دانشمندان و حاکمان» (صدوق، ج: ۱: ۳۷). بدین منظور، روحانیون در جریان حضور و ظهور در فعالیت‌های سیاسی خویش باید مراقب آثار و پیامدهای رفتارها و عملکرد خویش در جامعه دینی باشند و عالمانه و منصفانه و بر محور ارزش‌های بنیادی دین اسلام با پدیده‌های سیاسی و اجتماعی مواجهه نمایند و از قرارگرفتن در مسیر خواسته‌های جناح‌ها و گروه‌های سیاسی که اغلب ناظر به منافع و مطامع خاص آنهاست و به سلب اعتماد جامعه و نافرمانی از روحانیت می‌انجامد، پرهیز کنند.

۵-۱. پیامدهای اجتماعی

قوام و دوام یک جامعه به وجود همبستگی، تعاون و تلاش در جهت نظم اجتماعی از سوی همه اعضاست (کوزر، ۱۳۶۹: ص ۱۸۹). روحانیت در مقام قشر تأثیرگذار جامعه در بسیج همگانی برای حفظ و بقای جامعه می‌تواند نقش مؤثری ایفا کند. با وجود این، گرایش به گروه‌های اجتماعی و تشکل‌های سیاسی به معنی احساس تعلق داشتن به آنها و نادیده‌گرفتن انحراف آنها از موازین و قواعد رفتاری جامعه و عدول از منافع جمعی، به تدریج موجب نادیده‌گرفتن مصالح عمومی جامعه می‌گردد و به اصل وجود همبستگی و نظم اجتماعی خلل وارد می‌سازد و جامعه را از رسیدن به اهداف خویش باز می‌دارد. افزون بر این، گرایش به جناح‌های سیاسی موجب افزایش اختلاف نظرها در جامعه و نیز رقابت‌های ناسالم جناحی می‌گردد و نشان کاهش آستانه تحمل روحانیون است که در هر صورت به موقعیت اجتماعی روحانیون نزد دینداران آسیب وارد خواهد ساخت.

۵۲. پیامدهای سیاسی

جناح‌های سیاسی به عنوان بخشی از نیروهای اجتماعی به طور عموم در پی کسب قدرت و تأثیرگذاری بر تصمیم‌های سیاسی بر اساس ایدئولوژی و جهت‌گیری‌های سیاسی خویش هستند (ر.ک: بشیریه، ۱۳۸۲: ص ۱۰۷). حال آنکه نقش هدایت‌گری روحانیون برای جامعه که متأثر از نقش انبیای الهی است، اعتبار و منزلت ویژه به آنان بخشیده است و هزینه‌کردن این اعتبار برای به‌قدرت‌رساندن یک گروه یا تشکل سیاسی، شائبه سهم‌خواهی و وجود انگیزه برای رسیدن به قدرت را در ذهن اعضای جامعه تداعی می‌کند و این موضوع با رسالت واقعی طلاب علوم دینی در تعارض است؛ به‌ویژه آنکه دامن‌زدن به این‌گونه موضوع‌ها سبب غفلت از مسائل مهم داخلی و خارجی مانند مشکلات اقتصادی، خانواده، اعتیاد، روابط بین‌الملل، تحرکات دشمن و مانند آن می‌گردد.

افزون بر این، فرایند پدیده‌ها و امور سیاسی به گونه‌ای است که جناح‌ها و احزاب سیاسی بر اساس سازوکارهای خاص، دچار اقبال و ادبار هستند و به دلیل اقتضائات امور سیاسی باید به لوازم آن تمکین کنند. این اقبال و ادبارها چه‌بسا باعث گردد یک حزب یا جناح به‌طور کلی از صحنه سیاست کنار گذاشته شود و یا زمان طولانی بگذرد تا بتواند اعتبار و نفوذ گذشته‌اش را به دست آورد. بدیهی است وابستگی روحانیون به یک جناح دارای این مخاطره است که با کنار رفتن از فضای قدرت، هرچند به صورت موقت، روحانیون وابسته به آن نیز از هرگونه تلاش حتی به عنوان کنشگر دینی باز بمانند؛ زیرا فرصت‌ها و امکانات از طرف جناح حاکم از آنان گرفته می‌شود و امکان ارتباط با مخاطبان از ایشان سلب می‌گردد و این امر خلاف رسالت روحانیون است که باید همواره در صحنه‌های حیات اجتماعی و فرهنگی جامعه حضور داشته باشند و پیام خود را به همه مخاطبان برسانند.

۵۳. پیامدهای فرهنگی

ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از ارکان قوام‌بخش فرهنگ هر جامعه است (گیدنز، ۱۳۸۵: ص ۵۶) و احترام و مراقبت از آنها وظیفه همه اعضای جامعه به‌ویژه روحانیون است. از آنجا که روحانیون خود به نوعی متولیان فرهنگ جامعه شناخته می‌شوند، باید در رفتار و اعمال خویش از اموری که فرهنگ عمومی را جریحه‌دار می‌کند، پرهیزند. وابستگی به یک جناح و نادیده‌گرفتن قوت‌ها و ارزش‌های جناح دیگر و یا فراتر از آن، طرد و تبلیغ غیرمنصفانه در حق جناح رقیب،



منافی مصالح فرهنگ جامعه و باعث بی‌توجهی به جایگاه ارزش‌ها و هنجارها به‌ویژه اخلاق‌زدایی از جامعه می‌گردد.

پویایی و تعالی هر جامعه در گرو زیست اعضای آن در سایه فرهنگ غنی و کمال‌یافته است. فرهنگ یک جامعه زمانی در مسیر کمال و ترقی قرار می‌گیرد که قدرت تحمل افراد در برابر عقاید، گرایش‌ها و سلیقه‌های مختلف بالا رفته و برای یکدیگر احترام قائل شوند. روحانیت در مقام قشر نخبه فرهنگی تنها زمانی می‌تواند بر عرصه فرهنگ عمومی و نخبگانی تأثیرگذار باشد که برای همه اقشار پیام مناسب داشته باشد و از طرد و کناره‌گیری از یک بخش به نفع بخش دیگر پرهیز نماید. کاهش آستانه تحمل در پذیرش و همراهی با سلیقه‌های مختلف در جامعه، سبب طرد برخی گروه‌ها و جداافتادگی فرهنگی آنها به‌ویژه در زمینه امور و مسائل مرتبط با روحانیت است. بزرگ‌ترین آسیب چنین رویکردی، چندپارگی فرهنگی و سربرآوردن پاره‌فرهنگ‌های گروهی، قومی، جنسی، ایجاد بدبینی به روحانیت و خنثی‌سازی تلاش‌های مجدانه آنهاست و این امر تلاش روحانیت در زمینه انسجام، تعامل و پیوند بخش‌های مختلف جامعه را با ناکامی روبه‌رو خواهد ساخت.

۵.۴. پیامدهای اعتقادی

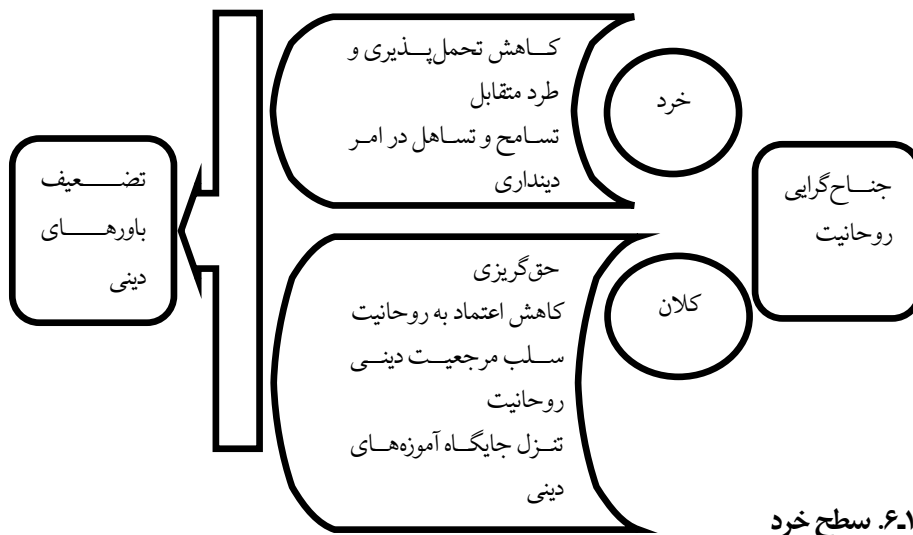
اعتبار و منزلت روحانیت بیش از هر چیز به‌واسطه انتساب آنان به دین است و به دلیل اهمیت و اولویتی که اعضای جامعه دینی برای موضوعات دینی قائل‌اند، قرارگرفتن در کانون توجه مخاطبان برای روحانیون، مستلزم صیانت از این منزلت است که مهم‌ترین سرمایه اجتماعی برای آنان تلقی می‌شود. با وجود این، گرایش‌های سیاسی که اغلب در وابستگی به جریان‌ها و جناح‌های سیاسی تبلور پیدا می‌یابد، از اموری است که سبب می‌شود افراد و گروه‌های اجتماعی رغبت چندانی برای نزدیک‌شدن به روحانیون از خود نشان ندهند. این امر از آن جهت اهمیت دارد که جامعه دینی متشکل از نحله‌های فکری و مذهبی، گروه‌های قومی و نژادی و غیر آن است و هر کدام از آنها درباره موضوع‌ها و مسائل جامعه خود دارای سلیقه‌ها، گرایش‌ها، باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های خاص هستند و در چارچوب آنها به تحلیل و داوری درباره پدیده‌ها و امور می‌پردازند.

واقعیت آن است که وابستگی به جناح‌های سیاسی به دلیل احساس وابستگی به حزب یا جناح خویش، گاه ممکن است به عدول از چارچوب‌های فکری و اعتقادی بخش‌های مختلف جامعه

رضایت دهند و بدیهی است این امر مطلوب کسانی که پای‌بند به این مبانی هستند، نخواهد بود. بر این اساس، یکی از مهم‌ترین پیامدهایی که این‌گونه گرایش‌های سیاسی برای روحانیون دارد، شکل‌گیری این ذهنیت در جامعه است که منافع و مصالح حزبی و گروهی نزد روحانیون، اهمیت و اولویت بیشتری نسبت به مبانی فکری و اعتقادی‌شان دارد و بی‌گمان این امر در سست‌شدن پایه‌های اعتقادی اعضای جامعه که به روحانیت به عنوان الگوهای دینی نظر دارند، نقش انکارناپذیری دارد.

۶. جناح‌گرایی روحانیت و تضعیف باورهای دینی

وابستگی به جناح‌ها و جریان‌های سیاسی برای روحانیت در دو سطح «خرد» و «کلان» پیامدها و آثاری دارد. در سطح خرد، حق‌گریزی، کاهش تحمل‌پذیری روحانیون و طرد متقابل یکدیگر و نیز رواج تساهل و تسامح در امر دینداری و در سطح کلان، کاهش اعتماد به روحانیت، سلب مرجعیت دینی روحانیت و تنزل جایگاه آموزه‌های دینی را موجب می‌گردد و هر کدام از اینها در تضعیف باورهای دینی اعضای جامعه نقش بسزایی دارند. چگونگی رابطه این سطوح در قالب مدل زیر نمایش داده شده است:



۶-۱. سطح خرد

۶-۱-۱. کاهش تحمل‌پذیری و طرد متقابل

گرایش به جناح‌ها و احزاب سیاسی اغلب سبب می‌شود افراد با ورود به قلمرو آنها، به دلیل تعلق



و تمایل شدید به اهداف و آرمان‌های آنها، همه توان خود را برای تحقق مطلوب و حداکثری آنها به کار گیرند؛ هرچند این اهداف و آرمان‌ها در تعارض و تضاد با دیگر جناح‌ها و جریان‌های سیاسی باشد. بدین سبب از همان آغاز در صدد غیریت‌سازی برآمده و جناح‌ها و جریان‌های دیگر را غیر خود تلقی می‌کنند. به بیان امام خمینی، جبهه‌بندی در نهایت معارضه پیش می‌آورد و هر جناح برای حذف و طرد طرف مقابل خود واژه و شعاری انتخاب می‌کند (ر.ک: امام خمینی، ج ۲۱: ص ۲۸۷). البته ایشان با اصل وجود تشکل‌ها و گروه‌های سیاسی مخالف نبوده‌اند؛ بلکه نگرانی ایشان از تقابل و تعارض جناح‌های مؤمن به انقلاب به گونه‌ای است که باعث سوءاستفاده دشمنان و مرفهان گردد (همان، ج ۲۱: ص ۲۷۸).

ورود این طرز تلقی به فضای طلبگی و حوزه علمیه، باعث می‌شود روحانیون دیدگاه‌ها و آرمان‌های جناح دیگر را برتائیده و به طرد و انزوای آن رضایت دهند؛ هرچند که آنان طلبه‌هایی از جنس خود و دارای شئون حوزوی باشند. بنابراین اختلاف و دودستگی میان روحانیون، یکی از پیامدهای جناح‌گرایی آنان است. حال آنکه روحانیت یک صف بیشتر ندارد و این صف در خط مقدم تلاش برای هدایت و سعادت جامعه است و برتری یافتن منافع گروهی و جناحی بر هدف هدایت و سعادت جامعه، برای روحانیون خطر بزرگی است که خروجی آن اختلاف، دودستگی، دشمنی و طرد متقابل یکدیگر خواهد بود.

بررسی پیشینه قیام‌ها و حرکت‌های دینی و مذهبی در ایران و جهان اسلام نشان از آن دارد که ریشه اصلی آسیب به ایمان مردم، وجود اختلاف، دودستگی و طرد متقابل رهبران و نخبگان جامعه توسط یکدیگر بوده است. سقوط اندلس، ناکامی جنبش مشروطیت، اشغال فلسطین، سقوط دولت عثمانی، نافرجامی نهضت ملی نفت و غیر آن نمونه‌های عینی این واقعیت‌اند.

جان فوران در تحلیل نظری انقلاب اسلامی، با استناد به دیدگاه پژوهشگران انقلاب، معتقد است انقلاب ایران حاصل ائتلاف طبقاتی و مردمی بوده است (فوران، ۱۳۷۷: ص ۵۶۶). او در مقایسه با نهضت‌ها و انقلاب‌های پیشین مانند جریان ملی شدن نفت در سال ۱۳۳۲ و قیام ۱۵ خرداد در سال ۱۳۴۲، ابراز می‌دارد: «یکی از عوامل پیروزی، انسجام و قدرت بیشتر ائتلاف مردمی در سال ۱۳۵۷ بود» (همان: ص ۵۸۵).

قرآن کریم تفرقه و اختلاف را باعث سستی ایمان و رفتن حیثیت مؤمنان دانسته است و دینداران را از قرارگرفتن در ورطه نزاع و اختلاف نهی کرده است: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا

فَتَقَشَّلُوا وَ تَذَهَبَ رِيحُكُمْ؛ از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با یکدیگر به نزاع برنخیزید که ناتوان شوید و نیروی‌تان از بین برود» (انفال: ۴۶). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه آورده است: «یعنی با نزاع و کشمکش در میان خود ایجاد اختلاف نکنید و در نتیجه خود را دچار ضعف اراده مسازید و عزت و دولت و یا غلبه بر دشمن را از دست دهید؛ چون اختلاف، وحدت کلمه و شوکت و نیروی شما را از بین می‌برد» (طباطبایی، ج ۹: ص ۱۲۶).

به اعتقاد امام راحل، وظیفه روحانیت حفظ اسلام است تا از این طریق بتوانند مردم را با خود همراه سازند و این امر تنها از طریق وحدت امکان‌پذیر می‌گردد. ایشان تفرقه و اختلاف را از دسیسه‌های شیطان و حفظ اسلام را در گرو کنار هم بودن روحانیون دانسته و می‌فرمود: «از مکاید ابلیس است که نمی‌گذارد همه با هم باشند» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲۰: ص ۵۷). در جای دیگر، تقابل جناح‌های سیاسی روحانیون را موجب سوءاستفاده دشمنان دانسته و می‌فرماید: «من برای حفظ اعتدال جناح‌ها همیشه تذکرات تلخ و شیرینی داده‌ام؛ چرا که همه را فرزندان و عزیزان خود می‌دانم. البته هیچ‌گاه نگران مباحثات تند طلبگی در فروع و اصول فقه نبوده‌ام؛ ولی نگران تقابل و تعارض جناح‌های مؤمن به انقلابم که مبدا منتهی به تقویت جناح رفاه‌طلب بی‌درد و نق بزن گردد» (همان، ج ۲۱: ص ۲۷۸).

۲-۶-۱. رواج تساهل و تسامح در امر دینداری

هر چند آموزه‌ها و احکام اسلامی مطابق نیازها و ظرفیت‌های وجودی انسان‌ها وضع گردیده است و بنای بر ایجاد تکلیف اضافی یا به زحمت انداختن آنان برای پذیرش دین نبوده است (بقره: ۲۸۶)، ولی ساده‌سازی آموزه‌های دینی و تمکین نکردن به حقیقت احکام شریعت، به تدریج موجب بازشدن دریچه‌های تسامح و تساهل به روی مکلفان در امر دینداری می‌گردد. اعضای جامعه روحانیون را الگوی دینداری خویش می‌دانند و انتظار دارند در همه شئون زندگی اجتماعی خویش در رعایت جوانب شرعی کوشا باشند. چنان‌که به هر دلیل این صنف از برخی وظایف ذاتی خود نسبت به دین از خود سستی نشان دهند، جامعه نیز با تاسی از آنان در امور دینی خویش سهل‌انگاری خواهند کرد.

متأسفانه امروزه ورود به جریان‌های سیاسی، با برخی محذورها و اقتضانات همراه است و اعضا برای تمکین و تبعیت از این اقتضانات، گاه وادار می‌شوند تا هرچند ناخواسته، از برخی اصول و ارزش‌های دینی خود به نفع منافع حزبی و جناحی چشم‌پوشی کنند. این چشم‌پوشی‌ها که



اغلب برای موجه‌سازی آنها تلاش‌های ناموجهی صورت می‌گیرد، اگر مورد استلای سیاست‌ورزان روحانی واقع شود، موجب بدبینی دینداران می‌گردد. در چنین شرایطی، زمانی که روحانیون با ارائه توجیه‌های غیر منطقی به‌ویژه بهره‌گیری غیراصولی از قاعده‌هایی مانند «اهم و مهم» یا حفظ نظام و مانند آن درصدد توجیه اعمال و رفتارهای خود در وابستگی به جناح‌های سیاسی بر آیند، نتیجه این قبیل رفتارها در عمل فراخواندن افراد به امکان دست‌شستن از آموزه‌های دینی و تسامح در دین خواهد بود. نیز هنگامی که اعضای جامعه احساس کنند روحانیت به عنوان اصلی‌ترین مرجع و الگوی تبیین و معرفی آموزه‌های دینی، رفتار و عمل‌شان ناسازگار با حقیقت آموزه‌های دینی است، به تدریج باورها، نگرش‌ها و گرایش‌هایشان درباره آموزه‌های دینی به سستی گراییده و از جنبه عملی نیز در انجام‌دادن وظایف و تکالیف شرعی خویش جدیت کافی نشان نمی‌دهند.

۶-۲. سطح کلان

۶-۲-۱. حق‌گزیزی

یکی از پیامدهای ناخواسته تمایل افراطی به جناح‌های سیاسی در جامعه، حق‌گزیزی است که در این صورت معیار اعضای جامعه برای پذیرش حق، گرایش‌های جناحی و قضاوت‌های شخصی است، حال آنکه طبق آموزه‌های دینی، معیار داوری درباره امور، حقیقت و واقعیت نفس‌الامری است. به این سبب امیر مؤمنان علی علیه السلام در پاسخ شخصی که در جنگ جمل از ایشان پرسید چگونه ممکن است شخصیت‌هایی مانند طلحه، زبیر و عایشه بر باطل اجتماع کنند و راه باطل را بپیمایند، فرمود: «إِنَّ دِينَ اللَّهِ لَا يُعْرَفُ بِالرِّجَالِ بَلْ بِآيَةِ الْحَقِّ وَ اعْرِفِ الْحَقَّ تَعْرِفِ أَهْلَهُ؛ دین خدا با معیار افراد شناخته نمی‌شود؛ بلکه با معیار حق شناخته می‌شود، حق را بشناس تا اهل آن را بشناسی» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ص ۲۹۶).

آنچه در اسلام معیار شناخت است، نه گروه‌ها، افراد، گرایش‌های سیاسی و دیگر تعلقات آنان، بلکه همه امور با معیار حق سنجیده می‌شوند و آن مقدار از تعلقات و دیدگاه‌ها قابل اعتنا و اعتبار است که بر محور حق ارزیابی گردد. بدین سبب گرایش به جناح‌های سیاسی از طرف روحانیون و حمایت بی‌چون و چرا از آنها به این دغدغه منجر می‌گردد که اعضای جامعه به تدریج به جای تمکین از معیار حق، سراغ دیدگاه‌های افراد و گرایش‌های آنان بروند و به‌جای داوری درباره آنها بر محور حق و واقع، بر اساس تعلقات خویش درباره آنها قضاوت کنند و آنها را به‌جای حق نشانده و پدیده‌های سیاسی را بر محور آنها بسنجند.

مسئولیت تبیین، تحکیم و تبلیغ دین و آموزه‌های آن به عهده روحانیت است. بی‌گمان این رسالت تنها زمانی تحقق‌پذیر است که روحانیت از پایگاه اعتمادی کافی در میان دینداران برخوردار باشد و مسیر و زمینه‌های انتقال و دریافت پیام میان آنان و مخاطبان دارای سازوکار نظام‌مند و تعریف‌شده باشد؛ از این رو چنانکه به هر دلیلی این پایگاه اعتمادی آسیب ببیند، امکان ارتباط‌گیری مناسب و تأثیرگذاری بر مخاطب با مشکل روبه‌رو خواهد شد.

متأسفانه به رغم منع جدی آموزه‌های اسلامی از ورود غیرآگاهانه به موضوع‌ها و مسائل زندگی، گاه دیده می‌شود برخی از ورودهای روحانیون به حوزه سیاست به عنوان یک حوزه دانشی، غیرهوشمندانه و بدون آگاهی از ابعاد و عمق آنهاست. ورود غیرعالمانه به مسائل تخصصی در نگاه اسلامی مذموم است و به این سبب خداوند در قرآن کریم خطاب به رسول خدا فرموده است: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا؛ دنبال چیزی را که بدان علم نداری مگیر؛ زیرا گوش، چشم و دل، همه بازخواست خواهند شد» (اسراء: ۳۶). بر همین اساس، بزرگان دین دربارهٔ تجارت و کسب درآمد از طریق فعالیت اقتصادی، آگاهی از شیوه معامله‌کردن و آگاهی از ابعاد و جزئیات آن را ضروری دانسته‌اند؛ از این رو امام علی علیه السلام فرموده است: «مَنْ اتَّجَرَ بَعَيْرِ فِقْهِ فَقَدْ اِزْتَمَ فِي الرُّبَا؛ آن که بدون آشنایی با احکام به تجارت پردازد، در ورطه ربا گرفتار شود» (شریف رضی، ۱۳۹۵ق: ص ۴۳۹). اگر ورود به عرصه تجارت که با بُعد مادی حیات انسانی مرتبط است، به شناخت و آگاهی کامل نیاز دارد، ورود به میدان سیاست که با فکر و روان انسان‌ها ارتباط می‌یابد، به آگاهی بیشتر نیاز دارد.

با وجود چنین تأکیدها و ملاحظه‌هایی، ضروری است فضیلتی حوزه علمیه که از جایگاه مرجعیت علمی در حوزه معارف اسلامی برخوردارند، بدون آگاهی کافی از فرایندهای سیاسی و اقتضانات امور سیاسی، از ورود به عرصه‌هایی که به تخصص کافی نیازمندند، پرهیز نمایند. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که چگونگی تصمیم‌گیری‌های سیاسی، نقش احزاب، تشکلهای و جریان‌های سیاسی در شکل‌گیری تصمیم‌های سیاسی، فرایند خلق و ایجاد امر سیاسی، اقتضانات، اصول حاکم و سازوکار مواجهه با امور سیاسی و موضوعاتی از این دست، جز با آگاهی از ماهیت این پدیده‌ها و کسب تجربه و تخصص برای مواجهه با آنها امکان‌پذیر نیست و هرگونه ساده‌سازی در این زمینه، نزد کارشناسان و صاحب‌نظران این حرفه پذیرفته نیست. این امر



از مصادیق ورود غیر آگاهانه و غیر مسئولانه در یک موضوع تلقی می‌شود که در منابع و متون دینی از آن نهی شده است. نخستین آسیب چنین مواجهه‌ای، سلب اعتماد مخاطبان از روحانیون در زمینه موضوعات و مباحث مهم دیگری است که رسالت اصلی آنان تلقی می‌گردد و این انتظار وجود دارد که درباره آنها بتواند اقناع کافی برای مخاطبان خویش ایجاد کنند.

۶-۲-۳. سلب مرجعیت دینی روحانیت

جناح‌های سیاسی از یک سو طرفداران و مخالفان فراوان دارند و از سوی دیگر واجد ضعف‌ها و قوت‌های متعدد هستند و همچنان که طرفداران بر قوت‌ها تأکید می‌ورزند و ضعف‌ها را نادیده می‌شمارند، مخالفان به طور گسترده برای برجسته‌کردن و عیان‌سازی ضعف‌ها تلاش می‌کنند. بر این اساس، باید دانست طرفداری یا مخالفت روحانیت با یک جناح سیاسی در حالی صورت می‌گیرد که اعضای جامعه به‌ویژه مخالفان، از ضعف‌ها و آسیب‌های آن آگاهی کامل دارند و طرفداری روحانیون از آن را بر ناآگاهی یا داشتن منافع حمل می‌کنند که هر دو برای روحانیون مذموم است و به موقعیت آنان آسیب وارد می‌کند. بی‌گمان کاهش منزلت روحانیت به معنای آسیب دیدن مرجعیت دینی آنان و گرایش به اندیشه‌های رقیب به‌ویژه اندیشه‌های غیردینی برای برآورده شدن نیازهای روحی و معنوی است.

افزون بر این، روحانیت به عنوان مرجعیت دینی جامعه، حامل پیام دین برای همه اقشار، گروه‌ها، جناح‌ها و تشکل‌های سیاسی است و این پیام می‌بایست بدون در نظر گرفتن سلیقه‌ها، گرایش‌ها و طرز تلقی‌ها به گوش همگان برسد و از یک‌سو نگرانی و اختصاص آن به قشر یا گروه خاص پرهیز شود. تمرکز پیام دین برای یک جریان خاص، سبب می‌شود دیگر گروه‌ها، از حاملان پیام دین فاصله گرفته و با آنها احساس قرابت و همسویی نداشته باشند. بی‌گمان کمترین پیامد فاصله گرفتن دینداران از حاملان و مبلغان پیام دین آن است که به تدریج شناخت و تمایل آنان به آموزه‌های دین روند کاهشی یافته و برای جبران آن جذب اندیشه‌های رقیب شوند و پاسخ پرسش‌های خود را از آن طریق جستجو کنند.

این در حالی است که قرآن کریم بارها مؤمنان را از دوستی و گرایش به غیر مؤمنان پرهیز داده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْفُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمن من و دشمن خودتان را دوستان خود مگیرید، آیا با آنان دوستی می‌کنید با اینکه به شریعت حقی که برای شما آمده است کفر

می‌ورزند» (ممتحنه: ۱). نیز فرموده است: «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعُنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بُيُوتًا وَإِنْ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبِثُ الْعُنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ؛ مثل کسانی که غیر خدا را به دوستی برگزینند همچون خانه‌ای است که عنکبوت بسازد و به‌درستی سست‌ترین خانه‌ها، خانه عنکبوت است اگر بدانند» (عنکبوت: ۴۱).

۶-۲-۴. تنزل جایگاه و منزلت آموزه‌های دینی

روحانیون به عنوان نگهبانان دین و شریعت الهی در موقعیت عدم حضور امام معصوم علیه السلام، پیوندی ناگسستگی با احکام و آموزه‌های دینی دارند و از این جهت، جامعه دینی با ارجاع به آنان از چستی و چگونگی وظایف دینی و شرعی خویش آگاهی می‌یابند. طرفداری از مواضع یک جناح سیاسی بدون ملاحظه نقاط ضعف آن و نیز بی‌توجهی به قوت‌ها و امتیازهای جناح رقیب، موجب تنزل جایگاه و منزلت آموزه‌های دینی نزد دینداران می‌گردد.

بی‌اهمیتی و بی‌مبالاتی نسبت به احکام و آموزه‌های شرع، موجب پناه‌بردن به دامان سکولاریسم می‌گردد. سکولاریسم هرچند به طور مستقیم به نفی دین حکم نمی‌کند، منزلتی نیز برای احکام و آموزه‌های دینی قائل نیست. یکی از دلایل این بی‌مبالاتی، اولویت‌یافتن منافع گروهی و جناحی بر اصول و ارزش‌های دینی نزد متولیان امر دین است که گاه هرچند به‌طور ناخواسته از سوی برخی مبلغان دینی یا کنشگران روحانیون سیاسی اتفاق می‌افتد. بی‌گمان در این مسیر گاه علایق و سلاطین سیاسی و جناحی لعاب دینی و شرعی به خود می‌گیرد و به‌ویژه طلاب جوان از باب تکلیف شرعی، علایق سیاسی خود را بر احکام شرعی تحمیل می‌کنند.

تقدم منافع گروهی و حزبی بر اصول و مبانی ارزشی و دینی، به مرور این ذهنیت را برای طیفی از مخاطبان که به لحاظ مبانی معرفتی دچار کاستی‌اند، ایجاد می‌کند که اساساً دین و اصول و ارزش‌های آن ابزاری برای تحمیل و تأمین مقاصد و اهداف حزبی بر جامعه است. امام خمینی با اشاره به مخاطره‌های تقدم منافع جناحی بر مصلحت دین و انقلاب می‌فرماید: «اگر در این نظام کسی یا گروهی خدای ناکرده بی‌جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت انقلاب مقدم بدارد، حتماً پیش از آنکه به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند، به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲۱: ص ۱۷۹).

نتیجه‌گیری

با توجه به پیوند تنگاتنگ میان آموزه‌های دین اسلام و سیاست جامعه، حضور در عرصه



کنشگری سیاسی برای طلاب حوزه‌های علمیه امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است امام خمینی علیه السلام، نماد پیشروترین روحانی سیاست‌ورز در جامعه اسلامی است که کنشگری سیاسی او آثار و برکات فراوانی برای جامعه اسلامی به همراه داشته است.

میان داشتن معرفت و بینش سیاسی، با گرایش و تعلق سیاسی به گروه‌ها و جناح‌های سیاسی، تفاوت و تمایز وجود دارد و هرچند اصل داشتن دانش سیاسی برای طلاب امری ضروری تلقی می‌شود، اما قرار گرفتن ذیل بیرق جناح‌ها و جریان‌های سیاسی برای روحانیون امری ناپسند است که دارای پیامدهای گوناگون، از جمله پیامدهای اعتقادی است و جامعه دینداران از آن تلقی منفی دارند.

بدون تردید جناح‌گرایی روحانیون تضعیف باورهای دینی را به دنبال دارد و موجب کاهش اعتماد به روحانیت، گرایش به اندیشه‌های رقیب، رواج تساهل و تسامح در امر دینداری، حق‌گریزی، تنزل جایگاه و منزلت آموزه‌های دینی و کاهش تحمل‌پذیری و طرد متقابل می‌شود.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۶)، صحیفه امام، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲. _____ (۱۳۸۸)، ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی، چاپ بیستم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۳. بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ نهم، تهران: نشر نی.
۴. تایشمن، جنی و وایت، گراهام (۱۳۷۹)، فلسفه اروپایی در عصر نو، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
۵. جمال‌زاده، ناصر (۱۳۸۲)، اصطلاحات سیاسی، قم: نشر پارسیان.
۶. حق‌شناس، علی محمد و دیگران (۱۳۸۶)، فرهنگ معاصر هزاره، چاپ هفتم، تهران، فرهنگ معاصر.
۷. دیلمی، حسن (۱۴۱۲ق)، إرشاد القلوب إلى الصواب، چاپ اول، قم: شریف رضی.
۸. رنی، آستین (۱۳۷۴)، حکومت؛ آشنایی با علم سیاست، ترجمه: لیلا سازگار، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.



۹. شریف رضی (۱۳۹۵ق)، نهج البلاغه، تدوین: صبحی صالح، قم: هجرت.
۱۰. شیرازی، صدرالدین (۱۳۵۴)، المبدأ والمعاد، تصحیح سیدجلال‌الدین آشتیانی، تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
۱۱. صدوق، محمدبن‌علی بن بابویه (۱۳۶۲)، الخصال، ج ۱، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. فوران، جان (۱۳۷۷)، مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه: احمد تدین، چاپ اول، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
۱۴. کریمی، محمدکاظم (۱۳۹۵)، «ساحت اجتماعی سکولاریسم»، اسلام و مطالعات اجتماعی، ش ۱۲.
۱۵. کوزر، لیویس (۱۳۶۹)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی.
۱۶. گیدنز، آتونی (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، چاپ شانزدهم، تهران: نشر نی.
۱۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

نقش مساجد در تعمیق باورهای دینی

حامد قرائتی*

چکیده

تاریخ پرفراز و نشیب اسلام شاهد تأثیرگذاری عناصر مختلف داخلی و خارجی در عرصه اندیشه و فرهنگ اسلامی بوده است. تأثیر و تأثری که به دلیل فقدان اهتمام لازم در تعمیق باورهای دینی، در موارد متعددی فرصت‌ها را تبدیل به تهدیدهای معرفتی کرده است؛ به گونه‌ای که در مواردی همچون مهدویت و قیام سیدالشهداء(ع) آن زمان که دچار سطحی‌گرایی شده و از عمق کافی بی‌بهره باشد، می‌تواند به تهدیدی عقیدتی همچون ظهور مدعیان دروغین مهدویت و یا قرائت‌های اباحه‌گرایانه در موضوع قیام سیدالشهداء(ع) مبدل گردد. این مقاله تلاش دارد با تکیه بر منابع قرآنی، حدیثی و تاریخی و واقعیت‌های اجتماعی و با رویکردی کاربردی و روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی نقش مساجد در تعمیق باورهای دینی بپردازد. هدف مقاله تبیین نقش مسجد در تعمیق باورهای دینی است و در پایان به این نتیجه دست یافته است که مساجد در مقایسه با دیگر اماکن مذهبی علاوه بر تأمین نیازهای احساسی و آیینی، به تقویت ابعاد استدلالی و برهانی آموزه‌های دینی پرداخته و کمتر دچار گفتمان‌های انحرافی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها

مساجد، باورهای دینی، مناسک دینی، روحانیون، اماکن مذهبی



محروم ماندن جوامع اسلامی از رهبری معصومانۀ اهل بیت علیهم السلام سبب شد تا مذاهب و فرقه‌های مختلفی پا به عرصه ظهور گذارند. گروه‌هایی که آگاهانه یا ناآگاهانه ترسیم‌کننده مسیرهایی از دین باوری بودند که هرچه بیشتر انسجام و اتحاد امت اسلامی را تهدید کرده و آحاد مسلمانان را از دستیابی به حقایق راستین اسلامی دور می‌ساخت؛ به گونه‌ای که تاریخ اسلام و به‌ویژه عصر حاضر شاهد ظهور فرقه‌های متعددی در جوامع اسلامی است که نه تنها بهره‌چندانی از معارف اسلامی نبرده، بلکه حتی به نابودی اسلام کمر بسته‌اند. چنین سرنوشتی را علاوه بر تاریخ اهل بیت علیهم السلام می‌توان در دیگر عناصر حیاتی دین اسلام همچون قرآن و مساجد نیز مشاهده کرد؛ سرنوشتی که می‌توان از آن به عنوان بدل‌سازی و منصرف‌ساختن امت اسلامی از مقومات معرفتی خود در پوشش نوآوری یاد کرد. چنین تلّون و تعددی، آن‌گاه آسیب‌زننده‌تر می‌شود که این میهمانان نوخوانده یا ناخوانده از سوی برخی و به احتمال از سر دلسوزی، پشتوانه‌های دینی می‌یابند. چه اینکه از دیرباز افراد و گروه‌هایی با هدف خلق اسلامی جدید که با آمال و خواسته‌هایشان در تعارض نباشد، به بازتعریف معارف، مبانی و آموزه‌های اسلامی اقدام کردند؛ مکاتبی که با تسامح رویکردهای مشترکی همچون تکلیف‌گریزی، اباحه‌گرایی، باطنی‌گرایی و افراط‌گرایی داشته‌اند و این اتفاقی نیست که اجتماعشان حتی المقدور از مساجد به دورند.

تعمیق باورهای دینی به عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای این تحقیق عبارت است از نوعی باورمندی به معارف دینی که مبتنی بر منابع معتبر و تحت اشراف عالمان دینی شکل گرفته و از کج‌روی، افراط‌گرایی و عوام‌زدگی به دور باشد. در این تعریف، باورهای دینی محدود به آیین‌ها، مراسم و جنبه‌های ادبی، احساسی و نمادین نبوده و دارای حقایق تعالی‌بخش اعتقادی، فقهی، اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می‌باشند.

مسجد دیگر متغیر این تحقیق است. نهادی با اهداف، احکام و قوانین منضبط در منابع اسلامی است که به‌رغم ظهور اماکنی مانند تکیه، خانقاه، رباط، جم‌خانه، جماعت‌خانه، امام‌باره و نمازخانه، هنوز جایگاه و کارکرد خود را در تمامی جوامع اسلامی حفظ کرده و دارالحکومه رسول خدا صلی الله علیه و آله به عنوان خاتم النبیین و مهدی منتظر علیه السلام به عنوان خاتم الاوصیا خواهد بود (المشهدی، ۱۴۱۹ق: ص ۱۳۵). مساجد مراتب متعددی دارند؛ به گونه‌ای که مساجد اربعه (مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد الاقصی و مسجد جامع کوفه) دارای فضایل و حتی احکام



اختصاصی هستند و در رتبه بعدی مساجد جامع، محله، شخصی و بازار قرار دارند. در این میان و در یک نام‌گذاری عرفی در برخی از مناطق از نکایا به عنوان مساجد شیعیان یاد شده است. این در حالی است که تکیه در فرهنگ صوفیانه نام دیگری از خانقاه است (عنصری، ۱۳۸۷: صص ۵۱ و ۱۲۶) و در فرهنگ مشرعه عبارت است از مکانی برای عزاداری و یادکرد از فضائل و مصائب اهل بیت علیهم‌السلام که به طور عمده با نام یکی از اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان فاطمیه، حسنیه، حسینیه، مهدیه، عباسیه، زینبیه و... زینت یافته و در گذشته نه چندان دور مشتمل بر برخی نمادهای صوفیانه بوده است (مستوفی، ۱۳۸۶، ج ۱: ص ۴۴۲؛ نجمی، ۱۳۷۰: ص ۲۶۵). از دیگر اماکنی که در کاربردهای عرفی و با تسامح، مسجد انگاشته می‌شوند، نمازخانه‌ها می‌باشند؛ در حالی که این اماکن نیز به لحاظ لغوی و فقهی فاقد شرایط، ضوابط و فضایل مسجد بوده و ابتکاری برای تأکید بر نماز جماعت در برخی از فضاهای عمومی دانسته می‌شوند. به هر روی مراد از مسجد در این تحقیق تنها اماکنی خواهد بود که استعمال این نام بر آنها به لحاظ لغوی و فقهی صحیح بوده و دارای احکام و فضایل اختصاصی و منصوص باشند.

بررسی کارکرد و نقش مساجد در تعمیق باورهای دینی گرچه برای نخستین بار نیست که مورد توجه قرار گرفته با این همه ابعاد مختلف این موضوع نیازمند اهتمام بیشتر است. برخی از آثاری که به صورت ضمنی به این موضوع پرداخته‌اند عبارتند از: مقالات «نقش اماکن مذهبی تهران در تقویت گفتمان مقاومت و پایداری در دوره قاجار» (قرائتی، ۱۳۹۲: صص ۱۱۵-۱۵۹)، «بررسی تاریخی نقش آفرینی مسجد مدرسه‌ها در اصلاح و ارتقای گفتمان دینی؛ نمونه پژوهشی تهران در دوره قاجار» (صفری فروشانی و قرائتی، ۱۳۹۵: ش ۳۰)، «نقش اماکن مذهبی در گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی دوره قاجار؛ بررسی مورد تهران» (قرائتی، ۱۳۹۳، ش ۶۰) و کتاب‌هایی با عنوان رساله المسجد اثر عبدالمعطی، وظیفه المسجد فی المجتمع اثر صالح بن ناصر الخزیم (۱۴۱۹ق)، الأثر التربوی للمسجد به قلم صالح بن غانم السدلان (۱۴۱۹ق)، المسجد و دوره التعليمی عبر العصور من خلال الحلق العلمیه اثر عبدالله الوشلی (۱۴۰۸ق)، جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی به قلم رضایی (۱۳۸۲)، کارکرد مساجد به قلم جمعی از نویسندگان (۱۳۸۴)، مسجد و تأثیرات علمی و اجتماعی آن در جامعه اسلامی (از آغاز اسلام تا پایان حکومت اموی) اثر فراهتی (۱۳۸۲). گرچه ممکن است در بخشی از این آثار به صورت غیرمستقیم به نقش مساجد در تعمیق باورهای دینی پرداخته شده باشد، این موضوع به صورت مستقل مورد توجه نبوده است. همچنین با وجود اینکه آثار غیرفارسی قرابت بیشتری با مسئله این



تحقیق دارند، ولی ناظر به جوامع عربی و غیر شیعی بوده‌اند و بیگانه از فرصت‌ها و استعداد‌های موجود در جامعه ما می‌باشند.

۱. نقش مساجد در تبلیغ و آموزش باورهای دینی

باور به آموزه‌های دینی از مرحله تبلیغ شروع شده و می‌بایست به مرحله آموزش منتهی شود. در این میان، روشن است که اختلال و ناکارآمدی در هر دو حیطة به ظهور باورهای جاهلانه و قرائت‌های ناصحیح از تعالیم دینی منجر شده و به آسیب‌های جبران‌ناپذیری خواهد انجامید؛ از این رو اهتمام نهادهای متولی تبلیغ و آموزش دینی به محتوا، ابزار و بستر آموزشی بسیار تأثیر گذار است و فقدان ملاحظات پیش‌گفته و فعالیت نهادهای، افراد، مکاتب و گروه‌های معارض یا دست‌کم ناکارآمد خواهد توانست مستقیم یا غیر مستقیم عامل ظهور و بروز باورهای انحرافی و التقاطی در عرصه دین و مذهب گردد. همان‌طور که در تاریخ معاصر، مهدی‌باوری به دلیل خروج از مسیر تبلیغی و علمی بارها باعث ظهور فرقه‌ها و گروه‌های انحرافی همچون باییت، بهائیت و در عصر حاضر احمد الحسن بصری شده است. بررسی این موضوع به‌ویژه در عصر حاضر که ابزارهای تبلیغی و آموزشی تنوع قابل توجهی یافته‌اند، اهمیت بیشتری دارند.

۱.۱. اولویت کارکرد علمی و آموزشی

مساجد از دیرباز و مبتنی بر احادیث اولیای دین، محل فراگیری آموزه‌های دینی در قالب‌های متنوع رفتاری و گفتاری بوده و هستند و این امر نه به عنوان یک کارکرد حاشیه‌ای، بلکه به عنوان یک هدف و انگیزه اصلی از حضور در مساجد بوده است. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیثی توصیه کرده‌اند که انگیزه مؤمنان از حضور در مساجد فراگیری علم و یا آموزش دادن باشد.^۱ نه تنها رسول

۱. قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «من جاء مسجدي هذا لم يأْت الا لخير يتعلمه أو يعلمه فهو بمنزلة المجاهد في سبيل الله ومن جاء لغير ذلك فهو بمنزلة رجل ينظر إلى متاع غيره؛ هر کس به مسجد من آید و هدفی جز این نداشته باشد که خیری را یاد بگیرد یا یاد بدهد، او در حکم مجاهد در راه خداست و هر کس که برای غیر آن آید، همانند مردی است که به کالای شخصی دیگر نظر دارد» (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۲: ص ۴۱۸؛ قزوینی، بی‌تا، ج ۱: ص ۸۳؛ محمدی‌ری‌شهری، ۱۴۲۵ق، ج ۲: ص ۳۴۲). یا در حدیثی دیگر ابی‌الدرداء از رسول الله نقل می‌کند که «ما من رجل یفدوا إلى المسجد لخير يتعلمه أو يعلمه إلا كتب له أجر مجاهد، لا ینقلب إلا [مغانما]؛ هر کسی که بامدادان برای یاد گرفتن یا یاد دادن خیری به مسجد در آید، دارای اجر مجاهد در راه خداست و باز نمی‌گردد مگر بهره‌مند» (کوفی، ۱۴۰۳ق، ج ۸: ص ۱۷۳).

خدا سَلَّمَ در عصر حاکمیت خود در مدینه، بلکه دیگر پیشوایان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز به رغم حاکمیت دیگران، بر حضور در مساجد با هدف آموزش و تبلیغ باورهای دینی اصرار داشتند؛ به گونه‌ای که امام علی بن الحسین عَلَيْهِ السَّلَامُ در شرایطی که به تازگی مصائب کربلا را متحمل شده و در عصر خفقان اموی (۴۰-۱۳۲) می‌زیستند، رسالت تبلیغ آموزه‌های اسلامی در مسجد النبی را پی می‌گرفتند و وعظ و ارشاد دینی ایشان در روزهای جمعه از برنامه منظم و مستمر در مسجد النبی بود.^۱ از مضمون برخی از احادیث استنباط می‌شود که برخی از صحابه از حضور در مسجد - به احتمال در غیر اوقات نماز - هدفی جز طلب علم نداشته‌اند.^۲

معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ علاوه بر انتقال معارف دینی به صورت تبلیغ که مشتمل بر قالب‌های بیانی، ادبی، احساسی و استدلالی است، بر ارائه معارف دینی در قالب مباحثه‌های علمی نیز اهتمام ویژه داشتند؛ زیرا همواره مخاطبان پس از آگاهی‌های اولیه و انگیزه‌یابی نیازمندی یک فرایند منضبط آموزشی هستند تا باورهای اولیه را عمق بخشیده و به علم و ایمان و عمل تبدیل کنند و علاوه بر محفوظ ماندن از بدعت‌ها، بر دفاع عالمانه از باورهای خود نیز قدرت یابند.

با مطالعه سیره رسول خدا سَلَّمَ به مواردی بر می‌خوریم که حضرت جلسه‌های علمی در مسجد را بر جلسه‌های عبادی ترجیح می‌دادند و طالبان علم در مسجد را افضل از عابدان توصیف می‌کردند.^۳ اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نه تنها خود بلکه اصحاب را نیز به تبلیغ و آموزش معارف دینی در

۱. «عن سعید بن المسيب قال: كان علي بن الحسين يعظ الناس ويترجمهم في الدنيا ويرغبهم في أعمال الآخرة بهذا الكلام في كل جمعة في مسجد رسول الله وحفظ عنه وكتب كان يقول: أيها الناس اتقوا الله واعلموا أنكم إليه ترجعون فتجد كل نفس ما عملت في هذه الدنيا من خير محضراً وما عملت من سوء تود لو أن بينها وبينه أمدا بعيدا ويحذركم الله نفسه، ويحك يا ابن آدم الغافل وليس بمغفل عنك» (كلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۷۲؛ صدوق، ۱۴۱۷ق: ص ۵۹۳).

۲. «وعن صفوان بن عسال رضی الله عنه قال: أتيت النبي سَلَّمَ وهو في المسجد متكى على برد على أحمر، فقلت له: يا رسول الله! يا رسول الله! إني جئت أطلب العلم. فقال: مرحباً بطالب العلم، إن طالب العلم لتتحفة الملائكة بأجنتها، ثم يركب بعضها بعضاً حتى يبلغوا سماء الدنيا من محبتهم لما يطلب» (شهيد ثانی، ۱۳۶۸: ص ۱۰۷؛ طبرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۸: ص ۵۴؛ فیض کاشانی، بی تا، ج ۱: ص ۲۳).

۳. «عن عبدالله بن عباس: أن رسول الله مرّ بمجلسين في مسجده، فقال: كلاهما على خير، وأحدهما أفضل من صاحبه، أما هؤلاء فيدعون الله ويرغبون إليه، فإن شاء أعطاهم وإن شاء منعهم، وأما هؤلاء فيتعلمون الفقه والعلم، ويعلمون الجاهل، فهم أفضل. وإنما بعثت معلماً. ثم جلس فيهم» (محمدی ری شهری، بی تا: ص ۳۱۲؛ محمدی ری شهری، ۱۳۷۹: ص ۷۹؛ قزوینی، بی تا، ج ۱: ص ۸۳).



مساجد توصیه کرده و آنها را در این زمینه راهنمایی می‌کردند.^۱ شاید بتوان تأکید و توصیه به حضور در مساجد و بیان فضایل دینی و یا بیان‌هایی همچون شکایت مساجد از تارکان آنها در قیامت و یا آبادانی مسجد به حضور در آن و.. را تلاش اولیای دینی برای گسترش فرایند آموزش معارف دینی در نهاد مسجد دانست.

۱-۲. حاکمیت ضوابط مادی و معنوی

آنچه ترویج و گسترش باورها در مساجد را از دیگر اماکن مذهبی متمایز می‌نماید، ضوابط سخت‌گیرانه الزامی و ارشادی در مساجد است؛ چه اینکه نه تنها معماری و کالبد مساجد که متشکل از مأذنه و منبر بوده و بر نقش رسانه‌ای و تبلیغی مسجد تأکید می‌کند، بلکه برنامه‌ها، متولیان و حتی موضوع‌های قابل طرح در مسجد نیز می‌بایست بر ضوابط و شرایط فقهی، اخلاقی و اجتماعی منطبق باشد؛ برای نمونه امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر زمان شیخی را دیدید که در مسجد در صدد طرح فرهنگ جاهلی است او را با پرتاب سنگ‌ریزه متنبه سازید.^۲ این توصیه‌ها و عملکردها حکایتگر اهتمام دین به صیانت از جایگاه تبلیغی و آموزشی مسجد و ممانعت از فعالیت تبلیغی ناآگاهان است. با تکیه بر گزارش پیش‌گفته قالب‌های ارائه نیز بسیار مهم و نقش‌آفرین‌اند؛ زیرا باورها و معارفی که تنها در قالب بیان خواب، قصه، شعر یا تجربه‌های شخصی عرضه شوند، با قالب‌های سنجش‌ناپذیری از جنس خود ابطال خواهند شد؛ از این رو اعتبار محتوا و معارف دینی نمی‌تواند جبران‌کننده سستی ابزارها و قالب‌های ارائه باشد.

۱-۳. استمرار فرایند تبلیغ و آموزش

امتیاز دیگر معارف عرضه‌شده در مساجد در مقایسه با دیگر نهادها، استمرار و گستردگی ارتباط است؛ چه اینکه برگزاری مجالس و برنامه‌های مذهبی در ایام خاص، زمینه‌ساز ظهور نوعی از

۱. «عن أبان بن تغلب، قال قلت لأبي عبد الله عليه السلام: إني أقعد في المسجد فيجيئ الناس فيسألوني فإن لم أجبهم لم يقبلوا مني، وأكره أن أجبهم بقولكم وما جاء عنكم فقال لي: انظر ما علمت أنه من قولهم فأخبرهم بذلك» (طوسی، بی‌تا، ج ۲: ص ۶۲۲؛ مجلسی، بی‌تا، ج ۲: ص ۸۰).

۲. «امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله: إذا رأيتم الشيخ يحدث يوم الجمعة في المسجد بأحاديث الجاهلية فأرموا رأسه بالحصى» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ص ۴۳۳).



دین‌داری موسمی و مناسبتی در جامعه شده است؛ به گونه‌ای که در چند روزی از سال کوری و برزن و خانه‌ها مملو از ابزارهای ارتباطی، مفاهیم و پیام‌های معرفی شده و پس از اتمام این ایام، به یکباره نه از ابزارها نشانی می‌ماند و نه از پیام‌ها، مخاطبان و حتی پیام‌دهندگان.

گویا موسمی بودن مراسم و تبلیغات معنوی باعث رواج دین‌داری فصلی و محدود ساختن فهم و عمل به باورهای دینی در محدوده‌های تعیین شده‌ی زمانی و مکانی شده است. نه تنها این‌گونه دین‌داری، بلکه متولیان این‌گونه از فعالیت‌ها نیز در ایام محدودی از سال با ساز و برگ رسانه‌ای پر زرق و برق به یکباره ظهور کرده و برنامه‌ها و برنامه‌ریزان فعال در اجتماع‌های مستمر مذهبی را متأثر از خود می‌نمایند بدون اینکه نسبت به بازتاب‌ها و پیامدهای مثبت و منفی این برنامه‌ها مسئولیتی را بپذیرند. این درحالی است که برنامه‌های مسجد گرچه متأثر از محدودیت‌های فقهی و اخلاقی چندان دارای زرق و برق‌های خیره‌کننده نیست، به دلیل محدود نبودن فعالیت‌هایش به روزهای خاصی از سال، ترسیم‌کننده گفتمان دینی فراگیر و مستمر بوده و با باورهای نمادین، زودگذر و محدود شده دینی (سکولار) تناسب چندانی ندارند.

۱-۴. جامع بودن محتوای تبلیغی و آموزشی

از دیگر امتیازات آموزش‌های دینی در مساجد که موجب تعمیق باورهای دینی می‌شود، محدود نماندن باورهای تبلیغ شده در قالب‌های مناسکی و آیینی است؛ چه اینکه از آسیب‌های رایج در باورهای دینی به ویژه در عصر حاضر، آیینی شدن باورهای دینی و کارکرد نمادین یافتن آنها می‌باشد. در چنین شرایطی معارف دینی به جای اینکه در ابعاد مختلف اجتماعی جاری و حاکم باشد، به بهانه تقدیس شدن، از دسترس مردم خارج شده و نوعی از تشیع مناسکی را در مقابل تشیع فقهاتی بر پا می‌دارد. در تشیع مناسکی باورهای دینی در قالب‌های شعری و ادبی رایج در مراسم مذهبی محدود مانده و قرار نیست نقش مسئولانه‌ای در عرصه‌های مختلف اجتماعی ایفا نمایند. مساجد بر خلاف بیشتر اماکن مذهبی، متأثر از احکام اختصاصی و تکلیف‌آور خود که از ساخت مسجد آغاز شده و حتی برگزاری نماز، امامت جماعت و تولیت مسجد را نیز شامل می‌شود، نمی‌تواند محدود به شعارها باقی مانده و مخاطبان مسجد نمی‌توانند پایبندی خود به آموزه‌ها و معارف دینی را تنها در تشکیل اجتماعات و حرکت‌های نمادین و یا زمزمه اشعار و قالب‌هایی از این دست به منصفه ظهور رسانند؛ چه اینکه حتی حضور در مسجد، مشروط به تحصیل شرایط اولیه و تعهدات فقهی، اخلاقی، اعتقادی، فرهنگی و



اجتماعی است. این الزامات حتی در معماری و تزیینات به کار رفته در اماکن مذهبی نیز قابل ملاحظه است؛ به گونه‌ای که در مساجد کمتر می‌توان شاهد تصاویر، مضامین، کتیبه‌ها و محتواهای نکوهش شده در آموزه‌های دینی بود.

۱.۵. دسترسی آسان به منابع و کارشناسان دینی

از دیگر ویژگی‌های آموزشی مساجد که نقش مهمی در تعمیق باورهای دینی دارد، فراگیری و تنوع مخاطبان و حاکم نبودن متغیرهای صنفی، اجتماعی، سیاسی، نژادی و حتی فرقه‌ای در مساجد است؛ بدین معنا که بر اساس آیات قرآنی هرگونه عامل جلوگیری کننده از بهره‌مندی مردم از مساجد از بزرگ‌ترین ظلم‌ها دانسته شده است.^۱ در چنین شرایطی است که فضای حاکم در مساجد به دور از تنش‌های اجتماعی بوده و حتی فرقه‌های مذهبی متخاصم نیز قادر نخواهند بود از حضور مخالفان در مساجد خود ممانعت کنند. این ویژگی افزون بر ایجاد شرایط عادلانه در بهره‌مندی از آموزش‌های مسجد، زمینه‌ساز گفت‌وگو، تعامل و تضارب آرا در مقولات معرفتی خواهد بود و این امر خود یک اصل مهم در تعمیق باورهای دینی است. همچنان‌که خداوند در قرآن کریم به این اصل تصریح دارد: «فَبَشِّرْ عِبَادِ (۱۷) الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ؛ پس مژده ده بندگان مرا (۱۷) آنهایی که سخنان مرا گوش فرا می‌دهند و از بهترین آنها پیروی می‌کنند، آنها هستند که خدا هدایتشان کرده و آنها هستند که صاحبان خرد ناب‌اند.» (زمر: ۱۷-۱۸).

به دلیل مناقشه‌های سیاسی دولت‌های اسلامی و افول گفتمان‌های تقریبی و به دور از سیاست‌ورزی اجانب، در عصر حاضر این عنصر نجات‌بخش را تنها می‌توان در مناسک حج مشاهده کرد. با توجه به رواج جریان‌های تکفیری و مناقشه‌های خونین مذهبی در عصر حاضر به نظر می‌رسد هرگونه اقدام و یا تدبیری که فروکاهنده نقش آفرینی مساجد در این کارکرد خود باشد، اشتباهی جبران‌ناپذیر در این زمینه خواهد بود.

البته گرچه عمده ویژگی‌های پیش‌گفته در بیشتر مساجد وجود دارد، «مسجد - مدرسه»‌ها که از نهادهای مهجور مانده عصر ما هستند، در این کارکرد دارای نقش مؤثرتری بوده‌اند؛ به گونه‌ای که

۱. «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ؛ و کیست ظالم‌تر از کسی که از مساجد خدا جلوگیری کرد از این که نام او در آنها برده شود» (بقره: ۱۱۴).

در اکثر شهرهای مذهبی و حتی تهران و در مقطع زمانی عصر قاجار، شاهد فعالیت بیش از سی مسجد - مدرسه هستیم که برخی از آنها ظرفیت آموزش بیش از ۲۰۰ طلبه را داشتند.^۱ مسجد - مدرسه‌ها نه مساجدی بودند که در آنها تنها به امور عبادی پرداخته شود و نه مدرسی که در آنها گاهی مباحث نظری و بیگانه از نیازها و مطالبات واقعی جامعه تدریس شود، بلکه مساجدی بودند که با بهره‌مندی از فضایی آموزشی و علمی، طلاب را به صورت خاص و عموم مردم را به صورت عام از فعالیت‌های آموزشی خود بهره‌مند می‌ساختند. برخی از امتیازات ویژه مسجد - مدرسه‌ها در تعمیق باورهای مذهبی را می‌توان به‌اختصار چنین برشمرد:

- آشناسدن مدرسان و محصلان علوم دینی با نیازها و چالش‌های جامعه و هدایت مباحث به سوی این نیازها و مطالبات؛

- ارتباط بی‌واسطه مردم با عالمان و منابع دینی به دلیل در دسترس بودن طلاب، استادان و حتی منابعی همچون کتابخانه برای عموم مردم؛

- اطلاع‌یافتن روحانیون و مبلغان دینی با جدیدترین شبهات و چالش‌ها به‌واسطه ارتباط مستمر و همه‌روزه با مردم.

- مشارکت و فعالیت استادان، محققان، طلاب، امامان و مبلغان دینی در یک نهاد و برنامه‌فراگیر عبادی - آموزشی که می‌توانست فعالیت‌های دینی به‌ویژه تعمیق باورها را به صورت جامع و همه‌جانبه تحقق بخشد.

۲. نقش مساجد در نظارت بر باورهای دینی

بسنده‌کردن به تبادل محتوای دینی و نظارت‌داشتن بر پیام‌ها و چگونگی انتقال مفاهیم، خواهد توانست ارتباطات دینی را از فرصتی در جهت تبلیغ و تعمیق باورهای دینی به تهدیدی مخاطره‌آمیز تبدیل کند. در این میان، مساجد به دلیل ضوابط دینی و اجتماعی‌شان، آسیب‌پذیری کمتری دارند. امتیازات مساجد در نظارت بر باورهای دینی را می‌توان به‌اختصار چنین برشمرد:

۲-۱. نظارت عالمان بر فعالیت‌های دینی

از امتیازات مساجد، اشراف عالمان و کارشناسان دینی بر فعالیت‌های تبلیغی و در نتیجه تعمیق

۱. به لحاظ کالبدی برخی از این اماکن، مانند مسجد - مدرسه کاظمیه، مسجد و مدرسه دو بنای مجزا بودند که با راهرویی به هم متصل می‌شدند و برخی مانند مسجد - مدرسه سپهسالار قدیم (شهید مطهری)، ساختمانی تلفیقی و حیاطی مشترک داشتند (حسینی بلاغی، ۱۳۸۶: ص ۴۵).



باورهای دینی می‌باشد. این امتیاز از آن جهت اهمیت دارد که در عرصه تبلیغ و تعمیق باورهای دینی، نقش آفرینی افراد و اصنافی که فاقد آگاهی‌های لازم اند باعث شده است تا علاوه بر رواج قرائت‌ها و گفتمان‌های نامعتبر یا کم‌اعتبار، آسیب‌هایی مانند ایجاد دین‌باوری کاذب، تغییر اولویت‌ها، افراط‌گرایی و اندیشه‌های التقاطی بروز و ظهور یابد. این فرایند چالش‌زا در مواردی نه به عنوان یک تهدید بالقوه، بلکه به یکی از ویژگی‌های همیشگی برخی از جوامع اسلامی تبدیل شده و شرایط نامطلوبی را در سطح کمی و کیفی باورهای مذهبی ایجاد کرده است. انگاره برتری برخی امامزادگان بر ائمه علیهم‌السلام یا انبیای الهی علیهم‌السلام، محدودشدن شناخت از ائمه علیهم‌السلام به سوگواره‌ها و ناتوانی مؤمنان از صیانت و دفاع عالمانه از باورهای دینی، منحصرشدن مسیر انتقال معارف دینی از طریق ادبیات آیینی و برخورد‌های نمادین با مفاهیم دینی از نشانه‌های چنین آسیبی است؛ از این رو به نظر می‌رسد شایسته است ذاکران و دیگر متولیان تبلیغ دینی مرجعی بجز عالمان فرهیخته دینی نداشته باشند و مناسبات دینی را به بازارهای رقابتی و معادلات معمول در عرصه و تقاضا تبدیل نکنند.

در این میان به نظر می‌رسد برخی از متولیان دینی نیز بدون توجه به ضرورت تعمیق باورهای دینی، در صدد توجیه و سندسازی برای باورها و رفتارهای عوامانه و حتی خرافی در عرصه دین و یا تقدم کمیت‌ها بر کیفیت‌ها برآمده و به دلیل موقعیت‌طلبی یا فقدان جسارت، از رسالت اصلی خود در هدایت مردم بازمانده‌اند.

به هر روی باورها، عبادت‌ها و حتی رفتارهای دینی افراد در مساجد، تحت اشراف عالمان باتقوا و مسئولیت‌پذیری همچون امامان جماعت‌ها قرار می‌گیرند؛ شرایطی که از یک اصل مهم پیروی می‌نماید و آن «نظارت عالم بر عابد» است. موضوعی که در قرآن کریم^۱ و احادیث متعدد بر آن بسیار تأکید شده است؛^۲ زیرا عابد در پی نفع و مصلحت خود و عالم در پی نجات امت بوده^۳ و

۱. «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ نَرَجَاتُ؛ خدا هم کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که به

آنها دانش عطا شده درجاتی (در دنیا و آخرت) بالا برد و خداوند از آنچه می‌دانید آگاه است» (مجادله: ۱۱).

۲. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه‌السلام قَالَ: عَالِمٌ يَنْتَعِقُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ؛ عالمی که از علمش سود برده شود افضل است

از هفتاد هزار عابد» (کلینی، ۱۳۶۲، ج: ۱، ص: ۳۳).

۳. «قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا علیه‌السلام: يُقَالُ لِلْعَابِدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَعَمَ الرَّجُلِ كُنْتُ - هَمَّتْكَ ذَاتُ نَفْسِكَ وَ كَفَيْتَ مَوْتَتَكَ فَادْخُلِ الْجَنَّةَ أَلَا إِنَّ الْقَبِيَةَ مِنْ أَقَاضِ عَلَى النَّاسِ خَيْرَةٌ وَأَتَقَدَّهُمْ مِنْ أَغْدَانِهِمْ وَ وَفَّرَ عَلَيْهِمْ نَعَمَ جَنَّاتِ اللَّهِ تَعَالَى وَ حَصَلَ لَهُمْ رِضْوَانُ اللَّهِ تَعَالَى



چه بسیار امت‌هایی که شیطان آنها را از راه بدعت و عبادت بدون علم به شرک و کفر و الحاد رهنمون شده است و این عالمان هستند که با بصیرت‌افزایی و تعمیق باورهای دینی مانع چنین هلاکت‌هایی می‌شوند.^۱

۲-۲. نظارت عمومی مؤمنان

در محیط مسجد افزون بر نظارت عالم و امام مسجد بر فعالیت‌های تبلیغی و دینی، عامل دیگری نیز به صورت عمومی و غیرمستقیم به نظارت و اصلاح رفتار، گفتار و باور دینی می‌انجامد و آن اجتماع مؤمنان است. مؤانست، ارتباطات، الگوگیری و تعاملاتی از این دست همواره موجب هم‌افزایی در فعالیت‌ها و باورهای صحیح و اصلاح کاستی‌ها و کج‌روی‌ها خواهد بود. البته نباید فراموش کرد که دیگر فعالیت‌های مسجد نباید رسالت اصلی این نهاد را در فراهم آوردن مقدمات این اجتماع مفید از میان ببرد. این اهتمام را می‌توان در احادیث نبوی نیز مشاهده کرد؛ آنجا که به‌رغم فعالیت‌های اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و حتی رفاهی مساجد در عصر نبوی، ایشان تصریح می‌فرمود که نباید مسجد از وظیفه اصلی خود بازمانده و به محلی برای اعلام گمشده‌ها، برکشیدن شمشیر، انشای شعر و حتی مسیری برای عبور قلمداد شود؛^۲

وَيَقَالَ لِلَّذِيهِ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُ لَا يُتَامُ آلُ مُحَمَّدٍ الْهَادِي لِضَعْفَاءِ مَجِيهِمْ وَ مُوَالِيَهُمْ قَفَّ حَتَّى تَشْفَعَ لِكُلِّ مَنْ أَخَذَ عُنُقَكَ أَوْ تَعَلَّمَ مِنْكَ فَيَقْتَفِي فَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَعَهُ فِتَاماً وَ فِتَاماً حَتَّى قَالَ عَشْرًا وَ هُمُ الَّذِينَ أَخَذُوا عَنْهُ غُلُومَهُ وَ أَخَذُوا عَنْهُ أَخَذَ عَنْهُ وَ عَمَّنْ أَخَذَ عَنْهُ أَخَذَ عَنْهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَانظُرُوا كَمْ صَرَفَ مَا بَيْنَ الْمُنْتَرِلَتَيْنِ؛ روز قیامت به عابد گویند: «آفرین! چه آدم خوبی! خودت را نجات دادی و هیچ کاری به دیگران نداشتی. پس داخل بهشت شو. آگاه باشید که فقیه کسی است که خیرش را به همه مردم می‌رساند، و از دست دشمنانشان می‌رهاند. و برای آنان نعمت‌های بهشت‌خدايي را تمام و کمال دریافت می‌کند، و رضوان الهی را برایشان بدست می‌آورد. و به فقیه گفته شود: ای سرپرست ایتم آل محمد، دوستدار ضعفاي شيعه و موالي آنان، بایست تا شفاعتت را مشمول هر که از تو دانشی آموخته، نمایی، پس می‌ایستد و گروه گروه؛ تا ده گروه صد هزار نفری را وارد بهشت می‌کند، و ایشان همان افراد علم آموخته و شاگرد او تا روز قیامتند، حال تفاوت میان دو جایگاه [عابد و فقیه] را بنگرید» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ص ۱۷).

۱. «وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَضَّلَ الْعَالِمَ عَلَى الْعَابِدِ سَبْعِينَ دَرَجَةً بَيْنَ كُلِّ دَرَجَتَيْنِ خُصُّ الْقَرِيبِ سَبْعِينَ عَاماً وَ ذَلِكَ أَنَّ الشَّيْطَانَ يَدْعُ الْبِدْعَةَ لِلنَّاسِ فَيُبَصِّرُهَا الْعَالِمَ فَيُنْهَى عَنْهَا وَالْعَابِدَ فُقِيلٌ عَلَى عِبَادَتِهِ لَا يَتَوَجَّهَ لَهَا وَلَا يَعْرِفُهَا» (مجلسی، بی تا، ج ۲: ص ۲۴).

۲. «عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ... وَ نَهَى عَنْ أَنْ يُشَدَّ الشَّعْرُ أَوْ يُشَدَّ الضَّائِلَةُ فِي الْمَسْجِدِ وَ نَهَى أَنْ يُسَلَّ السَّبْفُ فِي الْمَسْجِدِ» (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ص ۸)؛ «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنِ الْأَكْلِ عَلَى الْجَنَابَةِ وَ قَالَ إِنَّهُ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ نَهَى عَنِ تَقْلِيمِ الْأَطْفَارِ بِالْأَشْنَانِ وَ عَنِ السَّوَالِكِ فِي الْحَمَامِ وَ الشَّحْحِ فِي الْمَسَاجِدِ وَ نَهَى عَنِ أَكْلِ سُورِ الْقَارَةِ وَ قَالَ لَا تَجْعَلُوا الْمَسَاجِدَ طُرُقاً حَتَّى تُضَلُّوا فِيهَا رُكْعَتَيْنِ» (همان، ص ۴).



کارکردهایی که امروزه به صورت مجالس ختم و عزاداری در مساجد توطن یافته‌اند. بر این ویژگی نه تنها در فعالیت، بلکه در تأسیس مساجد نیز تأکید شده است؛ چه اینکه مساجد حتی در مرحله ساخت نیز می‌بایست تابع مصالح دینی و اجتماعی باشند. این موضوع را می‌توان در تاریخ و سیره معصومین علیهم‌السلام نیز پیگیری کرد. طبرسی در تفسیر مجمع البیان و برخی دیگر از مفسران، علت اصلی تخریب مسجد قبیله بنی غنم بن عوف (مشهور به مسجد ضرار) به دستور پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را تهدید شدن اتحاد و انسجام امت اسلامی بیان کرده‌اند؛ زیرا انگیزه این گروه، ایجاد پایگاهی در مقابل مسجد النبی تحت عنوان مقدس مسجد بود (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ص ۱۲۵). نیز امام صادق علیه‌السلام به نقل از امیر المومنین علیه‌السلام از خواندن نماز در چهار محوطه در کوفه منع کردند؛ چه اینکه این چهار محل را کسانی ساخته و مسجد نام نهاده بودند که تلاش داشتند جماعت حضرت در مسجد کوفه را خلوت کنند (صدوق، بی‌تا، ج ۱: ص ۳۳۳). این ظرافت‌ها در فعالیت مساجد به‌رغم تعدد و تنوع زیاد، اهمیتی دو چندان دارد.

۲-۳. نظارت محیطی و غیر مستقیم

مؤانست مبلغان و عالمان دینی با مردم در محیط مسجد افزون بر اصل پیش گفته، یک امتیاز اختصاصی دیگری نیز دارد و آن «دعوت به غیر زبان» می‌باشد. موضوعی که در احادیث با عنوان «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ» مورد تأکید قرار گرفته است.^۱ روحانیت تنها در مسجد فرصت نظارت، ارشاد و راهبری مادی و معنوی جامعه را می‌یابد. فرصتی که به زمان و مکان خاصی محدود نبوده و شرایط محیطی و پیرامونی کمتر می‌توانند آن را به خدمت گیرند. ائمه علیهم‌السلام نه تنها خود در مسجد حضور می‌یافتند، بلکه بر افراد و مبلغان مساجد نیز حتی المقدور نظارت داشته و در صورت امکان آنها را در حوزه محتوا، ابزار و قالب انتقال راهنمایی می‌کردند.^۲ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز در غیر اوقات نماز به مسجد سرکشی می‌کرد و بر مجالس و گفت‌وگوهایی که در مسجد برگزار می‌شد نظارت داشتند و علاوه بر مشارکت، به

۱. «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَالْإِحْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْخَيْرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲: ص ۷۸).

۲. «كان أبو الحسن علیه‌السلام يأمر محمد بن حكيم أن يجالس أهل المدينة في مسجد رسول الله و أن يكلمهم و يخاصمهم حتى كَلَّمَهُمْ فِي صَاحِبِ الْقَبْرِ وَ كَانَ إِذَا انصَرَفَ إِلَيْهِ، قَالَ: مَا قَلَّتْ لَهُمْ وَ مَا قَالُوا لَكَ. و يرضى بذلك منه» (مجلسی، بی‌تا، ج ۲: ص ۱۳۷).



اولویت بندی آنها اقدام می کردند.^۱

باید توجه داشت که در عصر حاضر به دلیل تنوع و تعدد عناصر تمایزهای اجتماعی مانند نژاد، قومیت، طبقات اجتماعی، احزاب سیاسی و حتی مقلدان مراجع دینی مختلف، امام جماعت برای حفظ اشراف و نظارت خود بر مسجد و اهل آن می بایست مهارت‌ها و دانش‌های مختلفی را بیاموزد. دانش‌ها و مهارت‌هایی که نه به عنوان فعالیت‌های خارج از برنامه و متفرقه، بلکه به عنوان درس‌های اصلی مورد توجه برنامه‌ریزان حوزه قرار داشته باشد. به باور مقام معظم رهبری «حوزه‌های علمیه برای آماده‌سازی روحانیانی در این طراز، وظیفه‌ای ذاتی و طبیعی دارند. اگر مسجد، کیفیت شایسته خود را بیابد، هزینه‌های مادی و معنوی بسیاری از دوش جامعه و مردم و مسئولان برداشته خواهد شد».^۲

۳. نقش مساجد در پاسخ‌گویی به مسائل

فاصله گرفتن مراکز آموزش معارف دینی و به تبع آن سرفصل‌ها، متون و در مواردی استادان از متن جامعه و غور در مطالعات و مباحث نظری صرف و بیگانه از مطالبات اجتماعی باعث شده است هم برخی از دغدغه‌مندان و کنشگران اجتماعی از نقش‌آفرینی مؤثر نهادهای دینی در عرصه‌های مختلف اجتماعی مأیوس شوند و هم دانش‌پژوهان علوم دینی در مواجهه با مسائل و مشکلات، خود را فاقد دانش و مهارت لازم برای پاسخ‌گویی و انجام رسالت دینی خود ببینند. برخی از مهم‌ترین امتیازات مسجد در پاسخ‌گویی به مسائل جامعه را می‌توان چنین برشمرد:

۳-۱. فهم دقیق از مطالبات، مسائل و شبهات دینی

در کشاکش تقاضای روزافزون گروه‌های مختلف اجتماعی در مطالبه راهکارهای دینی در حل مشکلات فردی و اجتماعی، عرضه نه چندان مطلوب محتوا و راهکارهای دینی، موجب

۱. «وعن صفوان بن عسال رضي الله عنه قال: أتيت النبي ﷺ وهو في المسجد متكي على برد علي أحمد، فقلت له: يا رسول الله! يا رسول الله! إني جئت أطلب العلم. فقال: مرحباً بطالب العلم، إن طالب العلم لتُحْتَفَّ الملائكة بأجنتها، ثم يركب بعضها بعضاً حتى يبلغوا سماء الدنيا من محبتهم لما يطلب» (شهيد ثانی، ۱۳۶۸: ص ۱۰۷؛ طبرانی، ۱۴۰۵: ج ۸: ص ۵۴؛ فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۱: ص ۲۳؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۶: ص ۱۳۰).

2. <http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=17503>

پیام به بیستمین اجلاس سراسری نماز، ۱۳۹۰/۷/۱۹.



سرگردانی و در مواردی تجربه راهکارهای به ظاهر معنوی و تحمل آسیب‌های مادی و معنوی از سوی مخاطبان شده است. در این میان به نظر می‌رسد در میان گروه‌های مختلف حوزوی، بیشتر روحانیون مرتبط با مسجد توانسته‌اند برداشتی واقعی از مطالبات مردم داشته و در حد مقدور پاسخ این مطالبات را در منابع، نهادها و محافل دینی بجویند.

۳-۲. شناخت دقیق پرسش و پرسشگر

از آنجاکه ارائه راهکارهای معنوی برای مشکلات فردی آحاد جامعه در رسانه‌های جمعی یا شبکه‌های اجتماعی، گرچه مزایایی از جمله گستردگی مخاطبان و سهولت و صرفه اقتصادی در انتقال معارف دینی دارد، به جد از صلاحیت‌ها، شرایط و ملاحظات فردی، جنسیتی، قومی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مخاطبان غفلت می‌کند و در بهترین حالت نسخه‌هایی برای افرادی فرضی هستند؛ زیرا گرچه مخاطب کتاب یا شبکه‌های اجتماعی افراد حقیقی‌اند، کارشناس دینی به دلیل نداشتن ارتباط حضوری با مخاطب، تنها قادر خواهد بود تصویری مبتنی بر گفت‌وگو یا اطلاعات مندرج در پروفایل مخاطب را در ذهن خود ایجاد کند و با محور قرار دادن این تصویر به ارائه راهکار بپردازد.

بی‌گمان نمی‌توان منکر نقش ابزارهای ارتباطی در توسعه و تبلیغ آموزه‌های دینی بود، ولی بسنده کردن به چنین ارتباطی و احاله ندادن مخاطبان به ارتباط مستقیم با کارشناسان، نهادها و منابع دینی، می‌تواند از علل نبود عمق‌یابی باورهای دینی در آحاد جامعه دانسته شود. در این میان، عالمان دینی در مساجد این امکان را خواهند داشت تا پس از شناسایی استعدادها و نقاط ضعف و قوت آنها، همچنین شرایط فردی، خانوادگی و اجتماعی مخاطب، به کشف پرسش اصلی و علل شکل‌گیری آن و ارائه راهکار اختصاصی و کاربردی برای مخاطب بپردازند.

۳-۳. دسترسی آسان پرسشگر به پاسخگو

مساجد در کارکرد پاسخ‌گویی به دلیل فقدان محدودیت‌ها و دیوان‌سالاری‌های اداری، میزبان افراد مختلف بوده و مبلغان و امامان مسجد به دلیل حضور پیوسته در مسجد شناخت اجمالی از مخاطب و نیز فرصت آشنایی بیشتر با وی را دارند. همچنین ابزار پاسخ‌گویی به گفت‌وگو محدود نبوده و به دلیل امکان ملاقات‌های متعدد و بدون هزینه، هم‌عالم دینی و هم پرسشگر فرصت زیادی برای شناخت بیشتر یا آزمودن راهکارها در اختیار خواهند داشت. مساجد در مقایسه با دیگر نهادها دارای استقلال بیشتری هستند و به دلیل فراگیری‌شان در تمامی شهرها،



محلات و حتی روستاها می توانند دسترسی فراگیر و آسانی را برای مخاطبان ایجاد کنند.

۳-۴. ارائه راهکارهای کاربردی

شناخت پاسخگو از پرسشگر و ارتباط دوسویه و پی گیر از دیگر امتیازهای مساجد در پاسخ گویی به پرسش های دینی می باشد؛ زیرا امام مسجد به دلیل حضور مستمر در مسجد با شناخت از سطح و شرایط فردی و نوعی مخاطبان، همچنین مسائل و نیازهای مادی و معنوی شان، به انتخاب محتواها، قالبها و راهکارهای مورد نیاز در حل مسئله و اولویت بندی آنها اقدام می کند. این در حالی است که به دلیل موقت بودن فعالیتها و یا متغیر بودن مخاطبان چنین امکانی برای مبلغان در غیر از مسجد کمتر وجود دارد.

جایگاه اجتماعی امام مسجد نیز می تواند به وی کمک رساند تا از فرصتهایی که دیگر اهالی مسجد در اختیار دارند برای حل مسئله مورد نظر سود جوید. نقش مسجد در حل مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی نه تنها در سخنان رهبر فقید انقلاب^۱ بلکه در تاریخ معاصر دارای مصادیق بی شماری است. مقام معظم رهبری نیز پاسخ گویی امانان مساجد به مسائل و نیازهای احاد جامعه را از وظایف مهم و همیشگی ایشان دانسته اند^۲ که می بایست فرصت و آموزش های لازم را برای آن در نظر گرفت.

نتیجه گیری

بی توجهی به اصالت، اتقان، جامعیت و اعتبار باورهای دینی در جامعه سبب شده است که طیف وسیعی از باورها و مظاهر دین داری در جامعه بروز و ظهور یابند که به دلیل کم اطلاعی یا عامدانه جامعه مؤمنان را به بیراهه های اعتقادی و فکری رهنمون می شوند. دستاورد این نوع از دین داری نه تنها مهجور ماندن مفاهیم اصیل دینی است، بلکه عوام زدگی، خرافه گرایی،

۱. «مسجد مرکز تبلیغ است، در صدر اسلام از همین مسجدها جیشها، ارتشها راه می افتاده، مرکز تبلیغ احکام سیاسی - اسلامی بوده، هر وقت یک گرفتاری را طرح می کردند صدا می کردند: «الصلوة مع الجماعة». اجتماع می کردند، این گرفتاری را طرح می کردند، صحبتها را می کردند» (امام خمینی، بی تا، ج ۱۰: ص ۱۶ و ۱۷).

۲. «باید در مساجد سه وعده نماز جماعت برگزار شود و ائمه جماعات سر وقت و بدون تعطیل، نمازهای جماعت را اقامه کنند و پس از آن ضمن سخن گفتن با مردم به سوالات آنها پاسخ دهند. مسجد سنگر است و امام جماعت به عنوان صاحب این سنگر باید با حضور همیشگی خود در مسجد برای جذب مردم به سوی آن تلاش کند» (خامنه ای، ۱۳۷۳/۱/۴).



اباحه‌گرایی و مسئولیت‌گریزی موجب انزوای دین و دین‌داران از جامعه، محدودشدن دین‌داری به اماکن و زمان‌های خاص (موسمی شدن دین) و یأس از کارگشایی دین در جامعه خواهد بود. علت اصلی چالش‌های پیش‌گفته را می‌توان نداشتن اهتمام به تعمیق باورهای دینی و بسنده کردن به کمیت‌ها دانست. آنچه می‌تواند از این نابسامانی بکاهد توجه دادن جامعه به مرجعیت روحانیون آگاه و مساجد به عنوان نهادهای معتبر دینی است؛ زیرا باورهای دینی افزون بر تبلیغ و آموزش در موارد متعددی نیازمند نظارت، هشدار و صیانت از انحرافات محسوس و نامحسوس در دین‌داری می‌باشد. از سوی دیگر کارآمدی دین نیز به پاسخ‌گویی به مسئله‌های فردی و اجتماعی با رعایت ملاحظات دقیق وابسته است و این پاسخگویی و کارآمدی در بهترین حالت در فضایی مانند مساجد محقق خواهد شد.

کتابنامه

قرآن کریم.

۱. ابن حنبل، احمد (بی‌تا)، مسند احمد، بیروت: دار صادر.
۲. امام خمینی، روح‌الله (بی‌تا)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی.
۳. حسینی بلاغی، سیدحجت (۱۳۸۶)، گزیده تاریخ تهران، چ ۱، تهران: مازیار.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی (۲۰/۷/۱۳۸۹)، «پیام مقام معظم رهبری به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز».
۵. رضایی، علی (۱۳۸۲)، جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی، قم: الثقلین.
۶. ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی - هنری مساجد (۱۳۸۴)، کارکرد مساجد، تهران: رسا نشر.
۷. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن کمال (بی‌تا)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت: دار المعرفه.
۸. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۳۶۸)، منیة المرید، تحقیق: رضا مختاری، بی‌جا: دار الاعلام الاسلامی.
۹. صالح بن غانم السدلان (۱۴۱۹ق)، الأثر التربوی للمسجد، عربستان: وزراء الشؤون الاسلامیه.
۱۰. صالح بن ناصر الخزیم (۱۴۱۹ق)، وظیفه المسجد فی المجتمع، عربستان: وزارة الشؤون الاسلامیه.

۱۱. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی (۱۴۰۴ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. _____ (۱۴۱۷ق)، الامالی، قم: البعثه.
۱۳. _____ (بی تا)، الخصال، مقدمه و ترجمه و تصحیح: سید احمد فهری زنجانی، بی جا: انتشارات علمیه اسلامیة.
۱۴. صفری فروشانی، نعمت الله و حامد قرائتی (۱۳۹۵)، « بررسی تاریخی نقش آفرینی مسجد مدرسه‌ها در اصلاح و ارتقای گفتمان دینی؛ نمونه پژوهشی تهران در دوره قاجار»، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، ش ۳۰.
۱۵. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد (۱۴۰۵ق)، معجم الکبیر، تحقیق و تخریح: حمدی عبد المجید السلفی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. طبرسی (۱۴۱۵ق)، مجمع البیان، بیروت: دارالاعلمی.
۱۷. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۰۳ق)، احتجاج، مشهد: مرتضی.
۱۸. طوسی، شیخ الطائفة محمد بن حسن (بی تا)، اختیار معرفة الرجال، تحقیق: میرداماد استرآبادی، قم: مؤسسه آل البيت.
۱۹. عبد المعطی، بهجت (بی تا)، رسالة المسجد، بی جا: دار الانصار.
۲۰. عناصری، جابر (۱۳۸۳)، «تأثیر تشیع بر ابنیه، اماکن و زیارتگاه‌های مذهبی ایران»، شیعه شناسی، ش ۷.
۲۱. فراهتی، عباسعلی (۱۳۸۲)، مسجد و تأثیرات علمی و اجتماعی آن در جامعه اسلامی (از آغاز اسلام تا پایان حکومت اموی)، تهران: ستاد عالی هماهنگی کانون‌های فرهنگی، هنری مساجد.
۲۲. فیض کاشانی، محسن (بی تا)، المحجة البيضاء فی تهذیب الأحياء، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۲۳. قرائتی، حامد (۱۳۹۲)، «نقش اماکن مذهبی تهران در تقویت گفتمان مقاومت و پایداری در دوره قاجار»، فصلنامه مطالعات تاریخی، ش ۴۱.
۲۴. _____ (۱۳۹۳)، «نقش اماکن مذهبی در گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی دوره قاجار؛ بررسی مورد تهران»، فصلنامه تاریخ اسلام، ش ۶۰.
۲۵. قزوینی، محمد بن یزید (بی تا)، سنن ابن ماجه، بیروت: دار الفکر.



۲۶. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۲)، کافی، تهران: اسلامیه.
۲۷. کوفی، ابن ابی شیبہ (۱۴۰۳ق)، المصنف، بیروت: دارالفکر.
۲۸. مجلسی، محمدباقر (بی تا)، بحار الانوار، بیروت: دار الوفاء.
۲۹. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹)، التبلیغ فی الكتاب والسنة، قم: دار الحديث.
۳۰. _____ (۱۴۲۵ق)، موسوعة العقائد الإسلامية، قم: دار الحديث.
۳۱. _____ (بی تا)، العلم والحكمة فی الكتاب والسنة، قم: دار الحديث.
۳۲. مستوفی، عبد الله (۱۳۸۶)، شرح زندگانی من، تهران: هرمس.
۳۳. المشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ق)، المزار، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: النشر الاسلامی.
۳۴. نجمی، ناصر (۱۳۷۰)، طهران عهد ناصری، تهران: انتشارات عطار.
۳۵. الوشلی، عبدالله (۱۴۰۸ق)، المسجد و دورة التعليمی عبر العصور من خلال الحلوق العلمیه، بیروت: الرساله.

36. [http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=17503\(1398/11/25\)](http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=17503(1398/11/25))

علل و ریشه‌های دین‌گریزی

* ناصر رفیعی محمدی

** علیرضا انصاری

چکیده

دین، برنامه سعادت و رستگاری بشر و دین‌داری، نهادینه‌کردن آموزه‌ها و ارزش‌های دینی در همه ابعاد زندگی است که ثمره بسیاری برای فرد و اجتماع دارد. عواملی به صورت پیدا و پنهان، دین‌داری را تهدید می‌کند که یکی از آنها دین‌گریزی است. البته هیچ‌کس نمی‌تواند به طور کامل با دین قطع رابطه کند؛ زیرا دین‌داری یک امر فطری است. دین‌گریزی به معنای کم‌فروغ شدن ایمان و کم‌نور شدن چراغ دین در زندگی افراد، اختصاص به دین خاصی ندارد؛ بلکه دامن‌گیر همه ادیان و مکتب‌هاست و عوامل گوناگونی دارد. در این پژوهش برداشت‌های ناروا از دین، تقلیدهای ناآگاهانه و کورکورانه، عملکرد وابستگان به دین، جهل و نادانی، مسئولیت‌گریزی، دوستان ناباب، آرزوهای طولانی و هواپرستی، تعصب، لجاجت و فقر به عنوان علل و ریشه‌های دین‌گریزی تبیین می‌شود.

کلیدواژه‌ها

دین، باورهای دینی، علل دین‌گریزی.

* دکترای علوم قرآن و حدیث، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی. n.rafei110@yahoo.com

** کارشناس علمی گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی. alirezaansari44@yahoo.com



فرار از بندگی خداوند، از مسائل بسیار مهمی است که امروزه آسیب جدی بیشتر جوامع انسانی است. این پدیده که به ایجاد گرایش مادی و ایدئولوژی‌های دین‌ستیز یا دین‌گریز انجامیده، پیشینه‌ای طولانی به بلندای عمر دین دارد؛ همچنان‌که یهودیان پس از ایمان به خدا، در غیبت پیامبرشان حضرت موسی علیه السلام به گوساله‌پرستی و روی‌گردانی از ایمان حقیقی روی آوردند (طه: ۸۸-۸۵). دین در ذات خود عنصری که سبب روی‌گردانی مردم شود، ندارد؛ بلکه علل و عواملی وجود دارد که به صورت آفت‌ها، آسیب‌ها و موانع بازدارنده، فراره اندیشه دینی و گرایش فرد به دین قرار می‌گیرند و زمینه دین‌گریزی و دین‌ستیزی را فراهم می‌کنند؛ از این‌رو شایسته و بایسته است که این علل و انگیزه‌ها، بررسی شوند تا بتوان به درمان آنها پرداخت. در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای انجام شده است، نخست معنای دین‌گریزی و لزوم حفظ دین بیان می‌شود و سپس عواملی که سبب دین‌گریزی می‌شود، از دو بعد فردی و اجتماعی همچون برداشت‌های ناروا از دین، تقلیدهای ناآگاهانه و کورکورانه، جهل و نادانی، دوستان ناباب و آرزوهای طولانی بررسی شده است.

۱. مفهوم‌شناسی دین

دین در لغت به معنای جزا، اطاعت، ملک، قرض و ... آمده است (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۳: ص ۲۶۸ و ۲۶۹). واژه «دین» به معنای جزا، اطاعت، قهر و غلبه، عادت، انقیاد، خضوع، پیروی و مانند آنها آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ص ۷۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۳۲۳؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ص ۱۶۹؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶: ص ۲۵۱). به‌رغم تعاریف متعددی که از دین ارائه شده است، هنوز هیچ توافق قابل ملاحظه‌ای درباره تعریف دین وجود ندارد. برخی دین را اعتراف به این حقیقت دانسته‌اند که کلیه موجودات، تجلیات نیرویی هستند که فراتر از علم و معرفت ماست (هیگ، ۱۳۷۲: ص ۲۲ و ۲۳). برخی دیگر دین را وضعی الهی دانسته‌اند که صاحبان خرد را به سوی رستگاری در این دنیا و حسن عاقبت در آخرت رهنمون می‌شود (ناس، ۱۳۷۰: ص ۷۹-۸۱). اما شاید بهترین تعریف دین این باشد که «دین مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره فرد و جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها از طریق وحی و عقل در اختیار آنان قرار دارد» (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ص ۲۷).

۲. تعریف دین‌گریزی

مطابق آموزه‌های اسلامی، دین فطری و دایمی است و هیچ کس نمی‌تواند به طور کامل با دین قطع رابطه کند؛ زیرا دین امر فطری است و هرگز غروب نمی‌کند؛ بنابراین دین‌گریزی به معنای نفی مطلق دین نیست؛ زیرا بنابر آیات قرآن مشرکان نیز در شمار دینداران هستند و از سرنوشت دین خود می‌هراسند (کافرون: ۶؛ مؤمن: ۲۶؛ آل عمران: ۷۳). دین‌گریزی را می‌توان به معنای کم‌رنگ شدن ایمان و کم‌فروغ شدن چراغ دین در زندگی افراد دانست؛ چنانکه یهودیان از خداپرستی فاصله گرفته و به گوساله‌پرستی روی آوردند (طه: ۸۸-۸۵). اگرچه دین‌گریزی به دین خاصی اختصاص ندارد، علت این امر نیز در همه ادیان یکسان نیست؛ از این رو دین مقوله‌ای است که هر کس خود را در عقیده بر آن صواب می‌داند و دیگران را بر خطا می‌پندارد. چنانکه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ثَلَاثٌ خِلَالٌ يَقُولُ كُلُّ إِنْسَانٍ إِنَّهُ عَلَى صَوَابٍ مِنْهَا الَّذِي يَعْتَقِدُهُ وَ هُوَ الَّذِي يَسْتَعْلِي عَلَيْهِ وَ تَذْبِيرُهُ فِي أُمُورِهِ؛ سه چیز است که هر انسانی خود را در آن بر حق می‌داند: دینی که بدان عقیده دارد، خواهش‌هایی که بر او چیره است و تدبیر او در کارهایش» (حرانی، ۱۴۰۴: ص ۳۲۱). در حقیقت دین‌گریزی تنها به معنای فرار از دین و نافرمانی از دستورهای الهی و نفی دین و خدا نیست؛ بلکه در بسیاری موارد به معنای دوری از دین و بی‌توجهی به آن است. در چنین حالتی گریز یا ستیز با دین، نشانه بیماری است و فردی که در چنین شرایطی است، در معرض بحران‌های بسیاری مانند بحران‌های فکری، روحی، اجتماعی و حتی بی‌هویتی قرار می‌گیرد.

۳. بایستگی حفظ دین

در اندیشه قرآنی و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام دینداری و حفظ مبانی دینی اهمیت ویژه‌ای دارد. سلامت دین و دینداری همواره مورد تأکید پیشوایان دینی بوده است تا آنجا که در قالب‌های مختلف مانند دعاها، مواعظ، وصایا و خطبه‌ها بر آن تأکید شده است؛ چنانکه امام علی علیه السلام می‌فرماید: «سَلَامَةُ الدِّينِ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِنْ غَيْرِهِ؛ سلامت دین نزد ما از هر چیز دیگر محبوب‌تر است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۸، ص ۳۵۳؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۶: ص ۲۱). بر این اساس یکی از نگرانی‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله، بی‌توجهی به دین و سبک‌شمردن آن بود: «إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ اسْتِخْفَافًا بِالذِّينِ وَ بَيْعَ الْحُكْمِ؛ همانا من بر شما از سبک‌شمردن دین و فروختن حکم و داوری نگران هستم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۹: ص ۲۲۷).



اهمیت تصحیح عقاید مردم در سیره معصومین علیهم السلام تا آنجاست که عمرو بن حریث می‌گوید: «روزی بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. عرض کردم اجازه می‌دهید دین و آیینی را که خدا را با آن می‌پرستم برای شما بیان کنم؟ فرمود: آری. گفتم: من معتقدم که معبودی جز الله نیست و محمد صلی الله علیه و آله عبد و فرستاده اوست و قیامت بدون شک بر پا خواهد شد و خدای متعال اموات را بر می‌انگیزاند. من به اقامه نماز، پرداخت زکات، روزه ماه رمضان و انجام دادن حج بر کسی که استطاعت داشته باشد، معتقدم. همچنین به اینکه امر ولایت پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام و سپس امام حسن و امام حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی علیهم السلام و پس از او به شما واگذار شده، اعتقاد دارم. شما پیشوایان من هستید و من بر این عقیده زنده‌ام و می‌میرم و خدا را پرستش می‌کنم. امام صادق علیه السلام فرمود: ای عمرو! به خدا قسم این اعتقادات همان است که من و پدرانم به آن معتقدیم و خدا را به آن می‌پرستیم. امام پس از چند تذکر اخلاقی فرمود: هدایت خویش را به حساب خداوند بگذار، نه به حساب خود و او را بر این نعمت سپاسگزار باش» (همان، ج ۶۶: ص ۵).

۴. انگیزه‌های دین‌گریزی

دین‌گریزی اسباب و انگیزه‌های متعددی دارد: گاهی انگیزه‌ها و اسباب، درونی و گاه بیرونی است که موجب روی‌گردانی و بی‌توجهی به اقتضای فطرت شده و دینداری لقلقه زبان می‌گردد؛ چنانکه امام حسین علیه السلام فرموده است: «النَّاسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَالدِّينُ لَعَقٌ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَائِشُهُمْ فَإِذَا مُحْضُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ؛ مردم بنده دنیا هستند و دین بر زبانشان می‌چرخد و تا وقتی زندگی‌هایشان بر محور دین بگردد، در پی آنند، اما وقتی به سبب بلا آزموده شوند، دینداران اندک می‌شوند» (حرانی، ۱۴۰۴: ص ۲۴۵).

مهم‌ترین عوامل دین‌گریزی عبارتند از:

۴-۱. نادانی

جهل و نادانی درباره انسان، جهان، آفرینش، مبدأ و معاد زمینه‌ساز گریز از دین است. افرادی که با قشری‌نگری، تنها موجودات پیرامون خود را ببینند، ماورای ماده را باور نخواهند داشت. افرادی که ابعاد مختلف انسان را نمی‌شناسند، نیازهای انسان را در جنبه‌های مادی منحصر کرده و از نیازهای متعالی او غافل‌اند. نبود شناخت صحیح ریشه بسیاری از انحراف‌ها در طول تاریخ بوده

است؛ چنانکه موسی علیه السلام علت انحراف قومش از توحید را نادانی آنان می‌داند: «**قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ**» (اعراف: ۱۳۸). یوسف علیه السلام نیز تصمیم ستمگرانه برادرانش در به چاه افکندن آن حضرت را جهل آنان می‌شمارد: «**قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ**» (یوسف: ۸۹). همچنین لوط علیه السلام ریشه فساد جنسی قوم ناسپاس خود را جهل می‌خواند: «**أَأَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرَّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ**» (نمل: ۵۵). خداوند در سوره یوسف می‌فرماید: «**قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ**» (یوسف: ۱۰۸).

بنا بر این آیه شریفه، راه انبیا و مسیر دین با بصیرت و آگاهی همراهی است و هرگز با خرافه، جهل، سحر و جادو آمیخته نیست. افراد نادان که گاهی گرفتار جهل بسیط هستند و گاهی جهل مرکب، حجابی میان خود و دین قرار داده و پیرو طمع و آرزوهای ناروای خود می‌شوند. امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «دل‌های جاهلان را طمع‌ها به حرکت درمی‌آورد و آرزوهای آن را در گرو خویش می‌گیرد و خدعه‌ها و نیرنگ‌ها آن را به خود مربوط می‌سازد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ص ۲۳).

۴-۲. تقلید ناآگاهانه

پیروی ناآگاهانه از افراد، جریان‌ها و اندیشه‌های باطل، از لغزش‌گاه‌های زیانبار دینداری است. قرآن درباره چنین افرادی که در حقیقت بینش عمیقی ندارند و از دیگران کورکورانه تقلید می‌کنند، فرموده است: «**مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْأَصْمِ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ**» (هود: ۲۴) آنان را کور و کر و از حیوانات نیز پست‌تر دانسته و نکوهش کرده است؛ زیرا راه تعقل را بر خود بسته و بی‌فکر و اندیشه و تحقیق از دیگران پیروی می‌کنند؛ درحالی‌که قرآن همواره آدمی را به اندیشیدن و بهره‌بردن از عقل امر کرده و فرموده است: «**قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ؟** بگو آیا کور و نابینا برابرند؟ آیا تفکر و اندیشه نمی‌کنید؟» (انعام: ۵۰). تقلید آگاهانه که به آن امر شده‌ایم، به معنای پیروی فرد غیرمتخصص و ناآگاه از افراد خبره و آگاه و مراجعه به آنان است که از لوازم رشد و تکامل نیز می‌باشد.

تقلید کورکورانه یا تقلید جاهلانه ناشی از عدم بلوغ فکری، شخصیت‌زدگی و تعصب به نیاکان است. پافشاری بر عقاید باطل و رسوم ناپسند در پرتو همین تقلید از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود: «(و چون به آنان گفته شود: آنچه را که خدا نازل کرده پیروی کنید، می‌گویند: [نه!] بلکه از آنچه که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم، پیروی می‌کنیم، آیا هرچند شیطان آنان را به سوی عذاب



سوزان فرا خواند» (لقمان: ۲۱). چنین تقلیدی از فرد هویت‌زدایی کرده و او را به آسانی در برابر خطاها آسیب‌پذیر می‌نماید: «وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ» (زخرف: ۲۳).

۴-۳. برداشت‌های ناروا از دین

علت دیگر دین‌گریزی، برداشت‌های نادرست از معارف دینی است. گاهی دین مساوی با معنویت انگاشته شده و در حد نیاز معنوی صرف بدان نگریسته می‌شود. سپس چنین نتیجه‌گیری می‌شود که نیاز به معنویت، فقط ویژه مواقع سختی و بحران‌های شدید است و دین نقش اساسی در زندگی روزمره انسان ندارد (عباسی، ۱۳۸۶: ص ۷۵-۹۲). همچنین تفسیرهای ناروا از مفاهیم دینی مانند قضا و قدر، صبر، زهد، انتظار فرج، توسل، شفاعت، زیارت، جبر و اختیار دستاویزی برای فرار از برخی آموزه‌های دینی است. این دیدگاه ساده‌انگارانه و نابخردانه به تدریج باعث کاهش گرایش به معارف دینی و دوری از دین می‌شود. جوانی که در جستجوی فلسفه زندگی است، اگر احساس کند دین در معنادهی و جهت‌بخشی به زندگی او تأثیر مثبتی ندارد، به تدریج آن را کنار می‌گذارد و چه‌بسا آن را امری زاید و دست‌وپاگیر انگاشته، از آن‌گریزان شود. شهید مطهری می‌نویسد: «یکی دیگر از موجبات اعراض و روگرداندن از دین، جنگ و ستیزی است که برخی از داعیان و مبلغان دینی بی‌خرد میان دین و سایر غرایز فطری و طبیعی بشر ایجاد می‌کنند و دین را به جای اینکه مصلح و تعدیل‌کننده غرایز دیگر معرفی کنند، آن را ضد و منافی و دشمن سایر فطریات بشر معرفی می‌کنند؛ و این (در حالی است که) حقیقت‌جویی، تمایل به تشکیل خانواده و انتخاب همسر و همچنین تمایلات دینی نیز یکی از تمایلات طبیعی انسان است که هیچ‌یک از این تمایلات با یکدیگر سر جنگ ندارند» (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۳: ص ۴۰۵).

در چنین شرایطی است که ضرورت دریافت دین از مبادی صحیح و رجوع به متخصصان آگاه رخ می‌نماید. مردم در شرایط فعلی، از دین و دینداری مطالب خردپسند و معقول می‌طلبند و نمی‌توانند با تکیه بر خرافات، جعلیات و مطالب غیرمنطقی باورهای خود را مستحکم کنند. رسول‌خدا ﷺ می‌فرماید: «لِكُلِّ شَيْءٍ عِمَادٌ وَعِمَادُ هَذَا الدِّينِ الْفَقْهُ؛ برای هر چیز ستونی است و ستون دین نیز فقه و آگاهی است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ص ۲۱۶). امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید: «الدِّينُ وَاسِعٌ وَلَكِنَّ الْخَوَارِجَ ضَيَّقُوا عَلَيَّ أَنْفُسَهُمْ مِنْ جَهْلِهِمْ؛ دین گسترده است، ولی خوارج از روی نادانی بر خود سخت گرفتند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ص ۴۰۵).

تبيين صحيح مفاهيم ديني و زدودن دين از خرافه‌ها و مطالب مجعول، وظيفه مهم مسلمانان و انديشمندان ديني است؛ زيرا متأسفانه در طول تاريخ، افرادي با انگيزه‌هاي مختلف به جعل احاديث اقدام کرده‌اند. نقل حديث و بيان مراد آن، نيازمند داشتن مهارت علمي و پيشينه لازم است و هر کسي نمي‌تواند درباره دين به اظهارنظرهاي کارشناسانه بپردازد.

۴-۴. عملکرد وابستگان به دين

يکي از عوامل مهم دين‌گريزي، عملکرد نادرست برخي عالمان، حاکمان ديني و وابستگان به دين مي‌باشد؛ زيرا اينان الگوهاي ديني جامعه به شمار مي‌روند و موفقيت يا عدم موفقيت آنها در دينداري و دين‌گريزي مردم اثرگذار است. مردم پيش از آنکه از مباحث استدلالی درباره لزوم دينداري متأثر باشند، تحت تأثير منش و اخلاق رهبران، حاکمان و وابستگان دين خویش بوده و عملکرد آنها را به حساب دين مي‌گذارند؛ چنانکه رسول خدا ﷺ فرموده است: «صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَتْ أُمَّتِي وَ إِذَا فَسَدَا فَسَدَتْ أُمَّتِي الْأَمْرَاءُ وَ الْقُرَّاءُ؛ اگر دو صنف از امت من صالح باشند، امت من صالح مي‌شوند و چون فاسد شوند، امت من فاسد مي‌شوند. [سؤال شد يا رسول الله اينان کدامند؟ فرمود: [فقيهان و حاکمان]» (صدوق، ۱۳۷۶: ص ۳۶۶). از اين رو در گزاره‌هاي ديني تأکيد شده است که عالمان و حاکمان ديني پيش از دعوت ديگران به دين، خود به آموزه‌هاي دين عمل کنند؛ چنانکه امام علي عليه السلام فرموده است: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ؛ کسی که خود را پيشوای ديگران قرار مي‌دهد، بايد نخست به آموزش خویش قبل از تعليم ديگران اقدام کند و بايد تربيت او به وسيله عمل و سیره خویش، قبل از آموزش با زبان باشد» (شريف الرضي، ۱۴۱۴: ص ۴۰۸).

قرآن عمل درست يا نادرست زنان پيامبر ﷺ را مستحق دو عذاب يا پاداش مي‌داند؛ زيرا گناه و ثواب آنان تأثير اجتماعي دو چندان دارد. امام صادق عليه السلام به يکي از وابستگانش به نام شقراني که گرفتار خمر بود، فرمود: «اي شقراني! اعمال نيك از هر کسي نيك است، ولي از تو نيكوتر از ديگران است؛ زيرا منسوب به ما هستي و کارهاي ناپسند نيز از هر کسي بد است و از تو بدتر است؛ زيرا به ما نسبت داري» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ص ۲۳۶).

البته نمي‌توان همه بستگان دين را مبرا از عيوب دانست. حتى در ميان فرزندان، همسران و اصحاب انبيا و ائمه معصومين عليهم السلام نيز افراد ناصالح وجود داشته‌اند. نيز نمي‌توان تأثير وضعي



عملکرد عالمان، مسئولان و وابستگان به دین را منکر شد؛ اما با این همه باید با آگاهی دادن به مردم، دامن دین را از عملکرد دینداران جدا کرد و با ذکر شواهد، لزوم تأسی به قرآن و معصومان و تفکیک میان اسلام و عملکرد مسلمانان را تذکر داد؛ چنانکه قرآن درباره فرزند نوح علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ؛ او در حقیقت از کسان تو نیست، او دارای کرداری ناشایست است» (هود: ۴۶).

۴.۵. مسئولیت‌گریزی

یکی از عوامل گریز از دین، فرار از مسئولیت و تکلیف است؛ یعنی انسان تمایل دارد آزاد باشد و هر گناهی را انجام دهد، اما ایمان و اعتقاد به خدا و قیامت سدّ عظیمی در مقابل هرگونه گناه است. او می‌خواهد این سد را در هم بشکند و آزادانه هر عملی را انجام دهد. این امر منحصر به زمان‌های گذشته نیست. امروز هم یکی از علل گرایش به مادیگری و انکار مبدأ و معاد، احساس آزادی عمل در گناه و گریز از مسئولیت‌ها و شکستن قانون الهی است؛ بنابراین میل به بی‌بندوباری، راحت‌طلبی و آزادی بی‌قید و شرط یکی از عواملی است که انسان‌ها را از دینداری دور ساخته و گاه حتی به الحاد می‌کشاند. انسان، موجودی مسئولیت‌پذیر است و نمی‌تواند در برابر خالق، خود، جامعه، دین و... بی‌تفاوت باشد. لازمهٔ مسئولیت‌پذیری نیز پذیرش قید و بند و انجام دادن دستورهای دینی و تقید به بایدها و نبایدهاست. قرآن این حقیقت را چنین بیان می‌کند: «بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ يَسْئَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ؛ ولی نه، انسان می‌خواهد که در پیشگاه او فسادکاری کند می‌پرسد: روز رستاخیز چه وقت است؟» (قیامت: ۵ و ۶).

اسلام برای انسان‌ها آزادی مشروط قائل است؛ آزادی‌ای که مصالح مسلمانان را بر هم نزند و آزادی دیگران را خدشه‌دار نسازد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «خداوند از روی جبر پرستش نمی‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ص ۱۴۰)، اما افراد گنهکار و بدکار از آزادی سوءاستفاده کرد و آن را بدون پذیرش شرایط خواهندند. نتیجه این بینش غلط، فرار از دین و گاه انکار آن می‌شود؛ زیرا دین، آزادی را به دلیل عقلی محدود ساخته است. قرآن این هوس‌رانی و دین‌گریزی را ناشی از کردار زشت و آلودگی به گناه می‌داند (روم: ۱۰).

۴.۶. آرزوهای طولانی و هواپرستی

امید و آرزو لازمهٔ زندگی انسان است؛ زیرا امید داشتن و آرزو انسان را به آینده امیدوار می‌سازد.

یک مادر به آرزوی داشتن فرزندی صالح، دوران بارداری را تحمل می‌کند. یک کشاورز به امید برداشت محصول خوب، رنج کاشت و آبیاری را به جان می‌خورد. اگر آرزو در انسان‌ها نباشد، آینده‌نگری نیز نخواهد بود؛ اما اگر این میل از حد بگذرد و به آرزوهای دست‌نیافتنی تبدیل گردد، خطرناک است و انسان را از پذیرش مسئولیت باز می‌دارد. امام علی علیه السلام با یادآوری خطر این آرزوهای آمیخته با خیال، فرموده است: «خطرناک‌ترین چیزی که از آن بر شما می‌ترسم، دو چیز است: پیروی از هوای نفس و آرزوهای دراز. پیروی از هوا، از حق باز می‌دارد و آرزوهای دراز، آخرت را به فراموشی می‌سپارد» (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ص ۸۳ و ۸۴).

نتیجه آرزو آن است که مؤمنان در قیامت در پاسخ منافقان که فریاد می‌زنند آیا ما با شما نبودیم؟ مگر در یک جامعه زندگی نمی‌کردیم؟ چرا صفوف ما از هم جدا شد؟ چرا ما دچار عذاب شدیم و شما به سوی رحمت الهی رفتید؟ می‌گویند: با هم بودیم، اما آرزوهای دور و دراز شما را فریب داد. پرده بر خرد و اندیشه شما افکند تا مرگتان فرا رسید و دچار عذاب گشتید (حدید: ۱۴). آرزوهای طول و دراز می‌تواند به هواپرستی منجر شود که یکی دیگر از عوامل دین‌گریزی است؛ زیرا به واسطه هواپرستی عقل آدمی در زمینه کشش‌های هوای نفس و شهوات از میان می‌رود؛ از همین رو خداوند به مسلمانان هشدار می‌دهد که مراقب وضع خویش باشند تا گرفتار سرنوشت اقوام گذشته که به سبب آرزوهای طول و دراز، به جای خداپرستی به هواپرستی روی آوردند و در نهایت با فسق و کفر از دنیا رفتند، نشوند: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ»؛ آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند هنگام آن نرسیده است که دل‌هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم [و فروتن] گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش بدان‌ها کتاب داده شد و [عمر و] انتظار بر آنان به درازا کشید و دل‌هایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند» (حدید: ۱۶).

دنیای امروز بر اثر پیروی از هوس‌ها و تمایلات نفسانی با گرفتاری‌های سنگینی مواجه شده است. آزادی‌های بی‌حساب و خلاف مصلحت، برای مردم مصیبت‌های گوناگونی به بار آورده و در کشورهای پیشرفته، روز به روز بر آمار جرایم و جنایات افزوده می‌شود (فلسفی، ۱۳۴۴، ج ۱: ص ۴۳۰)؛ زیرا در این جوامع مردم از دین روی‌گردان شده و معنویت کم‌رنگ و رویکرد به باطل افزایش یافته است. هواپرستان که از درک حقیقت عاجزند و قدرت تشخیص ندارند، به پیروی از



هوای نفس و خواسته‌های دل پرداخته و چشم دلشان، کور و بر قلب و گوششان مهر خورده است (جائیه: ۲۳). چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «اگر پیرو هوای نفس شدی، تو را کر و کور می‌نماید» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ص ۱۷۲).

چه بسیار افرادی که به سبب تبعیت از هوای نفس، سقوط کرده و از جرگه دینداری خارج شدند؛ به‌ویژه خواصی مانند بلعم باعورا، برصیصای عابد، طلحه، زبیر و افرادی که به‌واسطه حاکمیت هوای نفس دین را به دنیا فروختند. امام علی علیه السلام درباره این افراد می‌فرماید: «مَنْ أَطَاعَ هَوَاهُ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ؛ هر کس که از هوای نفسش پیروی کند، آخرتش را به دنیا فروخته است» (صدوق، ۱۴۰۳: ص ۱۹۵).

۴-۷. دوستان نامناسب

انسان موجودی اجتماعی است و نیاز دارد با مردم زندگی و با آنان رابطه برقرار نماید؛ از این رو انتخاب دوست از بایستگی زندگی اجتماعی است؛ زیرا دوست شایسته یکی از سرمایه‌های بزرگ زندگی و از عوامل خوشبختی و سعادت بشر است. اولیای گرامی اسلام پیروان خود را در انتخاب رفیق عاقل و با ایمان تشویق کرده و پیامدهای ارزنده چنین دوستی‌ای را خاطر نشان ساخته‌اند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالْإِحْوَانِ فَإِنَّهُمْ عُدَّةٌ لِلدُّنْيَا وَ عُدَّةٌ لِالْآخِرَةِ؛ پیوند دوستی خود با برادرانتان را محکم کنید که آنها ذخایر و پشتیبان شما در دنیا و آخرت هستند» (طبرسی، ۱۳۸۵: ص ۱۸۷). بر این اساس دوست‌یابی یکی از اموری است که در آموزه‌های دینی بسیار مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. البته این برقراری روابط باید به‌گونه‌ای باشد که دوست، انسان را در تحقق اهداف یاری کند؛ زیرا در غیر این صورت برقراری رابطه با دوستان ناباب، انسان را از اهداف خود دور ساخته و موجب بدبختی وی می‌شوند؛ چنان‌که فرزند نوح علیه السلام تحت تأثیر محیط و دوستان دین‌گریز قرار گرفت و از شمار خاندان و نجات‌یافتگان بیرون رفت (هود: ۴۶). شماری از کافران نیز با الگوگیری از بزرگان خود به دین‌گریزی کشانده شدند (توبه: ۳۱). همچنین برخی دوزخیان در صحرای محشر می‌گویند: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا؛ ای وای، کاش فلانی را دوست خود نگرفته بودم» (فرقان: ۲۸). هم‌نشینی با دوستان ناباب، دین و دنیای انسان را تباه می‌کند؛ چنان‌که امام علی علیه السلام فرموده است: «دوستی با اشرار باعث کسب شرّ می‌شود» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ص ۳۰۴). رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز فرموده است: «مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ مَثَلُ الدَّارِيِّ إِنْ لَمْ تَجِدْ عِطْرَهُ عَلِقَكَ رِيحُهُ وَمَثَلُ جَلِيسِ السَّوِّءِ مَثَلُ صَاحِبِ الْكَبِيرِ



إِنْ لَمْ يُخْرِفِكَ شِرَارُ نَارِهِ عَلِقَكَ مِنْ نَثِيهِ؛ مثل همنشین شایسته مثل عطار است. اگر از عطر خودش هم به تو ندهد، از بوی خوشش به تو می‌رسد و مثل همنشین بد، مانند کوره آهنگری است. اگر لباس تو را نسوزاند، ولی بوی کوره به تو می‌رسد» (شعیری، بی تا: ص ۱۸۳).

۴۸. تعصب و لجاجت

تعصب از ماده «عَصَبَ» در اصل به معنای پی‌ها و عصب‌هایی است که عضلات را به یکدیگر وصل می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ص ۶۰۲). در اینجا مراد از تعصب، شدت و استحکام است.

لجاجت نیز به معنای اصرار غیر منطقی و ناروا درباره چیزی و عدم انصراف از آن است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۳: ص ۴۷۰). این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. سرچشمه آنها نیز جهل و نادانی است. تعصب و لجاجت افراد را از درک حقیقت و رسیدن به واقعیت‌ها باز می‌دارد و در نهایت به گریز از دین و حتی انکار آن می‌انجامد. قرآن می‌فرماید: «وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كَلِمًا آيَةً لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ؛ و بعضی از آنان به سخن تو گوش فرا دارند، ولی ما پرده بر دل‌هاشان نهاده‌ایم که فهم آن نتوانند کرد و در گوش‌های آنها سنگینی نهاده‌ایم، و اگر همه آیات الهی را مشاهده کنند، باز بدان ایمان نمی‌آورند تا آنجا که چون نزد تو آیند، در مقام مجادله بر آمده، گویند: این آیات چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست» (انعام: ۲۵).

در شأن نزول این آیه آمده است: گروهی از مشرکان قریش مانند ابوسفیان، ولید بن مغیره و ابوجهل خدمت رسول خدا ﷺ آمدند و به سخنان او گوش دادند. سپس به نصر بن حارث گفتند: محمد چه می‌گوید؟ او گفت: نمی‌دانم، ولی می‌بینم لب‌های خود را تکان می‌دهد و همان افسانه‌های پیشینیان را تکرار می‌کند. سپس ابوسفیان گفت: برخی از سخنان او را حق نمی‌بینم (مکارم، ۱۳۷۷، ج ۱: ص ۳۳۷).

لجاجت یهودیان با پیامبر ﷺ در حالی صورت می‌گرفت که آن حضرت را کاملاً می‌شناختند: «يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ؛ مانند فرزندان خود رسول خدا را می‌شناختند» (انعام: ۲۰)، اما از روی تعصب و لجاجت انکار می‌کردند: «فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ» (بقره: ۸۹). در تفسیر این آیه آمده است: قوم یهود قبل از آمدن پیامبر اکرم ﷺ در جنگ‌های خود خدا را به او و کتابش سوگند می‌دادند و درخواست کمک می‌کردند و خدا هم آنان را یاری می‌کرد؛ اما پس از بعثت آن حضرت چون دیدند او از نسل اسماعیل عليه السلام است، تعصب قومی مانع شد که رسالت



پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را پذیرند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج: ۱، ص: ۱۵۸). امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرموده است: «هر کسی اهل تعصب باشد یا برای او تعصب نمایند، او ریسمان ایمان را از گردنش پاره کرده است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج: ۲، ص: ۳۰۷).

۴-۹. فقر

یکی از عوامل دین‌گریزی، فقر است. چه بسا بتوان فقر را از پلیدترین پدیده‌های جامعه به شمار آورد. بی‌تردید بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی همچون سرقت، ولگردی، خودفروشی و اعتیاد به علت تنگدستی و فقر به وجود می‌آید. نگاهی گذرا به بزهکاران و ساکنان ندامتگاه‌ها ما را به این حقیقت دردآور رهنمون می‌نماید که شمار بسیاری از آنان در اثر تهیدستی، پای در این راه شوم و بدفرجام نهاده‌اند (ر.ک: عباسی، ۱۳۸۶).

فقر در هر جامعه‌ای که چهره کربیه خود را به نمایش بگذارد، مانند سیلی بنیان‌کن زیربنای تمامی ارزش‌های انسانی را ویران می‌سازد؛ از این رو پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرضه داشت: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج: ۴، ص: ۴۰۳). همچنین حضرت فرمود: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْكُفْرِ وَالذَّنِّ قَبْلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْ تَعْدِلُ الذَّنِّ بِالْكَفْرِ قَالَ نَعَمْ؛ به خدا پناه می‌برم از کفر و بدهی. گفته شد: ای رسول خدا! آیا قرض را با کفر برابر می‌دانی؟ فرمود: آری» (صدوق، ۱۳۶۲، ج: ۲، ص: ۵۲۸). امام علی عَلَيْهِ السَّلَام نیز به فرزندش محمد بن حنفیه می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ؛ فرزندم! من بر تو از فقر هراسانم، پس به خدا پناه ببر؛ زیرا فقر دین را می‌زداید و عقل را سرگردان می‌کند و دشمنی ایجاد می‌کند» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴: ص ۵۳۱).

برای رفع این مشکل باید از اسراف و تبذیر جلوگیری کرد و مردم را به قناعت و صرفه‌جویی سفارش کرد. همچنین حکومت اسلامی باید با اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های مشخص در جهت اعتدال حرکت کند. البته در جامعه فقیر و وظیفه ثروتمندان و صاحبان سرمایه سنگین‌تر است؛ چنانکه امام علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «خداوند سبحان در اموال ثروتمندان روزی تنگدستان را قرار داده است. هر فقیری که گرسنه بماند، ریشه‌اش در امتناع ثروتمندان است» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰: ص ۲۳۴). نوشته‌اند که چندین سال پیش در یکی از شهرهای کوچک واقع در ایالت فیلادلفیا (امریکا) زن‌ها قمار می‌کردند. در آغاز کشیش‌ها، روزنامه‌نویس‌ها، خطبا و فصحا تا توانستند درباره بدی قمار به‌ویژه برای زن‌ها گفتند و نوشتند، ولی اثر نکرد تا آنکه شهردار محله



دو تا باشگاه و نمایشگاه هنری زنانه دایر کرد و سرگرمی‌های مناسب در آنجا فراهم کرد که هر کدام برنامه‌ریزی‌های خاصی داشت و مردم را سر ذوق می‌آورد. دو سه سالی از این جریان گذشت و زن‌های آن شهر قمار را فراموش کردند (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۲۰: ص ۲۰۵).

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در درمان یک بیماری، نخست ریشه‌ها و علت‌های بروز آن بررسی می‌شود تا درمان بهتری برای آن صورت گیرد، برای درمان دین‌گریزی نیز باید علل زمینه‌ساز آن بررسی شود. از آنجا که گریزان بودن از دین، جریانی بر خلاف فطرت و طبیعت آدمی است، باید به واکاوی ریشه‌ها و علت‌هایی پرداخت که زمینه‌ساز ایجاد این جریان هستند. امروزه بحران‌های ناشی از آسیب دین و دین‌داری چنان عمیق و گسترده است که سبب بروز بحران‌های روحی، فکری، اجتماعی و حتی سیاسی شده و به بی‌هویتی انسان منجر شده است. این ریشه‌ها و علت‌ها ناشی از عوامل درونی و بیرونی است که یا مانع روی آوردن آدمی به امور معنوی می‌گردد و یا موجب تضعیف، تردید و دل‌زدگی انسان به باورها و ارزش‌های معنوی می‌شود. شناسایی این علل و ریشه‌ها می‌تواند سبب دست‌یافتن به راهکارهایی برای درمان این بحران‌ها شود.

کتابنامه

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، چ ۱، قم: مکتبة آية الله المرعشی النجفی.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، چ ۲، قم: جامعه مدرسین.
۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، چ ۱، قم: علامه.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، تصحیح: جمال الدین میردامادی، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع - دار صادر.
۵. بهرامی، محمد (۱۳۸۳)، «دین‌گریزی، عوامل و راه‌حل‌ها در پرتو قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۳۷.
۶. پایگاه اینترنتی منبرک (۱۳۹۶/۱۱/۴)؛ «صحبت‌های کوتاه دو دقیقه‌ای»،





۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، چ ۲، قم: دار الکتب الاسلامی.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، تصحیح: صفوان عدنان داوودی، بیروت - دمشق: دارالشامیه.
۹. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، تصحیح: صبحی صالح، قم: هجرت.
۱۰. شعیری، محمد بن محمد (بی تا)، جامع الاخبار، نجف: مطبعة حیدریه.
۱۱. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶)، الأمالی، چ ۶، تهران: کتابچی.
۱۲. صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، چ ۱، قم: جامعه مدرسین.
۱۳. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، معانی الأخبار؛ چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق)، مشکاة الانوار، چ ۲، نجف: مکتبه الحیدریه.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: فضل الله یزدی طباطبایی، چ ۳، تهران: ناصر خسرو.
۱۶. طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تصحیح: احمد حسینی اشکوری، چ ۳، تهران: مرتضوی.
۱۷. عباسی، محمد (۱۳۸۶)، «عوامل دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب»، مجله معرفت، ش ۱۱۶.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
۱۹. فلسفی، محمد تقی (۱۳۴۴)، جوان از نظر عقل و احساسات، چ ۱۵، تهران: هیئت نشر معارف اسلامی.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۱. لثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ، چ ۱، قم: دار الحدیث.
۲۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.



۲۳. محمد مرتضی حسینی زبیدی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح: علی هلالی و علی سیری، چ ۱، بیروت: دارالفکر.

۲۴. مصطفوی، سیدحسن (۱۳۷۴)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۵۸)، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا.

۲۶. ناس، جان (۱۳۷۰)، تاریخ جامع ادیان، ترجمه: علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

۲۷. ناصر مکارم شیرازی (۱۳۷۷)، پیام قرآن، چ ۴، قم: چاپخانه جامعه مدرسین.

۲۸. هیک، جان (۱۳۷۲)، فلسفه دین، ترجمه: بهرام راد، تهران: انتشارات بین‌المللی هدی.

روش‌های تعمیق باورهای دینی کودکان و نوجوانان

مسلم گریوانی*

چکیده

آنچه به عنوان یک آسیب تربیتی در روش‌های تعلیم و تربیت مریبان و والدین نمود آشکاری دارد، «تربیت سطحی، صوری و ظاهری» دین به فرزندان و «عدم تعمیق باورهای دینی» است؛ همچنین توجه به «عوامل بیرونی» تربیت است تا عوامل درونی آن و نیز توجه به ظواهر و کنش‌های دینی است تا اصل باورها و ارزش‌های دینی. درونی‌سازی که در روان‌شناسی عاملی مهم در تعمیق باورهای دینی به شمار می‌رود، راهکاری مهم برای رهایی از این آسیب تربیتی است؛ زیرا درونی‌کردن یک ارزش و فضیلت، عمیق‌ترین و پایدارترین پاسخ به نفوذ اجتماعی است. در این مقاله با تبیین مفاهیم کلیدی و رویکردهای مختلف تربیتی، به تبیین جایگاه تعمیق باورها در متون دینی پرداختیم و با مراجعه به متون دینی به روش‌هایی سازمان‌یافته در حوزه تعمیق باورهای دینی رسیدیم که در این مقاله تلاش شده است با یک صورت‌بندی نو ارائه شود.

کلیدواژه‌ها

تربیت دینی، تعمیق باورها، حس مذهبی، کودکان، نوجوانان.



بی‌تردید دوران کودکی با انعطاف‌ترین و مؤثرترین دوره در طول زندگی انسان است. در واقع از لحظه‌ای که انسان پای بر صحنه دنیا می‌گذارد، شکل‌گیری شخصیت او نیز آغاز می‌شود و در این میان، طلایی‌ترین دوره، دوره کودکی اوست. می‌توان گفت باقی عمر آدمی، برداشت میوه‌هایی است که بذرش در دوران کودکی کاشته شده است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «آنچه انسان در دوره کودکی فرا می‌گیرد، چون نوشته‌ای است که بر سنگ حک می‌شود و بسیار سخت و دیر از یاد خواهد رفت» (نوری طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ص ۶۲۶). روان‌شناسان معتقدند که یادگیری انسان در دوره کودکی بسیار سریع‌تر و ماندگارتر است (پیاژه، ۱۳۸۳: ص ۲۲). تجربه نیز اثبات می‌کند که انسان در پابندی به آنچه در دوران کودکی فرا گرفته است، استواری بیشتری از خود نشان می‌دهد.

ناگفته پیداست که آنچه این دوران طلایی و شکوفه‌ها را به ثمر می‌نشانند، والدین و مربیان هستند؛ بنابراین آنچه در امر تعلیم و تربیت اهمیت فراوانی دارد، اهتمام والدین و مربیان به تربیت کودکان و نوجوانان افزون بر تغذیه آنهاست.

ما در این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش هستیم که چگونه می‌توان فرزندان خود را علاوه بر تربیت جسمی، از نظر روحی، فکری و معنوی نیز پیروانیم و تربیت آنها را تعمیق دهیم. اساساً تربیت عمقی (فکری و معنوی) چیست و چه عوامل و موانعی دارد؟ در اینجا لازم است نخست به مفهوم‌شناسی و نیز جایگاه موضوع پرداخته و سپس رویکردهای مختلف درباره تربیت دینی را نقل و نقد نماییم:

۱. مفهوم‌شناسی و جایگاه تعمیق باورهای دینی

۱-۱. مفهوم تعمیق باورهای دینی

تعمیق باورها در ادبیات روان‌شناسی، «درونی‌سازی» نام دارد. امروزه روان‌شناسان تحت تأثیر بودن رفتار فرد یا گروه از سوی دیگران را به سه دسته تقسیم می‌کنند: متابعت، همانندسازی یا الگوگیری و درونی‌سازی (ارونسون الیوت، ۱۳۸۰: ص ۳۲-۴۳). به منظور تبیین این سه مدل و نیز مفهوم عمیق درونی‌سازی در امور تربیتی مثالی ارائه می‌کنیم: رعایت قانون حداکثر سرعت، مثال خوبی برای تبیین این سه مرحله است: کسی که از ترس جریمه، سرعت اتومبیل خود را

متعادل می‌کند، رفتارش نمایشگر پیروی از قانون است؛ اما کسی که از این قانون بدین دلیل پیروی می‌کند که همواره پدر یا الگو و ستاره مورد علاقه او این قانون را اطاعت می‌کند، این رفتار فرد همانندسازی است؛ ولی نفر سوم شخصی است که قانع شده و به این باور رسیده است که قوانین سرعت، خوب و درست هستند و برای حفظ امنیت افراد تدوین شده‌اند و از این رو قانون را رعایت می‌کند، این کارش درونی کردن است (خادمی، ۱۳۸۹: ص ۵۰).

بنابراین مقصود از درونی سازی یعنی پذیرش یا سازگاری باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و معیارها به مثابه آن چیزهایی که به خود فرد تعلق دارد؛ طوری که آن کار جزیی از وجدان شخصی شود؛ به گونه‌ای که نقض آن ارزش نزد شخص طبیعی، احساس خطا و شرم برانگیزد و شخص تعهد وجدانی دارد که آن را محترم شمارد.

ناگفته پیداست که درونی کردن از متابعت و همانندسازی پایدارتر است؛ زیرا مبتنی بر یک عامل درونی است تا عامل بیرونی (الگوگیری یا تبعیت‌پذیری) و نیز مبتنی بر انگیزه شخص برای صحیح بودن است و همچون متابعت بستگی به نظارت مداوم عاملان پاداش یا تنبیه ندارد و یا همچون همانندسازی به احترام پیوسته برای شخص یا گروهی که با آن همانندسازی می‌کند منوط نیست. جزء مهم متابعت، قدرت است؛ درحالی‌که در همانندسازی، عنصر مهم جاذبه و کشش است؛ ولی در درونی کردن، جزء مهم، قابلیت قبول است.

با روشن شدن مفهوم درونی سازی به نظر می‌رسد یکی از مباحث ضروری در شرایط فعلی و در عرصه تعلیم و تربیت، بررسی شیوه‌های درونی کردن مفاهیم دینی نزد کودکان، نوجوانان و جوانان است؛ زیرا درونی کردن یک ارزش و فضیلت، عمیق‌ترین و پایدارترین پاسخ به نفوذ اجتماعی است.

اگر مفاهیم اعتقادی (باورها) و اخلاقی (ارزش‌ها) درونی شود، دیگر امواج بدون دیوار رسانه‌های ارتباطی و ماهواره‌ها، نمی‌توانند دل‌های فرزندان ما را تسخیر کنند و موج فرهنگی و تبلیغی ناخواسته، کارکردهای دیرینه و آموزش‌های رسمی مراکز فرهنگی را یک شبه نقش بر آب کند.

۱-۲. جایگاه تعمیق باورها در متون دینی

در متون دینی در زمینه تعمیق باورها یا درونی سازی، تأکید فراوانی بر دریافت‌های فطری و درونی شده است و این مبنای پایه درونی سازی و تعمیق باورهاست. قرآن از ارزش‌هایی درونی



خبر می دهد که از آغاز تولد با او همراه است: «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوِيَهَا»؛ آن گاه خداوند به نفس انسان، فجور و تقوای آن را الهام کرد (شمس: ۸).

امام علی علیه السلام یکی از اهداف بعثت انبیا را احیای ارزش ها از درون انسان ها بیان می کند: «لِيُثْبِتُوا لَهُمْ دِفَائِنَ الْعُقُولِ» (نهج البلاغه، خ ۱)؛ خداوند پیامبران را برانگیخت تا گنجینه های فکری و درونی آنها را از درون برانگیزد.

پس از نزول آیه: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ؛ در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید» (مائده: ۲)، یکی از مسلمانان مدینه به نام وابصه، تصمیم گرفت درباره واژه های «برّ، تقوا، اثم و عدوان» از پیامبر صلی الله علیه و آله بپرسد. وقتی نزد ایشان آمد، حضرت فرمود: وابصه! من بگویم که چه می خواهی بررسی یا خودت می بررسی؟ وابصه گفت: شما بگویند و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آمده ای از من بررسی برّ و اثم یعنی چه؟ لازم نیست در این باره از کسی چیزی بررسی. آن گاه سه انگشت خود را جمع کرده و به آرامی به سینه می زند و می گوید: از دلت بپرس، از خودت سؤال کن. آن گاه می افزاید: برّ (نیکی) چیزی است که دل و جان انسان با داشتن آن اطمینان می یابد و در مقابل، گناه چیزی است که در قلب انسان اضطراب و نگرانی برمی انگیزد و در سینه در حال آمد و شد است و انسان نمی داند با آن چه کند (مطهری، ۱۳۹۲: ص ۳۳).

در روایاتی دیگر از این حالت به عنوان برخورداری از واعظ درونی یاد شده است. امام سجاد علیه السلام می فرماید: «ای فرزند آدم، تو همواره در مسیر خیر و خوبی قرار داری، مادام که واعظی از درون داشته باشی و مادام که حساب رسی خویشتن از کارهای اصلی تو باشد (مجلسی، ۱۴۰۲، ج ۷۵: ص ۱۳۷).

امام علی علیه السلام نیز می فرماید: «آگاه باشید آنکه به خویش کمک نکند تا واعظ و مانعی از درون جانش برای او فراهم گردد، موعظه و اندرز دیگران در او اثر نخواهد داشت» (نهج البلاغه، خ ۸۹). بنابراین آنچه به عنوان یک آسیب تربیتی در تعلیم و تربیت مریدان و والدین نمود آشکاری دارد، «تربیت سطحی، صوری و ظاهری» دین به فرزندان و عدم تعمیق باورهای دینی، همچنین توجه به «عوامل بیرونی» تربیت است تا عوامل درونی آن؛ نیز توجه به ظواهر و کنش های دینی است، تا باورها و ارزش های دینی.

مطابق بیانی از امام رضا علیه السلام ایمان لایه ها و سطوح مختلفی دارد: «الْإِيمَانُ عَقْدٌ بِالْقَلْبِ؛ ایمان

عبارت است از گرایش قلبی (احساسات و گرایش‌ها و عشق‌ورزی به خدا و دوستان خدا) «و لَفْظٌ بِاللِّسَانِ؛ بیان زبانی (خواندن اذکار و نماز و قرآن)». «و عَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ؛ و عمل با اعضای بدن است (انجام اوامر الهی)» (فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۰۲).

بنابراین ایمان و مفاهیم دینی، چند لایه دارد و صرفاً اعمال و اذکار نیستند؛ بلکه از مقوله گرایش و میل نیز هستند و با جنبه روحی و عاطفی انسان سر و کار دارند و از این مسیر انسان می‌تواند با خدا رابطه برقرار کند؛ ولی از آنجا که ایمان بدون التزام عملی بی‌معناست، در گفتار و کردار انسان نیز منعکس می‌شود؛ بنابراین ایمان متشکل از این سه جنبه است و غفلت از هر لایه در تربیت کودک به معنای نقص در تربیت ایمانی کودک است.

۲. رویکردهای مختلف به تربیت دینی

امروز دو رویکرد اصلی و پرطرفدار درباره تربیت دینی کودک و نوجوان مطرح است:

۲-۱. رویکرد برون‌گرا (متابعت)

متابعت، رفتار فردی را توصیف می‌کند که به منظور کسب پاداش و یا اجتناب از تنبیه و یا با تحمیل و اکراه بیرونی برانگیخته شده باشد؛ همچون راننده‌ای که به‌سبب جریمه نشدن، قوانین را رعایت می‌کند یا دانش‌آموزی که به‌خاطر تنبیه ناظم مدرسه، ناخن‌هایش را می‌گیرد. والدین و مربیان نسل‌های گذشته این مدل تربیت بیرونی را پی می‌گیرند که ویژگی‌های آن عبارت است از:

- در این مدل، تربیت والدین محور و مربی مدار را دنبال می‌کنند؛ یعنی اگر معلم و والدین خوب نباشند، کودک خوب تربیت نمی‌شود.

- در این رویکرد بر عادت کودکان بر رفتارها و شعائر دینی تأکید فراوان می‌شود.

- سخت‌گیری از ویژگی‌های این رویکرد تربیتی است.

- امر و نهی، توبیخ، سرزنش، تحقیر و تنبیه بر این مدل تربیتی حاکم است؛ از این‌رو فرزندی که در این مدل تربیت می‌شود، بیشتر بر اساس ترس است تا شوق.

آسیب‌های این رویکرد تربیتی عبارت‌اند از:

- تربیت اغلب آمرانه و ناهمبانه یا باید و نبایدی است، نه محبت‌محور.

- تربیت عوامانه است، نه عالمانه.



- تربیت تویخ محور یا خانفانه و ترسناک است، نه تشویق مدار، شائقانه و شوق‌ناک.
- تربیت بیشتر بیرونی یا مربی و والدین محور است تا درونی و فطرت محور؛ یعنی کار مربی بیرون (والدین، مربیان، روحانیون، فعالان فرهنگی) این است که باید به سراغ مربی درون کودک رفته و آن را فعال کنند.

- تربیت سطحی است نه عمقی؛ یعنی از دین فقط شعائر دینی مانند خم و راست شدن‌های نماز را می‌آموزیم، نه حقایق و معارف دین همچون اسرار و فلسفه نماز را.

۲-۲. رویکرد درون‌زا (دیدگاه معاصران)

نقطه مقابل این روش تربیتی، رویکرد برخی نویسندگان، روشنفکران و بعضی کارشناسان تربیتی معاصر است. این دسته به شدت از تکیه بر عوامل بیرونی تربیت مانند امر و نهی کردن والدین، آموزش دادن مربیان، گفتن و تذکر دادن، تویخ و تنبیه و اموری مانند آن پرهیز داشته و تنها بر زمینه‌سازی و درونی‌سازی مفاهیم دینی تأکید دارند. ایده اصلی این رویکرد تربیتی آن است که یکی از کارشناسان می‌گوید:

عده‌ای تصور می‌کنند جریان تربیت باید از طریق ادامه آموزش‌ها، یاددهی‌ها و اطلاعات بیرونی شکل گیرد؛ حال آنکه تربیت، امری اکتشافی است، نه اکتسابی. حتی اگر ما قصد آن را داشته باشیم که متربی را به سعادت واقعی خود برسانیم باید شرایطی فراهم آوریم تا سعادت خویش را در درون خود کشف کند، نه آنکه ما سعادت را از بیرون برای او ابداع و اختراع کرده و در اختیار او بگذاریم (کریمی، ۱۳۸۹: ص ۳۳).

مقصود از تربیت بیرونی، همین تربیت رایج است؛ یعنی با امر و نهی، آموزش، سرزنش و مانند آن.

این رویکرد نیز به‌رغم قوت‌هایی که دارد، خالی از آسیب نیست. این دسته گاه چنان در روش خود مبالغه می‌کنند که وقتی از والدین می‌شنوند که فرزندان خود را به نماز و حجاب و دین سفارش می‌کنند و آموزش می‌دهند و کوتاهی درباره آنها را سرزنش می‌کنند، چنان عتاب و غضب می‌کنند که گویی آنها دچار معصیت کبیره شده‌اند! بی‌گمان این رویکرد البته درست است، ولی مبالغه‌آمیز است و تأکید یک‌جانبه بر امر درونی و رها کردن امر و نهی و سفارش خوش‌زبانی و توصیه‌های دلسوزانه صحیح نیست؛ چنانچه خواهیم گفت که در متون دینی تأکید شده است که مبدا سفارش و بلکه وادار کردن و عادت دادن کودکان به مسائل دینی فراموش

گردد.

۲-۳. تربیت عمقی و توحیدی (رویکرد برگزیده)

عامل تربیت انسان در رویکرد سوم به فرزندپروری، نه صرفاً درونی است و نه بیرونی؛ بلکه تربیت در این رویکرد گرچه مبتنی بر تعمیق باورهاست، از وجوه و عوامل بیرونی تربیت، غافل نیست. تربیت در این رویکرد:

- درون‌گراست؛ زیرا تربیت از درون متربی آغاز می‌شود، نه از بیرون او. روش انبیا به عنوان معلمان بیرونی انسان، تنها این است که دفینه‌های درونی او را آشکار کنند و فعلیت ببخشند نه اینکه به طور مستقل تأثیر تربیتی داشته باشند.

- برون‌نگر است؛ زیرا انسان افزون بر ناصح و معلم درونی (فطرت)، به خیرخواه بیرونی هم نیاز دارد؛ زیرا نفس و فطرت انسان گاهی گول نفس و نفسانیات را خورده و اغفال می‌شود و اینجاست که نقش پیامبران، عالمان، روحانیان، معلمان و والدین ظاهر می‌شود. همچنین علاوه بر خودجوشی معنوی، متأثر از محیط و نظامات بیرونی نیز هست؛ بنابراین تکیه بر فطرت و خودجوشی درونی کافی نیست.

- مهم‌تر از همه اینکه تربیت در این رویکرد تأکید جدی بر توحید دارد؛ زیرا عامل اصلی تربیت انسان خداوند و یاری‌جویی از اوست. در نگرش توحیدی و دینی، تمام عوامل درونی و بیرونی تربیت، متأثر از حقیقتی به نام خداست. مربی اصلی انسان خداوند است و مریدان دیگر از انبیا، اولیا، مریدان و والدین، مظهر ربوبیت حق تعالی هستند. بر اساس قرآن اگر خداوند اراده نکند، کسی تربیت و تزکیه نخواهد شد.^۱

۳. اقسام و روش‌های تعمیق باورهای دینی

بر اساس تعریفی که از ایمان گذشت می‌توانیم ایمان دینی را به درختی تشبیه کنیم که اجزای این درخت دارای چهار جزء اصلی است: ریشه، تنه، شاخه و میوه. مقصود از ریشه همان باورهاست (عقاید)؛ مقصود از تنه همان ارزش‌ها و معنویت‌هاست (اخلاق و معنویت)؛

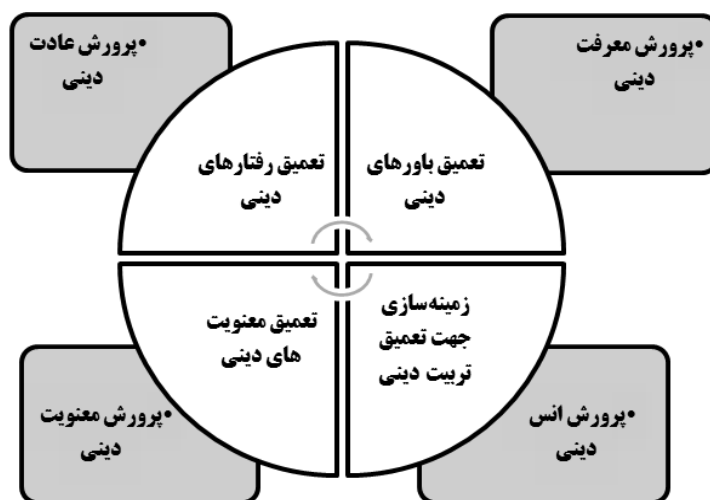
۱. «وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مَّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود، هرگز هیچ‌کس از شما پاک نمی‌شد، ولی [این] خداست که هر کس را بخواهد پاک می‌گرداند و خدا [است که] شنوای داناست» (نور: ۲۱).



مقصود از شاخه همان اعمال (و احکام عملی) است و مقصود از میوه ثمراتی مانند آرامش، رضایت، رستگاری و سعادت دنیا و آخرت آدمی است.

بنابراین ایمان زمانی تعمیق می‌یابد که از سطح زبان به عمق باطنی باورها و ارزش‌ها سرایت یابد و مفاهیم دینی از روزنه گوش انسان‌ها به دریچه عقل و نیز درون قلب آنها نفوذ یابد؛ یعنی درونی‌سازی ارزش‌ها و باورهای دینی از لقلقه زبان بودن به عمل منجر شود و این با «عادت دینی» ممکن است؛ آن‌گاه از حالت عادت و تقلیدی‌بودن ریشه عقلانی و معرفتی داشتن به خود بگیرد و این با «تربیت معرفت دینی» امکان‌پذیر است. آن‌گاه به روحیات و معنویت باطنی تبدیل گردد که با «تربیت معنویت دینی» ممکن است. البته پیش از همه اینها، ترغیب‌سازی کودکان به مسائل دینی اهمیت دارد و آن با «تربیت انس دینی» امکان‌پذیر خواهد بود؛ بنابراین ابعاد و روش‌های تعمیق باورها در چهار حوزه خلاصه می‌شود:

۱. پرورش انس دینی: همجوارساختن روح کودک با مظاهر معنوی و حس مذهبی (ویژه شش سال نخست کودکی)؛
۲. پرورش عادت دینی: (تقویت اعمال دینی) عادت‌دادن کودک به عبادت و رعایت ضوابط دینی (ویژه شش سال دوم کودکی)؛
۳. پرورش معرفت دینی (تقویت افکار دینی) بیان معقول و تحلیلی اصول و تعالیم دینی (ویژه نوجوانان)؛
۴. پرورش معنویت دینی (تقویت احوال دینی) ایجاد اشتیاق به خداوند و رها کردن او در عرصه بندگی (ویژه نوجوان و جوان).





مثال غذا و فرد گرسنه می‌تواند برای تقریب بهتر موضوع به والدین و مربیان کمک کند. غذایی که آماده می‌شود زمانی فرد آن را با اشتها تناول می‌کند و جذب بدنش می‌شود که این گام‌ها را طی کرده باشد:

گام اول - ایجاد آمادگی: غذا دادن تنها برای کسی است که آمادگی غذا خوردن دارد؛ ولی اگر فرد سیر باشد و میل به غذا نداشته باشد، نه تنها نمی‌خورد، بلکه ممکن است سبب احساس تنفر نیز بشود. درباره بسیاری از ما انسان‌ها چون معارف اسلامی همیشه آماده در جلوی ما بوده است، احساس سیری می‌کنیم. برخی از معلمان و مبلغان، بدون اینکه بدانند مخاطب چه چیزی را نیاز دارد ارائه می‌کنند و این موجب واپس‌زدن معارف و گاه آزار افراد می‌شود؛ از همین رو وقتی مشاهده می‌شود در شبکه‌های صداوسیما یک روحانی در حال صحبت است، مخاطب احساس می‌کند آن معلم یا مبلغ، سخن مورد نیاز او را نمی‌زند و شبکه را تغییر می‌دهد؛ مانند اینکه فردی سیر باشد یا نداند چه غذایی را دوست دارد و با این حال، انواع مختلف غذاها را جلوی او بریزند.

گام دوم - ترغیب به غذا: وقتی با احساس نیاز و عطش آمادگی ایجاد شد، باید ترغیب به غذا کرد. اینکه اولاً نام غذا را بیاوریم، سپس ویژگی‌ها و محاسن غذا را بازگو کنیم، نه معایب آن را که مثلاً شورتر، تندتر یا ملس‌تر از دیگر غذاهاست، در این صورت فرد گرسنه و تشنه، تحریک به غذا خوردن می‌شود و از این رو با اشتهای کامل غذا می‌خورد. در ارائه پیام دینی و معارفی نیز باید عطش ایجاد کنیم، از محتوای پیام و جاذبه‌های آن بگوییم، نه از تکلیف‌بودن و واجب‌بودن آن. امام رضا علیه السلام فرمود: «محاسن کلام» دین را بازگو کنید. (مجلسی، ۱۳۴۲، ج ۲: ص ۲۲۷). اینجاست که مذاق جان مخاطب فعال می‌شود و برای دریافت محتوای پیام دینی ترغیب می‌گردد.

گام سوم - عرضه کردن غذا: اکنون که فرد هم احساس نیاز کرد و هم ترغیب شد، وقت آن است که غذا را در برابرش ظاهر کنیم. درباره پیام و محتوای دینی نیز زمانی که فرد هم احساس نیاز کرد و هم ترغیب شد، جانش با فریاد اعلام نیاز می‌کند.

گام چهارم - جذب و هضم غذا: خوردن غذا کافی نیست؛ بلکه جذب شدن آن به بدن است که موجب رشد و تغذیه فرد می‌شود. در پیام دینی نیز نفس شنیدن، دیدن و خواندن موجب رشد نمی‌شود؛ بلکه این محتوای تربیتی باید در جان او بنشیند و به تعبیر روان‌شناسان درونی‌سازی شود و با جان او متحد گردد تا به رشد و پرورش فکری و معنوی او تبدیل شود.



یکی از دلایل اینکه تلاش‌های والدین و عملکردهای مدارس برای تربیت کودکان و نوجوانان به ثمر نمی‌نشیند یا نتیجه دلخواه را نمی‌دهد، بی‌توجهی به این مراحل و مراتب پرورشی است، به بیان دیگر مهم‌ترین آسیب تربیت دینی ما این است که پیش از آمادگی، نیاز و ترغیب، محتوای معارفی دین را به مخاطبان (فرزندان، دانش‌آموزان و دانشجویان) عرضه می‌کنیم. امیل شارتیه، مربی فرانسوی می‌گوید: «بزرگ‌ترین هنر معلم و مبلغ، گرسنه کردن ذهن مخاطب است تا مخاطب خود شکار خود را بیابد» (کریمی، ۱۳۸۹: ص ۱۲۹).

سقراط حکیم نیز می‌گوید: «هدف تربیت، ایجاد نیاز به حقیقت در یادگیرنده است، نه ارائه حقیقت. احساس نیاز به حقیقت، مهم‌تر از ارائه حقیقت است» (کریمی، ۱۳۸۹: ص ۵۰-۵۵).

و به تعبیر مولوی:

آب کم جو تشنگی آور به دست تا بجوشد آبت از بالا و پست

(مولوی، مثنوی، دفتر ۳: بیت ۳۲۱۲)

در طلب زن، دائماً تو هر دو دست که طلب در راه نیکو رهبرست

(همان: بیت ۹۷۹)

ناگفته پیداست که اگر مفاهیم اخلاقی درونی شود، دیگر امواج بدون دیوار رسانه‌های ارتباطی و ماهواره‌ها، نمی‌توانند دل‌های جوانان ما را تسخیر کنند. اکنون پرسش این است که چگونه این مراحل باید طی شود؟

۴. شیوه‌های تعمیق باورهای دینی کودکان

در اینجا بر اساس روش‌های چهارگانه‌ای که گذشت، به بررسی شیوه‌های عملیاتی تعمیق باورهای دینی کودکان و نوجوانان می‌پردازیم:

۴-۱. شیوه‌های تعمیق در حوزه ایجاد انس دینی

کودک تا با مفاهیم دینی مانوس و مرتبط نباشد، قادر به انجام آنها نیز نخواهد بود؛ بنابراین گام نخست تعمیق باورهای دینی، انس دینی به معنای همجواری روح کودک با مظاهر معنوی و حس مذهبی است و این زمانی است که در فضای دینی قرار گیرد، در مراسم‌های دینی شرکت کند، نماز خانوادگی را تجربه کند، مفاهیم دینی به گوش و چشم و لامسه و ذائقه وی خورده باشد و با مفاهیم دینی بیگانه نباشد.

برخی از راهکارهای ایجاد انس دینی در کودکان:

۱. توجه به نکات ایمانی در سال‌های اولیه تولد: از جمله زمزمه توحید بر گوش فرزند را فراموش نکنید. قرائت اذان در گوش راست و اقامه بر گوش چپ کودک، ذکری است که محتوای آن شهادت به توحید و بزرگی خداوند است.

۲. استفاده از الگوها و نمادها: کودکان در چهار تا پنج‌سالگی از طریق نمادسازی به تفکر می‌پردازند؛ مثلاً برای ابراز احساس ترس و اضطراب خود، شکل هیولا یا غول می‌کشند و چیزهای خوب را به صورت فرشته یا موجود مهربان ترسیم می‌کنند (نوذری، ۱۳۹۶: ص ۱۱۹). پس برای انتقال مفاهیم خیر و شر به کودکان می‌توان از این‌گونه الگوها سود جست؛ مثلاً برای انتقال زشتی دروغ، تصویر کودکی را بکشیم که اخمو، ترسناک و بد سیماست و برای انتقال مهربانی خدا، نعمت‌های زیبای خدا را به تصویر بکشیم و درباره آنها با کودک صحبت کنیم.

۳. فضاسازی: ایجاد فضای سالم معنوی در منزل یا مدرسه، فرزندان و شاگردان را ناخودآگاه به سوی هدف‌های مطلوب رهنمون می‌شود. فضاسازی، نمودهای گوناگون دارد: از نصب تابلوی زیبای خوشنویسی و نقاشی و نوشتن سخنان حکمت‌آمیز و اشعار آموزنده گرفته تا عمل صالحانه‌ای که مریدان و والدین بچه‌ها در منزل و مدرسه از خود ارائه می‌دهند.

عایشه همسر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌گوید که هرگاه با پیامبر، گرم گفتگو بودیم و وقت اذان می‌شد، حضرت یک‌باره از ما کناره می‌گرفت و چنان دگرگون می‌شد که گویا نه ما او را می‌شناسیم و نه او ما را (طباطبایی، ۱۳۸۵: ص ۲۹۵).

درباره استاد مطهری نقل شده است که وی در اتاق شخصی‌اش یک تابلوی «الله» را با نون سبز (شب‌نما) نصب کرده بود و به هنگام شب، این تابلو جلوه‌گر بود و توجه اعضای خانواده را به خود جلب می‌کرد.

۴. حضور در مراسم‌های مذهبی مانند لیالی قدر، ایام محرم و صفر، مراسم زیارت عاشورا، دعای کمیل و....

۵. تعیین محل خاص در منزل برای اقامه نماز؛ چون هر زمان آنجا را می‌بیند به یاد نماز می‌افتد.

۶. معطرکردن خود به هنگام نماز

۷. گفتگوهای دینی در منزل: یکی از راه‌های مهم تقویت رابطه و ایمان فرزندان با خدا استفاده از این دستورهاست. در سیره امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام آمده است که ایشان کودکان را جمع می‌کرد و خطاب



به آنها می فرمود: «من دعا می کنم، شما هم آمین بگویید» (چنارانی، ۱۳۸۳: ص ۵۳). چنانچه امام صادق علیه السلام می فرماید: «وقتی بچه هفت ساله شد، به او بگوید دست و صورتش را بشوید و نماز بخواند؛ ولی هنگامی که نه ساله شد، وضوی کامل و صحیح را به او یاد دهید و دستور اکید دهید که نماز بخواند و...» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱: ص ۴۲۴).

۴۲. شیوه‌های تعمیق در حوزه ایجاد عادت دینی

اگر ناتوانی بخواند بار سنگینی بردارد، برای او دشوار است، ولی اگر سال‌های متمادی زورآزمایی و تمرین کند، عادت کرده، قوی می شود و آن بار سنگین را به آسانی برمی دارد. در امور دینی و معنوی نیز اگر کسی کاری واجب را به سختی انجام دهد، بعدها برای او عادی می شود یا اگر حرامی را بارها ترک کند، ترک این حرام برای او عادی می شود. علامه حلی درباره دلیل روزه گرفتن کودک هفت ساله می گوید:

ما معتقدیم روزه کودک یک نوع تمرین بر عبادت است؛ لذا روزه بر کودک هفت ساله در صورتی که توان و طاقت آن را داشته باشد، مستحب است تا در زمان بلوغ به انجام آن دعوت شود و نیز باعث می شود نفس انسان ملکه پذیرش انجام واجبات را پیدا کند و از اخلاق ناپسند دور باشد (حلی، ۱۳۸۱، ج ۳: ص ۴۸۶).

یکی از مشکلات والدین این است که وقتی فرزند ما به سن بلوغ می رسد، نه به حجاب رغبت دارد و نه به نماز و مسجد و زیارت و روزه! راز این بی رغبتی همین نکته است که آنها را از دوران کودکی به رفتار دینی عادت نداده ایم. وقتی فرزند ما پیوسته عملی را انجام دهد، به ملکه تبدیل خواهد شد و در سن بلوغ و بزرگسالی دیگر ملال آور نخواهد بود (امینی، ۱۳۸۸: ص ۱۱۲). فرمول تربیت با لحاظ این نسخه (عادت دینی) چنین است:



خانواده‌هایی که از دوران کودکی، رفتارهای دینی را در کودکان تمرین نمی دهند، در دوران بلوغ و نوجوانی معمولاً با مشکلات جدی روبه‌رو می شوند؛ زیرا کسی که انجام تکالیف دینی را تا مرحله نوجوانی یا جوانی و بزرگسالی به تأخیر انداخته است، هرچند معتقد به موازین دینی باشد، به دلیل نبود تمرین عملی و آمادگی روحی و عادت رفتاری نمی تواند به راحتی به اعمال دینی عمل کند. اغلب کسانی که در سنین بالاتر وظایف عبادی خود را انجام نمی دهند،

بی‌اعتقاد به مبانی دینی نیستند؛ بلکه آنها معمولاً کسانی هستند که پیش‌تر ورزیدگی لازم را به دست نیاورده‌اند؛ بنابراین استدلال کسانی که معتقدند طفل پس از رسیدن به حدّ تشخیص، خود باید مسیر خویش را انتخاب کند و نباید پیشاپیش عادت به تکالیف دینی را در او به‌وجود آورد، درست نیست. اگر این استدلال صحیح باشد، باید تربیت را تا رسیدن به سن تشخیص تعطیل کرد؛ حال آنکه تربیت به یک معنا چیزی جز ایجاد عادت‌ها (البته با چاشنی انس و معرفت دینی) در کودک نیست.

راهکارهای ایجاد عادت دینی عبارت است از:

۱. بیدارکردن کودک در سحرهای ماه مبارک رمضان، گرچه روزه نگیرد!
۲. بیدارکردن کودک برای نماز صبح، البته هر از چند وقت.
۳. کودک را با خود به مسجد بردن.
۴. وقتی کودک به حجاب علاقه دارد، از او دریغ نکنیم.
۵. خواندن نماز جماعت در یک روز خاص در هفته.
۶. توجه به استمرار اعمال دینی در دبستان: پیش از دبستان فرزند در منزل با مشاهده اقامه نماز، تلاوت قرآن و انجام فرایض دینی از سوی اطرافیان به تقلید از آنان می‌پردازد. در دوره دبستان نیز لازم است بر استمرار عمل کودکان نظارت شود.

۴-۳. شیوه‌های تعمیق در حوزه ایجاد معرفت دینی

این شیوه برای دوره نوجوانی مناسب است. تا اینجا هم به تربیت عادت دینی فرزند شما توجه شده و هم به تربیت انس دینی او. اکنون فرصت مناسبی است تا مباحثی مانند خداشناسی، آفرینش، احادیث پیامبر، اشعار شاعران بزرگ و... به فرزند آموزش داده شود. مقصود ما از تربیت معرفت دینی، انتقال مفاهیم، معارف و حقایق دینی از طریق دلیل و استدلال و نیز تعقل و تحلیل مسائل به نوجوان است.

روش‌های ایجاد معرفت دینی در نوجوانان:

۱. پرسشگری: پرسشگری کلید معرفت و تعمیق معرفت دینی است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْعِلْمُ خَزَائِنُ مِفْتَاحُهُ السُّؤَالُ فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّ فِيهِ أَرْبَعَةٌ مَا جُورَ...؛ دانش و معرفت، گنجینه‌ای است که کلید آن پرسش است. پس پرسشگری کنید تا رحمت خدا شامل حالتان شود» (مجلسی، ۱۳۴۲، ج: ۱، ص: ۱۹۷).



این روایت حاوی یک نکته فلسفه تربیتی است. پیامبر صلی الله علیه و آله کلید دانش را در پرسشگری می‌داند؛ درحالی‌که امروزه سؤال کردن ابزاری در دست معلم برای سنجش است؛ اگر نگوئیم ابزار رنجش!

در متون دینی، ترغیب کودکان به پرسش و پاسخگویی با هدف ایجاد تفکر و تعمیق معرفت دینی تأکید شده است (گریوانی، ۱۳۹۶: ص ۵۵-۴۲).

روزی امام علی علیه السلام از فرزندانش حسن و حسین علیهما السلام در چند موضوع پرسش‌هایی کرد و هر کدام با عبارتهایی کوتاه، پاسخ‌هایی حکیمانه دادند. آن‌گاه حضرت به حارس اعور که در مجلس حاضر بود، فرمود: این سخنان حکیمانه را به فرزندان خود بیاموزید؛ زیرا موجب تقویت عقل و مال اندیشی و صاحب‌نظری آنان می‌گردد (مجلسی، ۱۳۴۲، ج ۷۱: ص ۴۲۷).

۲. تبیین فلسفه مفاهیم دینی با زبان ساده: این نکته از آن جهت اهمیت دارد که فرزندان ما از کودکی با رفتارها و اعمال دینی مقلدانه عادت می‌کنند؛ ولی وقتی درباره فواید، چیستی و چرایی اعمال و مفاهیم دینی همچون نماز، وجود خدا، معاد و ائمه می‌پرسند، پاسخ روشنی نمی‌یابند و این موجب عدم تعمیق باورهای دینی در آنان می‌گردد.

برای نمونه می‌توانید درباره نماز به فواید آن اشاره کنید و نیز با ارائه تصویر جذاب از نماز بگویید: نماز در حکم یک استخر و شنا کردن در آن است. از فرزندتان پرسید: اگر در کنار منزل ما استخری با آب زلال باشد و شما روزی پنج بار در آن آب‌تنی کنید، آیا بدنت پاکیزه می‌شود یا نه؟ او در پاسخ می‌گوید: حتماً و شما ادامه می‌دهید: فرزندم! نماز نیز همین‌گونه است. نماز، حکم همان استخر را دارد که آلودگی‌های روحی ما را پاک می‌کند؛ همچنان‌که استخر آلودگی‌های بدن ما را پاک می‌کند (ر.ک: مجلسی، ۱۳۴۲، ج ۷۱، ص ۳۰۹).

۳. بیان نعمت‌ها و محبت‌های خداوند: مهم‌ترین صفتی که باید در معرفی خدا به فرزند از آن آغاز کنیم، «محبت» و «رحمت» خدا در مورد همه موجودات است. شما با بازگویی جلوه‌های رحمت خداوند برای فرزند خود او را با محبت الهی رشد می‌دهید و تصویری ماندگار در ذهن و دل او ترسیم می‌کنید. برخی از جلوه‌های مهر خدا به بندگان چنین است:

- نعمت‌های بی‌شمار: خداوند زمینه‌های رفع نیازهای زندگی و نعمت‌های بی‌شماری را در زندگی به‌رایگان در اختیار ما گذاشته است. خدا حتی از غذا و آذوقه پرندگان و حشرات در دل شب تاریک غافل نیست.

- خدا، نگهدار ماست: خداوند همیشه - به‌ویژه در هنگامه سختی‌ها و نیاز شدید - ما را یاری می‌کند. مصون ماندن کودکی گمگشته در دل بیابان از گزند حیوانات و گزنده‌ها، نمونه‌ای از رحمت و مهر خداوندی است.

- پاداش دو چندان: اگر ما عمل و حسنه‌ای انجام دهیم؛ مثلاً به پدر و مادرمان نیکی کنیم، خداوند پاداش ده برابر آن به ما می‌دهد و حتی به نیت‌های نیک ما که هنوز جامه عمل به آنها نپوشانده‌ایم، پاداش می‌دهد؛ ولی اگر گناه و عمل بدی را قصد کنیم، اما به آن عمل نکنیم، برای آن گناهی نمی‌نویسد و اگر انجام دهیم، تنها جزای یک گناه برایمان نوشته می‌شود: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا؛ هر کس کار نیکی را انجام دهد ده برابر آن پاداش خواهد دید و هر کس معصیتی مرتکب شود همان را کیفر می‌بیند» (انعام: ۱۶۰).

- خدا می‌بخشد: خداوند توبه‌پذیر است؛ یعنی اگر کسی گناهی را از روی نادانی مرتکب شود و از خدا پوزش طلبد و قول دهد که دیگر تکرار نشود و بر این قول خود وفادار باشد، خدا نیز گناه او را می‌بخشد و او پاک می‌شود؛ درست مانند کسی که تازه از مادر متولد شده است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ؛ خدا توبه‌کنندگان را دوست می‌دارد» (بقره: ۲۲۲).

- خدا سختی‌ها را جبران می‌کند: اگر در این جهان کوچک‌ترین غم و نگرانی و مصیبتی به ما برسد، خدا آن را با پاداش بی‌شمارش جبران می‌کند: «إِنَّمَا يُؤَفِّقِي الصَّابِرِينَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ به اهل صبر و شکیبایی، بدون محاسبه، پاداش کامل داده خواهد شد.» (زمر: ۱۰).

- مهربانی صد قسمتی است: پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید که خداوند متعال، مهربانی و محبت را صد قسمت کرده است. نود و نه قسمت آن را نزد خویش نگه داشته و یک جزء آن را به زمین فرو فرستاده است. از همین یک‌صدم است که مردمان به یکدیگر رحم می‌کنند و حتی چهارپا، سُم خودش را از بچه‌اش کنار نگه می‌دارد تا به او نخورد (سیدی، ۱۳۹۲: ص ۱۱۲).

۴. استفاده از قصه‌های ایمانی: متون دینی ما، اعم از قرآن و روایات، سرشار از قصه‌های آموزنده و درعین‌حال مناسب برای کودکان است. قصه‌هایی که مشتمل بر شکرگزاری به درگاه خدا، زندگی اولیای الهی و توجه به نعمت‌های خداست.

داستان‌هایی که برای کودکان نقل می‌شود باید دارای نکته‌ها و ویژگی‌های زیر باشد:

- معنادار باشد و هدفی را به کودک القا کند؛ دارای نکاتی مفید و سازنده باشد؛ مثل داستان



آفرینش و اینکه خدا چگونه ما انسان‌ها را از نسل آدم و حوا آفریده است. - محتوای داستان باید رابطه کودک با خدا را تقویت کند و به او القا نماید که هرگز نباید خود را در جهان تنها تصور کند؛ حتی اگر داخل چاه هم افتاده باشد و یا در داخل شکم ماهی قرار گرفته باشد خدا با اوست؛ چنانچه قصه حضرت یوسف و یونس در بردارنده چنین نکاتی است. این هنر قصه‌گو را می‌رساند که داستان‌ها را به ترتیبی بازگو کند که کودک احساس کند خدا در تمام دوران زندگی با اوست.

- درباره نکته یا داستان و یا استدلالی که می‌خواهید به فرزند خود بگویید پرحرفی نشود. اجازه دهید تا خود آن نکته و داستان، مفاهیم لازم را منتقل کند.

- داستان در حد سن کودک و متناسب با سطح پرسش‌های او باشد.

- روی داستان‌های قرآن که هدفی جز تربیت انسان ندارد تکیه کنید. کتاب‌هایی علمی و روان تهیه کرده، آنها را مطالعه کنید و هر از چند گاه بخشی از قصه را برای فرزندان خود حکایت کنید.

- در کیفیت بیان قصه‌ها برای کودکان باید دقت شود تا مبادا کودکان از نوع بیان ما، دچار سوء تفاهم شوند و در نتیجه تصور کودک از خدا نادرست شود.

۴.۴. شیوه‌های تعمیق در حوزه ایجاد معنویت دینی

در دوره‌های زندگی انسان، به‌ویژه از دوران نوجوانی و سپس جوانی، نسبت به معنویت‌ها و در رأس آن خداگرایی و گرایش به عشق برتر رخ می‌دهد. جوان در این سنین شوریده‌حال می‌شود، هیچ عشقی او را آرام نمی‌کند، هیچ جمال و کمالی از بی‌قراری او نمی‌کاهد، جز معنویت و ارتباط با خدا. راز معنویت‌گرایی نوجوانان و جوانان همین مسئله است؛ ولی متأسفانه هم خود نوجوانان و هم اطرافیان‌شان وقتی به معنویت درونی آنها که می‌توانست شمع، سپس شعله و آن‌گاه آفتابی درخشان در زندگی آنها باشد، توجه نکردند، به تدریج به خاموشی گراییده و تنها در بحران‌های زندگی که احساس تنهایی و شکست می‌کند، آن نور معنوی خودنمایی می‌کند. چگونه می‌توان معنویت دینی را از دوران کودکی و نوجوانی فعال کرد؟ در اینجا به برخی راهکارها اشاره می‌کنیم:

۱. استفاده از اشعار کودکانه: یکی از شیوه‌های مؤثر در تربیت ایمانی کودک بهره‌مندی از اشعاری ساده برای کودک است. امامان معصوم نیز در تربیت کودکان خود از آنها سود می‌بردند.



بارها شنیده‌ایم که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حسن و حسین عَلَيْهِمَا السَّلَام را بر پشت خود سوار می‌کردند و آنها می‌گفتند: حَلْ حَلْ!! پیامبر نیز می‌فرمود: عجب اسب خوبی دارید شما دو نفر!! و این اشعار را

با خود می‌خواند:

حُرُقَّةٌ حُرُقَّةٌ

تَرَقَّ عَيْنَ بَقَّةٍ

اللَّهُمَّ إِنِّي أُحِبُّهُ

فَأَجِبْهُ وَأَحِبَّ مَنْ يُحِبُّهُ

کوچولو! کوچولو! قربان چشمان کوچکت!

خدایا من او را دوست دارم شما هم، او و دوستارانش را دوست بدار!

آن‌گاه یکی از آن دو (حسنین) پاهای خود را بر سینه پیامبر می‌گذاشتند و پیامبر می‌فرمود: عزیزم! دهانت را باز کن، آن‌گاه دهانش را بوسه باران می‌کرد!

همچنین حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام در مکالمه با فرزندان خود از اشعار کوتاه و ساده استفاده می‌کرد؛ همچنان‌که خطاب به اولین فرزند پسر خود می‌فرمود:

أَشْبِهَ أَبَاكَ يَا حَسَنُ

وَإَخْلَعَ عَنِ الْحَقِّ الرَّسَنَ

وَاعْبُدْ إِلَهًا ذَا مِثْنٍ

وَلَا تُسْأَلِ ذَا الْإِحْنِ

حسنم! شبیه پدرت باش! موانع را از سر راه حق دور کن

و خدای لطیف را که دارای الطاف است بپرست و هرگز از افراد کینه‌توز پیروی نکن.

نیز خطاب به حسین عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمود:

أَنْتَ شَبِيهٌ بِأَبِي

لَسْتُ شَبِيهًا بِعَلِيِّ

۲. استفاده از نامه‌نگاری: نامه‌نگاری یکی از شیوه‌های ایجاد احساس دینی و تعمیق باورهاست؛ نامه‌نگاری به خدا یا یکی از انبیا یا امامان معصوم. به فرزندان سفارش کنید با همان ذهنیت خوبی که از خدا دارد به خدا نامه بنویسد و از او چیزهایی بخواهد. سپس شما خواسته‌های آنها را برآورده نمایید تا کودک آن را به حساب خدا یا امام بگذارد. در ادامه یک نمونه از نامه‌های کودکان و نوجوانان را به خدا می‌خوانیم:

«ای خدای مهربان، تو را سپاس می‌گویم که پیامبران را فرستادی تا راه بهتر زندگی کردن را به ما بیاموزند. به ما کتاب قرآن دادی تا با راهنمایی‌های آن خوشبختی را در این جهان به دست آوریم. خدایا، سپاسگزارم که معلمی دانا و مهربان به ما دادی تا چون مشعلی فروزان ما را به ایمان و دانش هدایت کند.»



خدایا، تو را شکر می‌کنم که مرا با پیامبران، امامان و انسان‌های بزرگ‌تر آشنا کردی تا رفتارشان را سرمشق زندگی خود قرار دهیم.

ای خدای خوب، از تو سپاسگزارم که دوستانی خوب و صمیمی به من دادی که از آنها درس محبت، کوشش و علم‌آموزی بگیرم.

خدایا، نمی‌توانستم، توانایم کردی؛ نمی‌دانستم، دانایم کردی؛ تو را نمی‌شناختم، با خودت آشنایم کردی.

برای این همه نعمت و بخشش، تو را سپاس می‌گویم.

خدایا، به من کمک کن تا رفتاری پسندیده داشته باشم. بیشتر درس بخوانم و پیشرفت کنم تا در آینده به مردم خوب کشورم و به همه مردم جهان خدمت کنم» (جویاری، ۱۳۷۰: ص ۸۹).

۳. آموزش فرهنگ دعا و نیایش: دعا بهانه‌ای برای ارتباط با خدا و اولیای خدا و مفاهیم دینی است. دعا تأثیر فوق‌العاده‌ای در ایمان و رابطه فرزند با خدا دارد. این در حالی است که فرهنگ دعا در میان ما بسیار ناشناخته است. استفاده از دعا به عنوان روشی تربیتی برای تقویت ایمان کودک در سیره امامان معصوم به چشم می‌خورد:

- امام سجاد علیه السلام کودکان را جمع می‌کرد و خطاب به آنها می‌فرمود: «من دعا می‌کنم، شما هم آمین بگوید» (چنارانی، ۱۳۸۳: ص ۵۲).

- امام علی علیه السلام خطاب به امام مجتبی علیه السلام فرمود: «فرزندم! هیچ لقمه سرد یا گرمی را مخور و هیچ شربت یا جرعه آبی را منوش، جز اینکه قبل از خوردن و آشامیدن، این دعا را بخوانی: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي أَكْلِي وَ شُرْبِي السَّلَامَةَ مِنْ وَعْكِهِ وَ الْقُوَّةَ بِهِ عَلَي طَاعَتِكَ وَ ذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ فِيمَا بَقِيَّتُهُ فِي بَدَنِي وَ أَنْ تُشَجِّعَنِي بِقُوَّتِهَا عَلَي عِبَادَتِكَ وَ أَنْ تُلْهِمَنِي حُسْنَ التَّحَرُّزِ مِنْ مَعْصِيَتِكَ؛ پروردگارا! از تو درخواست می‌کنم تا در خوردن و نوشیدن سالم بمانم و از درد و زیان آن در امان باشم و تا وقتی که آنچه را خوردم و نوشیدم در بدنم باقی است، توانایی و قدرت طاعت و سپاسگزاری از تو را داشته باشم و نیز با نیرویی که به من می‌دهی، مرا به عبادت خویش تشویق فرمایی و پرهیز نمودن از نافرمانی ات را به من عنایت فرمایی» (مجلسی، ۱۴۰۲، ج ۶۳: ص ۳۸۱).

- امام حسین علیه السلام: پدرم مرا به خواندن دعای جوشن کبیر و حفظ و بزرگداشت آن توصیه کرد و سفارش نمود تا آن را به خانواده‌ام تعلیم دهم و آنان را بر خواندن آن برانگیزانم. همچنین هنگام

وفاتشان دعا را بر کفنشان بنویسم (مجلسی، ۱۴۰۲، ج ۹۱: ص ۳۸۴).

با روش‌های ذیل می‌توان به کودکان و نوجوانان دعا کردن را آموزش داد:

- انس دادن و ترغیب کودکان به حفظ یا تکرار ادعیه کوتاه و جذاب و تشویق آنها در ازای حفظ هر بند دعا. به‌ویژه برخی تعقیبات نماز، ذکر صلوات، دعای سلامتی امام عصر و دعاهایی مانند: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا».

البته ضرورتی ندارد دعا به زبان عربی باشد. به فرزند خود بیاموزید که به زبان مادری دعا کند: خدایا به من کمک کن تا به پدر و مادرم احترام کنم.

۴. بیان رحمت و نعمت‌های خداوند به کودکان: هیچ چیزی به اندازه محبت کردن و مهربانی، انسان را به خود جذب نمی‌کند. وقتی می‌خواهیم ایمان کودکان به‌ویژه پیش‌دستانی‌ها را به خدا تقویت کنیم، باید از مهربانی فوق‌العاده خدا به بندگان بهره ببریم. کودک در این سنین دوست دارد بداند خدا چه اندازه بچه‌ها را دوست دارد؛ مثلاً از کودک خود پرسید: بیشترین محبت را چه کسی به ما می‌کند؟ غیر از مادر کسی دیگر هم هست؟ از همین رهگذر به کودک و نوجوان می‌گوییم، فرزندم! مادر چه قدر فرزند خودش را دوست دارد؟ او هم که هنوز گرمای مهر مادری را در وجود خود حس می‌کند می‌گوید: خیلی زیاد، یک عالمه. به این طریق ما می‌توانیم از این ذهنیت کودک استفاده کنیم و بگوییم خدا چندین برابر مادر، ما را دوست دارد. در تبیین صفت رحمت، بر محبت و بخشندگی خدا تأکید کنید. در این سنین به‌کار بردن واژه‌ها یا تعبیرهایی که این ویژگی خدا را مخدوش می‌کند پرهیز کنید و تبیین صفت خشم و قهار بودن خدا را برای کودک به سال‌های بعد موکول نمایید.

۵. پرهیز از دافعه‌ها و موانع تعمیق باورها

به همان میزان که عوامل چهارگانه ایجابی یادشده در تعمیق باورهای دینی اهمیت دارد، عوامل سلبی و پرهیزها دارای اهمیت است. موانع، شبیه پرهیزهایی است که پزشک به بیمار برای بهبودی توصیه می‌کند. هرچه بیمار اهل رعایت باشد، ولی اگر پرهیزها را رعایت نکنند موجب می‌شود بیماری‌اش رشد بیابد. بنابراین باید دقت گردد تا والدین و مربیان کارهای زیر را انجام ندهند:

۱. پرهیز از کاربرد زور و اجبار در نماز به‌ویژه در کودکی؛



۲. پرهیز از به هم زدن بازی و سرگرمی های لذت بخش برای نماز خواندن؛
۳. پرهیز از خسته کردن کودک و نوجوان با برنامه های اضافی؛
۴. پرهیز از وضو گرفتن و نماز خواندن بعد از تنبیه فرزند؛
۵. پرهیز از جدایی انداختن بین دو نماز؛
۶. پرهیز از سبک شمردن نماز و برگزاری آن با خنده؛
۷. پرهیز از دعوت کودک یا جوان به نماز هنگامی که او را به تازگی تنبیه کرده ایم؛
۸. پرهیز از نماز خواندن به هنگام خستگی و بی حالی؛
۹. پرهیز از یادآوری مجازات های دشوار و سخت خداوند؛
۱۰. پرهیز از تحمیل و توییح در انجام مسائل مذهبی؛
۱۱. پرهیز از عمل افراطی و خرافی در مسائل دینی؛
۱۲. پرهیز از ایجاد احساس تضاد دین با مفاهیم بشری و مسائل زندگی از جمله غرایز، لذت ها، نیازها؛
۱۳. پرهیز از افراط و تفریط در اعمال دینی.

همه این پرهیزها اگر نادیده گرفته شود، نوعی «تحمیل» تربیت بر کودک است. درونی سازی باورها، ارزش ها و رفتارهای دینی با تحمیل و امر و نهی و توجه به عوامل بیرونی منافات دارد.

درونی سازی با طریقی جز اکراه و اجبار و تحمیل امکان پذیر است. ناگفته پیداست که با این روش ها، معارف دین هرگز از جسم فرزند ما عبور نخواهد کرد و به ذهن و قلب او نفوذ نخواهد کرد. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغُلُوا فِيهِ بِرِفْقٍ وَلَا تُكْرِهُوا عِبَادَةَ اللَّهِ إِلَى عِبَادِ اللَّهِ فَتَكُونُوا كَالرَّأِكِبِ الْمُنْتَبِتِ الَّذِي لَا سَفْرًا قَطَعَ وَلَا ظَهْرًا أَبْقَى؛ این دین، متین و استوار است. با رفق و مدارا واردش شوید و احدی از بندگان را به عبادت خدا اجبار نکنید تا همانند اسب سواری نباشد که در اثر شتاب زدگی نه تنها به مقصد نمی رسد که مرکبش را هم از دست می دهد» (فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۲: ص ۲۵۴).

بنابراین ترغیب کودکان به دین و معنویت باید با تکیه بر روش های مناسب و کودکانه و نیز با تأکید بر زیبایی های دین انجام پذیرد.

برخی از والدین نوجوان را با اکراه و امر و نهی ملال آور، به آداب و تکالیف دینی وادار می کنند.

یک نوجوان گاهی به سبب نمازی که هنوز بر او واجب نیست و یا حتی مکلف است، ولی با زخم زبان او را تحت فشار قرار می‌دهند، طعم شیرین نماز و حضور در مجالس دینی را در کام او تلخ می‌کنند. در گذشته مشاهده می‌شد که پدر با رفتاری نامناسب فرزندش را برای نماز از خواب بیدار می‌کرد و گاه او را کتک می‌زد. این درحالی است که سیره امامان و عالمان نشان می‌دهد که آنها در مورد تکالیف دینی در عین جدیت، فرزندان را تحت فشار قرار نمی‌دادند و از آنها عیب‌جویی (مچ‌گیری) نمی‌کردند. روزی امام صادق (ع) به فرزندش اسماعیل فرمود: پسر! قرآن را بیاور و بخوان. اسماعیل گفت: من وضو ندارم! حضرت فرمود: اشکال ندارد قرآن بخوان، ولی به نوشته آن دست نزن» (مجلسی، ۱۴۰۲، ج ۴۴: ص ۳۲۷).

نتیجه‌گیری

آنچه به عنوان یک آسیب تربیتی در تعلیم و تربیت مربیان و والدین نمود آشکاری دارد، «تربیت سطحی، صوری و ظاهری» دین به فرزندان و «عدم تعمیق باورهای دینی و نیز توجه به «عوامل بیرونی» تربیت است تا عوامل درونی آن. همچنین توجه به ظواهر و کنش‌های دینی است تا باورها و ارزش‌های دینی. درونی‌سازی راهکار رهایی از این آسیب است؛ زیرا درونی‌کردن یک ارزش و فضیلت، عمیق‌ترین و پایدارترین پاسخ به نفوذ اجتماعی است. درونی‌سازی عاملی مهم در تعمیق باورهای دینی به شمار می‌رود. برای تعمیق باورهای دینی پنج گام اصلی باید برداشته شود:

۱. ایجاد انس دینی؛
 ۲. ایجاد عادت دینی؛
 ۳. ایجاد معرفت دینی؛
 ۴. ایجاد معنویت دینی؛
 ۵. پرهیز از دافعه‌ها و موانع تعمیق باورها.
- هر کدام از این دوره‌ها می‌تواند ویژه یک سن خاصی باشد: عادت دینی در دوره کودکی اول؛ انس دینی مربوط به دوره کودکی دوم؛ حس دینی مربوط به دوره کودکی سوم و معرفت دینی ویژه نوجوانان است.



کتابنامه

قرآن کریم

۱. امینی ابراهیم (۱۳۸۸)، تربیت، چ سوم، قم: بوستان کتاب.
۲. حرّعاملی (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: اهل البيت علیهم السلام.
۳. حسین سیدی (۱۳۹۲)، همنام گل های بهاری، چ دهم، تهران: نشر علم.
۴. رجبعلی مظلومی (۱۳۸۶)، گامی در مسیر تربیت اسلامی، چ ۹، تهران: نشر آفاق.
۵. ژان پیازه، و باریل اینهلدر (۱۳۸۳)، روان شناسی کودک، ترجمه: زینت توفیق، چ سوم، تهران: نشر نی.
۶. سید رضی (۱۳۸۲)، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، چ ۴۹، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
۷. عبدالعظیم کریمی (۱۳۸۹)، نکات روان شناختی در تربیت دینی فرزندان، تهران: انتشارات مدرسه.
۸. عبدالعظیم کریمی (۱۳۸۹)، تربیت چه چیز نیست، چ ششم، تهران: انتشارات مدرسه.
۹. علامه حلی (۱۳۸۱)، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، قم: بوستان کتاب.
۱۰. عین الله خادمی، «درونی کردن ارزش های اسلامی در دانش آموزان» (۱۳۸۹)، فصلنامه تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۲۸.
۱۱. محمد حسین طباطبایی (۱۳۸۵)، سنن النبی، دارالعلم.
۱۲. محمدباقر مجلسی (۱۴۰۲)، بحارالانوار، چ چهلم، تهران: اسلامیه.
۱۳. محمدتقی فلسفی (۱۳۶۸)، الحدیث (احادیث تربیتی)، چ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. محمدعلی چنارانی (۱۳۸۳)، رفتار امامان شیعه با کودکان و نوجوانان، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس.
۱۵. محمدعلی چنارانی (بی تا)، رفتار امامان شیعه با کودکان و نوجوانان، چ اول، مشهد: نشر فکر.

۱۶. محمود جویباری (۱۳۷۰)، نامه‌هایی به خدا، چ سوم، قم: وثوق.
۱۷. محمود نوزری (۱۳۹۶)، روان‌شناسی تحول دینداری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۸. مرتضی مطهری (۱۳۸۴)، مجموعه آثار، ج ۱-۶، چ ۲۳، قم: نشر صدرا.
۱۹. مرتضی مطهری (۱۳۹۲)، فلسفه اخلاق، چ ۳۴، تهران: نشر صدرا.
۲۰. مسلم گریوانی (۱۳۹۶)، خدایی که در این نزدیکی است (پرسشهای فرزندان درباره خدا)، چ سوم، قم: بوستان کتاب.
۲۱. مسلم گریوانی (۱۳۹۸)، نگاهی نو، جامع و کاربردی به فرزندپروری دینی، چ اول، قم: بوستان کتاب.
۲۲. مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا (۱۳۸۵)، نگاهی به پرسش‌های کودکان، تهران: نشر قطره.
۲۳. نوری طبرسی (۱۴۱۲)، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم: الاحیاء التراث.
۲۴. یاب ایریس (۱۳۸۳)، کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ترجمه: مسعود حاجی‌زاده، چ دهم، تهران: صابرین.
۲۵. الیوت ارونسون (۱۳۸۰)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه: حسین شکرکن، چ اول، تهران: انتشارات رشد.

روش‌های جذب جوانان

عشرت رنجبر*

چکیده

توجه به جوانان به‌عنوان مهم‌ترین سرمایه انسانی یک جامعه، اهمیت فراوانی دارد و جامعه سالم، پویا و پیشرفته، نیازمند جوانان تربیت‌شده و دین‌دار است. گرچه جوان به‌طور فطری دین‌باور و تربیت‌پذیرست، جوان امروز در جامعه‌ای روزگار می‌گذراند که جهانی‌شدن، فضای مجازی و تهاجم فرهنگی می‌تواند هویت مذهبی او را دگرگون سازد. این پژوهش با در نظر داشتن آسیب‌های دین‌داری، در پی آن است که راهکارهای جذب جوانان به دین و نهادینه‌سازی دین‌داری را تبیین کند. ضروری است والدین و مربیان به منظور جذب جوانان به دین، در تعاملی سازنده، ضمن شناخت ویژگی‌های جوان و احترام به عقاید وی، با او رابطه‌ای همدلانه برقرار کنند و از سوی دیگر، ضمن هم‌سو کردن گفتار و رفتار خویش، با خردورزی در بیان گزاره‌های دینی، معرفی صحیح دین، پاسخ به پرسش‌ها و شبه‌های جوانان، زمینه جذب آنان به دین و مصونیت‌بخشی در برابر تهاجم فرهنگی را فراهم سازند.

کلیدواژه‌ها

دین، باورهای دینی، جوانان، ایمان.



مقدمه

جوانان به دلیل نقش آفرینی در سازندگی و بالندگی جامعه، آماج تهاجم مفسدان هستند. مکاتب و گرایش‌های اعتقادی از پاسخگویی به بایسته‌ها و نبایسته‌های تربیتی جوانان اظهار عجز کرده‌اند و فرجام این نگرش، بی‌معنابودن زندگی، نگرانی و سردرگمی جوان معاصر است. به‌منظور پی‌ریزی جامعه سالم، باید تربیت جوانان در صدر برنامه‌های والدین و تصمیم‌سازان جامعه قرار گیرد؛ جوانانی که اگر احساس جوانی‌شان با شعور عمیق دینی تجهیز شود، سعادت آنها و جامعه تضمین خواهد شد. در واقع غفلت از تربیت و هدایت نسل جوان، موجب خسران خانواده و جامعه است. بر این اساس توجه به ارزش‌های دینی و تقویت باورهای دینی جوانان، از جمله نیازهایی است که باید بیش از پیش در خانواده و جامعه به آن توجه شود؛ زیرا دین از طریق شناساندن مبدأ، مقصد و مسیر حرکت و به‌طور کلی با شناساندن هدف زندگی، مسیر حرکت و الگوهای رفتاری خاصی را به انسان ارائه می‌دهد. این کارکرد، آزمایش روانی را در فرد، خانواده و جامعه به همراه دارد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. تعریف دین

لغت‌شناسان معانی مختلفی همچون «طاعت»، «جزا»، «عادت»، «قهر»، «استیلا»، «تدبیر»، «سیره» و ... را برای دین برشمرده‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ص ۱۶۷). همچنین از نظر اصطلاحی برای دین تعریف‌های متعددی ارائه شده است. از منظر علامه طباطبایی رحمته‌الله دین به عقاید و یک سلسله دستورهای عملی و اخلاقی گفته می‌شود که پیامبران از سوی خداوند برای راهنمایی و هدایت بشر آورده‌اند و اعتقاد به این باورها و انجام‌دادن این دستورها، سبب سعادت و خوشبختی انسان در دو جهان می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۰: ص ۴۱).

گزاره‌های دینی، در هیچ زمانی از خدا باوری و پرستش معبود خالی نبوده است؛ همچنان‌که کارل گوستاو یونگ (Carl Gustav Jung) معتقد است طبیعت آدمی به نوعی ساخته شده است که به‌طور ذاتی وجود خدا را در خود احساس می‌کند؛ از این رو اگر به توحید هدایت نشود، در برابر معبودهای کاذب سر تعظیم فرود می‌آورد تا آن‌گاه عطش درونی خود را سیراب کند (اسدی، گرماوردی، ۱۳۸۲: ص ۳۷).

۲-۱. نقش دین در زندگی جوان

برای ایجاد جامعه سالم و تربیت جوان، نخست باید شناخت جوانان از دین بررسی شود؛ زیرا گزاره‌های دینی به‌مثابه نسخه جامعه‌ای قانون‌مند، متمدن و سالم است؛ از همین روست که در برخی روایت‌ها از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان «طیبی» یاد شده است (شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ص ۱۵۶) که با نسخه دین، بیماری‌های روحی مردم را درمان می‌کند. دین نقش بنیادی در کاهش ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی دارد؛ چنانکه گوستاو یونگ معتقد است که نبود روحیه دینی، موجب بروز اختلال‌های روانی می‌گردد (گوستاو یونگ، ۱۳۹۳: ص ۷۸). پژوهش‌های جدید نیز بیانگر آن است که دین‌داران کمتر هنجارشکنی می‌کنند. «جوانان کاتولیک که از دامن مادران مذهبی برخاسته‌اند، نسبت کوچکی را در میان بزهکاران حائز بوده‌اند؛ در صورتی که جوانانی که در دامن مادرانی تربیت شده‌اند که به‌طور نامنظم به کلیسا می‌رفتند یا اصولاً به کلیسا نمی‌رفتند، نسبت بالاتری را دارا بودند» (همان). در حقیقت زندگی بدون دین، زندگی رنج‌آور است. جان بی. کایزل (John B. Kaisal) می‌گوید: «بی‌ایمانی به‌خصوص از این لحاظ رنج‌آور است که دنیا و هر چه را که در اوست، در نظر ما لغو و بیهوده و ناپایدار جلوه می‌دهد؛ اما ایمان است که ما را در طوفان روزگار، از افتادن و مغلوب شدن نگاه می‌دارد. کسی که مذهب ندارد، غریقی است که مدام در دریای شک و تردید و بی‌تکلیفی دست و پا می‌زند ... و با اهل دنیا پیوسته در جدال و کشمکش است» (فلسفی، ۱۳۴۴، ج ۱: ص ۴۱۱).

۳-۱. شبیه‌های جذب جوانان به دین

با توجه به نقش‌آفرینی دین در فرایند زندگی جوانان، برخی از شبیه‌های جذب جوانان به دین عبارتند از:

۱-۳-۱. شناخت جوان

شناختن تمایلات فطری، طبیعی و آرزوهای جوانان و ارضای صحیح آنها، اساسی‌ترین پایه تربیتی نسل جوان است. مربی لایق کسی است که ساختمان طبیعی جوانان را بشناسد و با بررسی همه‌جانبه، به خواش‌های درونی آنان پی برده و سپس هر کدام را در جای خود و با اندازه‌گیری صحیح و عاقلانه ارضا نماید (همان: ص ۱)؛ بنابراین جذب جوان به دین، نیازمند



شناخت ابعاد شخصیت جوان است؛ زیرا هرگونه برنامه‌ریزی، نیروسازی و افزایش دین‌باوری جوانان، بر شناخت ظرفیت، احساسات، استعداد و خواسته‌های آنان مبتنی است. جوان به دلیل کم‌تجربگی، احساسات و مشکلات بلوغ، به گونه‌ای طبیعی خطاپذیر است. روحیه استقلال‌طلبی‌اش، زمینه چالش‌ها و تضادهایی را میان او و بزرگ‌ترها پدید می‌آورد؛ از این رو باید با او هوشمندانه رفتار کرد و به خاطر سپرد که رفتار نسنجیده، برای همیشه جوان را از ورود به مسائل دینی برحذر می‌دارد. از نظر استاد مطهری «فکر اساسی این است که ما درد عقلی و فکری این نسل را بشناسیم. بدون شناخت درد این نسل، هرگونه اقدامی بی‌مورد است» (مطهری، ۱۳۹۸: ص ۱۸۳-۱۸۷).

۲-۳-۱. احترام به عقاید جوان

غریزه حب ذات که بر اساس حکمتی الهی در وجود انسان به ودیعه نهاده شده است، آدمی را برمی‌انگیزد تا به دیگران اجازه «تحقیر شخصیت» خویش را ندهد (تنکابی، ۱۳۷۹: ص ۵۹۹)؛ از این رو یکی از خواهش‌های طبیعی جوان این است که به شخصیت‌اش احترام گذاشته شود. اگر با نوجوانی رفتار کودکانه شود، سخت ناراحت می‌شود؛ زیرا احساس می‌کند که عقایدش را محترم نمی‌شمارند (شرفی، ۱۳۸۰: ص ۴۵). «تکریم شخصیت» احساس ارزش را در فرد بالا می‌برد و «نکوداشت» شخصیت جوان، موجب «گناه‌ستیزی» او می‌شود؛ زیرا کسانی که در درونشان احساس عظمت می‌کنند، از گناه دست می‌شویند و به‌عکس تحقیر جوان، زمینه گناه‌پذیری‌اش را مهیا می‌سازد و او را ناامید و سرگردان در جامعه پیچیده و دشوار معاصر رها می‌کند (همان: ص ۴۷)؛ بنابراین تنها با اعتمادسازی است که می‌توان جوان را به دین جذب کرد و مسائل دینی را به او آموزش داد. چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «قُلُوبُ الرِّجَالِ وَخَشِيئَةُ فَمَسْنُ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ؛ دل‌های مردم وحشی است؛ پس هرکسی بتواند با آنها الفت برقرار کند، به او روی خواهند آورد» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق: ص ۴۷۷، ح ۵۰).

گاهی جوان بر عقیده خود پافشاری می‌کند؛ زیرا آن را حق می‌داند، اگرچه از دیدگاه والدین باطل باشد. باید توجه داشت که توهین به عقیده و نظر جوان، توهین به همه وجودش خواهد بود؛ از همین رو اسلام به مسلمانان دستور می‌دهد به عقاید همگان احترام بگذارند و حتی از توهین کردن به بت‌پرست‌ها خودداری کنند (انصاری، ۱۳۸۸: ص ۲۷). برخی والدین به‌رغم حسن نیت درونی با فراموش کردن مشکلات دوران نوجوانی خود، نمی‌توانند روحیات و

احتیاج‌های فرزندشان را درک کنند؛ از این‌رو اغلب همان اشتباهاتی را مرتکب می‌شوند که پدران و مادران خودشان در تربیت آنها مرتکب شده‌اند و همیشه با این پرسش مواجه‌اند که چرا فرزندانشان از آنها فرار می‌کنند و در هیچ کاری با آنها مشورت نمی‌کنند.

۳-۱. پاسخ به شبهه‌ها و پرسش‌های جوان

به باور روان‌شناسان، دوران بلوغ و جوانی، دوره‌ی بروز احساسات مذهبی و شکفته‌شدن تمایلات ایمانی و اخلاقی است. جوان مایل است از مبدأ عالم باخبر شود، خداوند را بشناسد و بدین وسیله تمایل فطری خود را ارضا کند (فلسفی، ۱۳۴۴، ج ۱: ص ۳۴۰-۳۴۱). جوان از نادرستی و بداخلاقی دیگران رنج می‌برد و آرزو دارد که فضایل اخلاقی بر جهان حاکم باشد و مردم به راستی و درستی قدم بردارند. موریس دبس (Maurice Debesse) می‌گوید: «در حدود ۱۵ - ۱۷ سالگی، جوانان به ندای تقدس یا شجاعت به لرزه درمی‌آیند. آرزومند می‌شوند که جهان را از نو تشکیل دهند، بدی را محو و نابود سازند (همان: ص ۳۲۴). مردم به‌ویژه جوانان با سؤال‌های مختلفی همچون «من کیستم و از کجا آمده‌ام و به کجا می‌روم» روبه‌رو هستند که باید به این سؤال‌ها پاسخ‌های قانع‌کننده ارائه داد تا مانع گرایش و تمایل جوان به مکتب‌ها و گرایش‌های دیگر شد. هنگامی که جوان در برابر شبهه‌ها و القانات فکری مکاتب و فلسفه‌های مختلف قرار می‌گیرد و پاسخ منطقی در برابر شبهه‌ها و پرسش‌های آنها نداشته باشد، ناگزیر یا خود را به مذهب بیگانه معرفی می‌کند تا بر احساس حقارت خود به دلیل ناتوانایی‌ها در مقابل دیگران سر پوش بگذارد و یا آنچنان خودباخته می‌شود که مسلک آنها را می‌پذیرد. از این روست که در روایت‌های اسلامی بر حفظ جوان از گرایش به مکاتب انحرافی تأکید شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُؤْتَمِرَةُ؛ فرزندان را آموزش دهید پیش از آنکه مرجئه^۱ آنها را منحرف سازند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ص ۴۷).

به باور استاد شهید مطهری، ریشه بیشتر انحرافات دینی و اخلاقی نسل جوان را در لابلای اندیشه‌ها و عقاید آنان باید جستجو کرد. فکر این نسل از نظر مذهبی آن‌چنان که باید راهنمایی نشده است و از این نظر بسیار نیازمند راهنمایی است (همان، ج ۱۹، ص ۳۷۷). در عصر حاضر که دشمنان با استفاده از ابزاری مانند ماهواره و اینترنت، مبانی دینی جوانان را نشانه گرفته‌اند، والدین

۱. یکی از گروه‌های منحرف مذهبی.

وظیفه دارند در برابر این روش مقابله کنند؛ یعنی والدین با برخورداری از دانش استفاده از فن‌آوری‌های نوین ارتباطی و به‌روزرسانی خود، افزون بر گشودن راه گفتگوی «دو طرفه» با آگاه‌سازی و هشدارهای لازم به فرزندان خود، آنان را در مقابل بزرگراه‌های اطلاعاتی و فضاهای سایبری واکسینه نمایند؛ زیرا رسالت تربیت والدین اقتضا می‌کند نسبت به مقتضیات زمان آگاه باشند؛ به گونه‌ای که بتوانند پیشامدهای آینده را نیز پیش‌بینی و درمان کنند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ...؛ مسائل پیچیده بر عالم آگاه به زمان شیخون نمی‌زند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج: ۱، ص: ۲۶). امام علی علیه السلام نیز این مطلب را این‌گونه بیان کرده است: «أَعْرِفُ النَّاسَ بِالزَّمَانِ مَنْ لَمْ يَتَعَجَّبْ مِنْ أَحْدَاثِهِ؛ آگاه‌ترین مردم به زمانه کسی است که از پیش آمدهای روزگار تعجب نکند» (لیثی، ۱۳۷۶: ص ۱۲۶). همچنین امام علی علیه السلام در ادامه می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ الْأَيَّامَ لَمْ يَغْفُلْ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ؛ آن‌که وضع روزگار را بشناسد، از آمادگی غافل نمی‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷، ج: ۸، ص: ۲۳).

۴-۳-۱. انعطاف‌پذیری و همدلی با جوان

جوان موجودی عاطفی و زودرنج است که اگر با او با همدلی رفتار شود، به راحتی می‌توان در قلبش نفوذ کرد؛ چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «أَوْصِيكُمْ بِالشُّبَّانِ خَيْرًا فَإِنَّهُمْ أَرْقُّ أَوْفِدَةً إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بَشِيرًا وَ نَذِيرًا فَحَالَفَنِي الشُّبَّانُ وَ خَالَفَنِي الشُّيُوخُ؛ شما را به نیکی با جوانان سفارش می‌کنم؛ زیرا آنان دل‌های رقیق‌تری دارند. به راستی که خداوند مرا بشارت‌دهنده و هشداردهنده برانگیخت. جوانان با من هم‌پیمان شدند و پیران با من مخالفت کردند» (حقی برسوی، بی‌تا، ج: ۷، ص: ۵۷). با جوان باید انعطاف‌پذیر بود؛ زیرا به سبب روحیات جوانی‌اش در معرض لغزش است. امام علی علیه السلام فرموده است: «جَهْلُ الشَّابِّ مَغْدُورٌ وَ عِلْمُهُ مَحْقُورٌ؛ نادانی جوان، غیر قابل ملامت و علم او اندک است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ص ۳۳۹).

شخصیت استقلال‌طلب جوان، نه تنها امور تحمیلی را نمی‌پذیرد؛ بلکه در مقابل آن مقابله نیز خواهد کرد؛ از این رو شایسته نیست آموزه‌های دینی را به او تحمیل کرد؛ بلکه باید آنها را به صورت جذاب به جوان عرضه کرد و با همدلی و همراهی او در زمینه‌های مختلف و برقراری ارتباط عاطفی، او را به مسیر درست هدایت کرد. روح آسیب‌پذیر جوان در برابر برخورد قهرآمیز و واکنش نشان می‌دهد؛ بنابراین هرگز نباید با او به‌ویژه در آموزش آموزه‌های دینی، رفتاری خشن و خشک داشت. آموزش مسائل دینی به جوان نباید به گونه‌ای باشد که به شخصیت او صدمه



بزند؛ از این رو بهتر است از جملاتی مانند «این سخن در شأن شما نیست» و «شأن شما بالاتر از اینهاست»، «شما سرمایه‌های این مملکت هستید و جامعه و تاریخ به شما امید دارد» استفاده شود.

۵-۳-۱. همسویی گفتار و رفتار والدین

والدین به عنوان دو رکن اساسی خانواده، نقشی کلیدی در رفتار و باورهای فرزندان ایفا می‌کنند؛ زیرا فرزند زمان بیشتری را در کنار آنها سپری می‌کند و با الگوبرداری از رفتارهای ایشان، بسیاری از آداب دینی و معاشرت را می‌آموزد. در حقیقت اولین قهرمانان زندگی فرزندان، والدین هستند. بر اساس برخی پژوهش‌ها «بسیاری از افرادی که در بزرگسالی نسبت به عبادات از خود سستی نشان می‌دهند، به دین و تکالیف دینی بی‌اعتقاد نیستند؛ بلکه بی‌توجهی یا عدم تقید والدین نسبت به انجام دادن به موقع تکالیف دینی و عبادی سبب چنین امری است؛ چنانکه مشاهده‌ی صحنه‌های عبادت والدین بر فرزندان تأثیر می‌گذارد؛ زیرا تجربه، تفکر و تعلیم، وسایلی هستند که به انسان قدرت تشخیص می‌دهد» (احمدی، ۱۳۸۵: ص ۸۱).

یکی از جوانان در مصاحبه‌ای چنین می‌گوید: «علت اصلی نماز نخواندن و حجاب نداشتنم، خانواده‌ام هستند. هیچ کس در خانواده‌ام نماز نمی‌خواند؛ آخر حجاب یا نماز برایشان غیرعادی است و من خجالت می‌کشم نماز بخوانم. حس می‌کنم با این کار منزوی می‌شوم، نمی‌توانم در این راه مبارزه کنم؛ قدرتش را ندارم. می‌ترسم از جمع طرد شوم. درباره حجاب هم نمی‌توانم تصمیم بگیرم؛ چون می‌خواهم دائمی باشد. دوست ندارم مثل یکی از دخترهای فامیل باشم که مدتی حجاب داشت و بعد به دلیل فشار بقیه برداشت. نمی‌خواهم سر زبان‌ها بیفتم» (شکوهی، ۱۳۹۳: ص ۱۱۰).

ناهمگونی گفتار و رفتار والدین، یکی از مهم‌ترین آسیب‌های تربیت دینی است که سبب تضعیف باورهای دینی جوان و بی‌اعتمادی آنها به والدین در دیگر مؤلفه‌ها می‌شود. قرآن در نکوهش چنین رفتاری می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید؟! نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که بدان عمل نمی‌کنید» (صف: ۲ و ۳؛ نک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹: ص ۲۴۹).

بنابراین والدین وظیفه دارند جهت جذب جوانان به دین، رفتار و گفتار همسو داشته و در عمل به



آموزه‌های دینی پیش قدم باشند؛ همان‌گونه که امام علی علیه السلام فرمود: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ سَبِيْرَتَهُ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ؛ آنکه خود را پیشوای مردم سازد، پیش از تعلیم دیگری باید به تأدیب خود بپردازد؛ بیش از آنکه به گفتار تعلیم فرماید، باید به کردار ادب نماید و آنکه خود را تعلیم دهد و ادب اندوزد، شایسته‌تر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب آموزد» (مجلسی، ۱۳۰۴، ج ۲: ص ۱۰۴).

شهید مطهری می‌گوید: «هیچ چیز بشر را بیشتر از عمل تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. شما می‌بینید مردم از انبیا و اولیا زیاد پیروی می‌کنند، ولی از حکما و فلاسفه آن قدرها پیروی نمی‌کنند، چرا؟ برای اینکه فلاسفه فقط می‌گویند، فقط مکتب دارند، فقط تئوری می‌دهند؛ در گوشه حجره‌اش نشسته است، پی در پی کتاب می‌نویسد و تحویل مردم می‌دهد. ولی انبیا و اولیا تنها تئوری و فرضیه ندارند، عمل هم دارند. آنچه می‌گویند اول عمل می‌کنند. حتی این طور نیست که اول بگویند بعد عمل کنند، اول عمل می‌کنند، بعد می‌گویند. وقتی انسان بعد از آنکه خودش عمل کرد، گفت، آن گفته اثرش چندین برابر است» (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۱۷: ص ۲۵۴).

۶-۳-۱. نهادینه‌سازی دین‌باوری در خانواده

خانواده به عنوان نخستین کانون تعلیم و تربیت، نقش بسزایی در جذب جوانان به دین دارد؛ چنانچه بیشتر جوانانی که دین خود را حفظ کرده‌اند، از خانواده دین‌دار بوده‌اند. والدین می‌توانند با آموزش گزاره‌های قرآنی، فرزندان خود را با معارف بلند قرآنی آشنا سازند؛ زیرا قرآن تمام قوانین هدایت و سعادت انسان‌ها را در بردارد. تلاوت آن، کلید ارتباط با خداست و تدبیر در آیات جان‌بخشش، سبب بیداری دل، شکوفایی استعداد و بروز خلاقیت در فرزند می‌شود (رضائیان، ۱۳۹۳: ص ۶۵). مادر در انتقال مفاهیم دینی برای فرزندان می‌تواند نقش بیشتری داشته باشد (احسانی، ۱۳۸۷: ص ۱۲۳)؛ چنانکه زندگی نامه بسیاری از علما گویای این است که مادرانشان به آنها قرآن خواندن را می‌آموختند و آنها را بر اساس آموزه‌های قرآنی پرورش می‌دادند. برای مثال مادر علامه جعفری، قرآن را به فرزندش محمدتقی تعلیم داد. علامه جعفری می‌گوید: «نخستین بار مادرم قرآن را به من یاد داد. حتی یادم می‌آید یک بار که به مشهد می‌رفتیم، در طول راه مادرم قرآن می‌خواند و میان راه که برای استراحت و نماز توقف کردیم، فرزندانش را دور خودش جمع کرد و یک سوره قرآن را به ما تعلیم داد» (ماهانامه جامعه، ۱۳۸۴).

آیت الله جوادی آملی راه اصلاح انسان‌ها را انس با قرآن می‌داند و می‌فرماید: «بهترین راه صلاح، انس با قرآن است. قرآن، حبل (ریسمان) الهی است که انس با آن و تدبیر در آن و ایمان و عمل به آن، انسان را بالا می‌برد و به مقام صالحین ملحق می‌سازد؛ تحت ولایت‌الله قرار می‌دهد. اگر انسان مشمول ولایت‌الله بود، آموزش را خدا اداره می‌کند و در آن مقام، دیگر راهی برای وسوسه و رخنه اهریمن نیست» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ص ۲۳۷-۲۴۰).

انس و تلاوت قرآن، انسان را زیر پوشش ولایت الهی می‌برد تا وسوسه‌های تبلیغات سوء، بر باورهای دینی او اثر نکند؛ به‌ویژه اگر قرآن در فصل شکوفایی عمر، یعنی سن جوانی و نوجوانی خوانده شود. در روایت‌ها آمده است: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ؛ کسی که در سن جوانی قرآن بخواند، قرآن با خون و گوشت او آمیخته می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ص ۶۰۳). این در حالی است که متأسفانه برخی خانواده‌ها نسبت به تربیت دینی و آموزه‌های قرآنی فرزندانشان بی‌توجه هستند تا آنجا که گاه در طول سال سخنی از قرآن و مسائل دینی در جمع آنها مطرح نمی‌شود. در چنین فضایی بی‌اعتنایی به دین عادت می‌شود و به جامعه نیز سرایت می‌کند؛ زیرا بسیاری از کارهای ناپسند هرگاه در خانواده به صورت عادت در آید، در اجتماع نیز نمود می‌یابد؛ از این رو باید در انتقال مفاهیم دینی به فرزندان، بیشتر به عمل توجه شود. رغبت داشتن جوان به مسائل دینی، ناشی از عوامل محیطی و خانوادگی است؛ در حالی که تربیت دینی بر اساس آموزه‌های دینی، از وظایف اولیه والدین است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَ قُودُهَا النَّاسُ وَ الْجِبَارَةُ؛ ای مؤمنان! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست حفظ کنید» (تحریم: ۶).

۱-۳-۷. تبیین صحیح سیره و گفتار معصومان (ع)

بنا بر آموزه‌های دینی، گوشت و پوست مردم ما و به‌ویژه جوانان، با عشق و محبت اهل بیت علیهم‌السلام آمیخته است (حرانی، ۱۴۰۴ق: ص ۱۲۳). گزاره‌های معارف والای اهل بیت علیهم‌السلام به‌گونه‌ای است که اگر هوشمندانه معرفی شود، بیشتر جوانان بدان گرایش می‌یابند. شواهد و قرائن نیز نشان می‌دهد که بسیاری از انسان‌ها در سراسر جهان، عاشق و دل‌باخته اهل بیت علیهم‌السلام و به‌ویژه امام حسین علیه‌السلام هستند. تدوین صدها اثر فاخر برای اهل بیت علیهم‌السلام و شرکت میلیون‌ها زائر در راهپیمای اربعین سیدالشهدا علیه‌السلام می‌تواند شاهد بر این ادعا باشد؛ همان‌گونه که امام رضا علیه‌السلام فرمود: «فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱: ص ۳۰۷). امام باقر علیه‌السلام نیز به خیمه فرمود:

«إِنَّ شَيْعَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يُقَدِّفُ فِي قُلُوبِهِمُ الْحُبُّ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُلْهَمُونَ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَإِنَّ الرَّجُلَ يُحِبُّنَا وَيَحْتَمِلُ مَا يَأْتِيهِ مِنْ فَضْلِنَا وَلَمْ يَرْنَا وَلَمْ يَسْمَعْ كَلَامَنَا لِمَا يُرِيدُ اللَّهُ بِهِ مِنَ الْخَيْرِ؛ شیعیان ما محبت در دلشان افکنده می شود و آنان ما را دوست دارند؛ در حالی که ما را ندیده و کلام ما را نشنیده اند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۴: ص ۱۵۱).

۸-۳-۱. معرفی صحیح دین

هر چند اصل دین و اصول آن ثابت و تغییرناپذیر است، از دین می توان برداشت های گوناگون ارائه داد. نوع برداشت و تلقی از دین، نقش اساسی در ترویج یا تنفر از آن دارد؛ از این رو برای تقویت باورهای دینی جوانان و دین پذیری بیشتر آنان، باید قرائت صحیح و رسایی از مفاهیم دینی به جوان ارائه شود؛ همچنان که ارائه دین در قالب های نارسا و نادرست، می تواند آسیب های اساسی به دین و دین داری وارد کند.

بر اساس تحقیقات روان شناسان، معرفی صحیح دین و ارائه کارکردهای درست آن به مردم، تأثیر بسزایی بر سلامت روانی، کاهش علائم بیماری و ناراحتی دارد؛ بنابراین میان دین و بهداشت روانی، رابطه مثبتی وجود دارد (سالاری فر، ۱۳۹۰: ص ۱۷۳). ویکتور فرانکل (Viktor Frankl) معتقد است: «التیام فرد و جامعه فقط با مراعات سه جنبه انسانی یعنی جسمی، روانی و دینی حاصل می شود و بیمار را باید با هسته معنوی خودش آشنا ساخت» (همان، ص ۱۷۱). با معرفی صحیح دین می توان جوان را به سوی آن جذب کرد؛ زیرا همسو با فطرت ذاتی اوست. بر این اساس یکی از راه های جذب جوانان به دین معرفی صحیح آموزه های دینی است؛ زیرا نتیجه آن همسویی با فطرت است که خداوند در نهاد انسان نهادینه کرده است، اما اگر دین به درستی معرفی نشود، جوان از دین گریزان می شود؛ زیرا در آن صورت آنچه را که می بیند، با آنچه خواست طبیعی اوست تضاد دارد. متأسفانه امروزه برخی والدین در معرفی اسلام افراط و تفریط می کنند؛ چنانچه برخی والدین در آموزش آموزه های دینی سخت گیری می کنند و با اجبار فرزندان خود را حتی پیش از سن تکلیف به نماز وادار می کنند یا درباره پوشش فرزندان بی توجه به شرایط سنی و ویژگی های فردی سخت گیری های غیر لازم دارند که با آموزه های دینی همسویی ندارد. همچنین بعضی والدین نتوانسته اند «دین» را به شکل صحیح و کارآمد به نسل جوان تفهیم کنند؛ به گونه ای که جوان حس می کند نیاز به معنویت تنها در هنگام سختی ها و گرفتاری ها مفید است و در دیگر مواقع نیازی به دین نیست؛ از این رو برای دین نقشی در زندگی روزمره خود قایل

نیستند.

با تأسف امروزه عملکرد برخی والدین از یک سو و معرفی اسلام به عنوان دین خشونت از سوی دیگر، سبب شده است برخی جوانان از دین گریزان شوند، این در حالی است که اسلام دین سهل و آسان است؛ چنان که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ؛ خداوند مرا به آیینی پاک، آسان و با گذشت برانگیخته است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ص ۴۹). امام علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز فرموده است: «سَلَامَةُ الدِّينِ وَالْدُّنْيَا فِي مُدَارَاةِ النَّاسِ؛ سلامتی دین و دنیا در مدارای با مردم است» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ص ۲۸۵). ساختار قوانین و احکام الهی، بیانگر آن است که روح احکام اسلامی با آسان‌گیری همراه بوده و بسیاری از واجبات دینی به توانایی جسمی و مالی مانند استطاعت برای حج مشروط است. قرآن «آسان‌گیری» را یکی از اصول شریعت معرفی کرده است: «لَا يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره: ۱۸۵). همچنین مهربانی و آسان‌گیری بر مردم را عامل جذب آنان به دین و سخت‌گیری و فشار را عامل گریز از آن معرفی می‌کند: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل‌عمران: ۱۵۹) و پیامبران را به نرم‌گویی با سردمداران کفر و فساد و نهی از زشت‌گویی فرمان داده است: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ» (طه: ۴۴).

ویل دورانت در این باره می‌نویسد: «اسلام طی پنج قرن از سال ۸۱ تا ۵۹۷ هجری، از لحاظ نیرو و نظم و بسط - قلمرو و اخلاق نیک و تکامل سطح زندگی و قوانین منصفانه انسانی و تساهل دینی [احترام به عقاید و افکار دیگران] و ادبیات و تحقیق علمی و علوم و طب و فلسفه پیشاهنگ جهان بود» (سلیمی، ۱۳۹۴: ص ۷۹-۱۱۲). البته تسامح به معنای غربی (Toleran) در اسلام پذیرفتنی نیست؛ زیرا رفق و مدارا با غیرمسلمان حد و مرزی دارد و نباید تسامح با آنان از حد بگذرد و یا زمینه ناتوانی اسلام و مسلمانان را فراهم کند که در این صورت مدارا با کافران حرام است. در حقیقت مدارا با غیرمسلمانان به این شرط خوشایند است که اساس اسلام و مصالح بشریت را به خطر نیندازد (مطهری، ۱۳۶۳: ص ۱۶۸). همچنین تسامح به معنای سهل‌انگاری در اجرای حدود جایز نیست؛ چنانچه برخی که از اجرای عدالت امام علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ رنج می‌بردند، به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شکایت کردند و از رفتار امام عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ابراز ناراحتی کردند. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پاسخ، این پیام را به شاکیان رساند که «إِزْفَعُوا أَلْسِنَتَكُمْ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ خَشِينٌ فِي ذَاتِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ غَيْرٌ مُدَاهِنٍ فِي دِينِهِ؛ زبان خود را از بدگویی علی بازدارید که او در اجرای



دستور خداوند، بی پروا و سخت گیر است و اهل مداهنه و سازش در دین خدا نیست» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۱: ص ۳۸۵). امام علی علیه السلام ابوالاسود دثلی - قاضی بزرگ - را به صرف اینکه در تن صدا میان دو طرف دعوا به عدالت رفتار نکرده و با یکی از آنها بلند حرف زده بود، از قضاوت عزل کرد (نوری، ج ۳، ص ۱۹۷).

۹-۳-۱. خردورزی در بیان گزاره‌های دینی

جوان به سبب روحیه کاوشگر و تحلیلگرش، بیشتر مطالبی را می‌پذیرد که مبتنی بر عقل و توأم با استدلال باشد؛ بنابراین باید معارف دینی را به صورت تحلیلی، استدلالی و تطبیقی برای او بیان کرد تا ضمن قبول گزاره‌های دینی، با آگاهی و با انگیزه قوی‌تر به تعالیم دین روی آورد. شاید از همین روست که قرآن انسان را به ایمان که بالاتر از مرحله اسلام است فرامی‌خواند (حجرات: ۱۴)؛ بنابراین والدین باید با مطالعات گسترده، به بیان آموزه‌های دینی بپردازند. اگر امروزه برخی سخنرانی‌ها، آثار علمی و معارفی جذابی ندارد، از این روست که مطالب توأم با استدلال ارائه نمی‌شود. قرآن هر گاه از واقعیت و پذیرش حق و دین سخن گفته، آدمی را به عقل‌گرایی سفارش کرده است؛ از همین رو در آیات و روایات بر عقلانی بودن آموزه‌های دینی تأکید و از گرایش به هرگونه خرافه‌گرایی نهی کرده‌اند. کتاب *علل الشرایع* اثر شیخ صدوق شاهد خوبی بر این ادعاست؛ زیرا در این کتاب روایت‌هایی از معصومین علیهم السلام گردآوری شده است که به چرایی و فلسفه احکام الهی اشاره دارد. البته این بدان معنا نیست که فلسفه همه احکام الهی معلوم است و چرایی همه آموزه‌های دینی بیان شده است؛ زیرا برخی احکام الهی تعبدی هستند و تنها خداوند علت آن را می‌داند.

۱۰-۳-۱. مصونیت‌سازی در برابر تهاجم فرهنگی

تقویت باورهای دینی فرزندان از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ زیرا باورهای دینی، تعهد جوانان و نوجوانان را به دین بیشتر و لغزش اینان را کمتر می‌کند. امام علی علیه السلام درباره بازدارندگی دین از کارهای ناشایست می‌فرماید: «الَّذِينَ يُعْصِمُ» دین، از لغزش باز می‌دارد» (لیثی، ۱۳۷۶: ص ۳۵).

به دلیل تأثیرگذاری اعتقادات در رفتار انسان است که امروزه دشمنان قبل از هر چیز عقاید جوانان را نشانه رفته‌اند. این مطلب امروزه در قالب فیلم، کتاب و شبکه‌های مجازی... نمود پیدا کرده است؛ چنانچه سازندگان معاند بازی‌های رایانه‌ای در بازی‌هایی با سبک آخرالزمان دینی،

اغلب مقرر حضور دشمنان نابودکننده جهان را مسجد یا محل‌هایی با نمادهای اسلامی انتخاب می‌کنند و فرد منجی (بیشتر سربازانی از ارتش آمریکا و انگلیس به عنوان پلیس صلح جهانی) پس از مبارزه با اهریمنان یا تروریست‌ها (که اغلب مسلمان هستند)، و پس از نجات‌دادن دنیا، جشن‌های پیروزی‌شان را در مکان‌هایی با طرح و شکل کلیسا می‌گیرد. چنین بازی‌هایی «این مفهوم را به ذهن کاربر منتقل می‌کنند که مسیحیان، عامل آرامش صلح و مودت و اسلام، عامل خشونت و ... است» (نک: برزگر و لعل‌علی‌زاده، مطالعات قدرت نرم: ص ۱۱۰)؛ از این‌رو استکبار از کارآمدترین حربه‌ها برای از میان‌بردن اعتقادات، ارزش‌ها و سنت‌های جوامع، یعنی جاذبه جنسی در جذب مخاطبان به‌ویژه جوان بهره می‌گیرد. فرانتس فانون (Frantz Fanon) می‌نویسد: «اولین اقدام ضد فرهنگی که فرانسه برای نابودی فرهنگ الجزایر انجام داد، از میان‌بردن عفاف و حجاب بود و در این کار موفق شد و هرچه بدن زن الجزایری را بیشتر عریان کرد، چنگال استعمارگر بیشتر به حلقوم الجزایری فرو رفت» (حسینیان، ۱۳۷۶: ص ۴۸).

برای حفاظت از جوانان در برابر شیخون‌های فرهنگی دشمن، باید والدین و مربیان تربیتی، جوان را با ماهیت واقعی فرهنگ غرب و فرهنگ اسلام بیشتر آگاه کنند تا جوان بداند آنچه امروزه به نام فرهنگ غرب ارائه می‌شود با آنچه به حقیقت در آن جاری است، فرسنگ‌ها فاصله دارد؛ زیرا گزارش‌های منتشرشده از مراکز غربی در سال‌های اخیر، نشان می‌دهد در پشت ظاهر فریبنده تبلیغاتی «برابری جنسیتی»، واقعیت تلخ دیگری در جریان است؛ به‌طوری‌که در مجاورت بسیاری از مدرسه‌های آمریکایی، مهد کودک وجود دارد و دختران کم سن و سال فرزندان نامشروع خود را به این مهدها می‌سپارند و به کلاس درس می‌روند! نتایج به دست‌آمده از نظرسنجی‌ها در آمریکا نیز نشان می‌دهد بیش از ۶۰ درصد زنان در این کشور، مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته‌اند. امروزه بسیاری از زنان غربی به حجاب و امنیت و آرامش زنان مسلمان ایرانی غبطه می‌خورند (روح‌افزا، ۱۳۹۶). وندی شلیت، یک زن آمریکایی، می‌نویسد: «بسیاری از مردم گمان می‌کنند زنانی که روش زندگی همراه با عفاف پیشه کرده‌اند، افرادی هستند که با آنان بدرفتاری شده است یا اینکه آنان به‌نحوی از یک بحران روحی رنج می‌برند؛ درحالی‌که به هیچ‌وجه این‌گونه نیست و بیشتر این افراد بانشاط، سرزنده و فعال هستند. ما یک اعتقاد مهم را فراموش کرده‌ایم و آن، احترام به یک فضیلت خاص است. اندوهی که زنان جوان را در بر گرفته، نماد جامعه‌ای است که احترام به پاک‌دامنی زنانه را از دست داده است» (شلیت،



۱۳۹۷: ص ۹۷). اکنون برخی زنان غربی برخلاف سیاست‌های غرب، متوجه ارزش وجودی حجاب شده‌اند. روزنامهٔ سان سنتیال می‌نویسد: «تعداد دختران بین ۱۸ تا ۳۰ سال که در ایالت فلوریدا با حجاب و روسری مشاهده می‌شوند، نسبت به یک دههٔ گذشته، افزایش چشمگیری داشته است. علت اصلی این امر، بی‌بندوباری‌ای است که در چند سال گذشته رایج شده است و اکنون در عکس‌العمل به آن، گرایش به پوشیدگی بیشتر در میان دختران جوان و نوجوان اوج می‌گیرد» (دوماهنامه حوراء، ۱۳۸۶). این اثر در کتابنامه نیست. اطلاعات دقیق در کتابنامه بیاید. در متن به نام نویسنده و سال چاپ و صفحه بسنده شود

اسلام حجاب را عامل امنیت و سبب حفظ حرمت و شخصیت زن می‌داند. امروزه صدها زن هیئت علمی، نظریه‌پرداز، استاد دانشگاه و... در چوامع اسلامی و... فعال هستند. دکتر هنری ماکوو (Henry Makowo)، نویسنده و پژوهشگر مسائل زنان و فعال در جنبش‌های آزادی‌بخش، در مقایسه زن غربی و زن مسلمان می‌نویسد: «روی دیوار دفترم دو عکس چسبانده‌ام: عکس اول تصویر زنی مسلمان و باحجاب است و در کنارش، تصویر زنی آمریکایی قرار دارد که در مسابقهٔ ملکهٔ زیبایی شرکت کرده و چیزی بر تن ندارد. زن نخست کاملاً پوشیده است و دیگری کاملاً عریان! من کارشناس مسائل زنان مسلمان نیستم. به همین دلیل اینجا، انگیزه‌ای برای دفاع از حجاب ندارم؛ ولی زیبایی زنان را دوست دارم و بدین‌رواز برخی ارزش‌هایی که حجاب گویای آن است، دفاع می‌کنم. تنها کسانی که زن مسلمان را بدون حجاب می‌بینند، خانوادهٔ او هستند و این مسئله، تأکیدی بر ویژه‌بودن زن مسلمان است. زن مسلمان ریشه‌ای است که زندگی و روح خانواده را استمرار می‌بخشد. فرزندان را تربیت می‌کند و زندگی می‌آموزد و یاری‌کنندهٔ همسر و پناهگاه اوست. در نقطهٔ مقابل، ملکهٔ زیبایی آمریکایی است. در برابر میلیون‌ها نفر در صفحه‌های تلویزیون عشوگری می‌کند. او ملکه‌ای عمومی است! زیبایی‌اش را در مزایدهٔ همگانی به بالاترین قیمت عرضه می‌کند...؛ در آمریکا معیار ارزش فرهنگی زن، جذابیت اوست. بر اساس این معیارها، ارزش زن به سرعت کاسته می‌شود؛ چون خود و اعصاب و روانش را برای خودنمایی به کار می‌گیرد». وی در ادامه می‌نویسد: «به‌شکل ویژه، وقتی زن، خود را وقف همسر و خانواده‌اش می‌کند و با وقار و تواضع رفتار می‌کند، باید چنین موضعی نسبت به او داشته باشم» (شفاف، ۱۳۸۸).

نتیجه‌گیری

جوانی دوره توانمندی و سازندگی، و فرصت بسیار مغتنمی برای بهره‌بردن از نعمت زندگی است. جوانان، به منزله قلب جامعه هستند که خون تازه را در شریان‌های حیاتی جامعه جاری می‌سازند و زمینه رشد و بالندگی جامعه را فراهم می‌کنند. از آنجاکه جوانان نقش مؤثر و سازنده‌ای در آینده کشور دارند، باید در تربیت آنان کوشید و با دقت و درایت و برنامه‌ریزی، از فساد و تباهی آنان جلوگیری کرد. با عنایت به اینکه در جامعه امروز آسیب‌های متعددی جوانان را تهدید می‌کند، جذب جوانان به دین و تقویت دین‌داری در آنان، موجب می‌شود دین به زندگی آنان معنا بخشد و از سرگردانی، انحرافات و بیهودگی نجات دهد.

کتابنامه

۱. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۲. ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، تصحیح: جمال‌الدین میردامادی، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع - دار صار.
۳. احسانی، محمد (۱۳۸۷)، نقش مادران در تربیت دینی فرزندان، قم: دفتر عقل.
۴. احمدی، سید احمد (۱۳۸۵)، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۵. اسدی گرمارودی، اسدالله (۱۳۸۲)، راز و رمز نیایش، چ ۳، تهران: نشر سبحان.
۶. انصاری، علیرضا (۱۳۸۸)، «راهکارهای جذب جوانان به دین»، معارف اسلامی، ش ۷۷.
۷. برزگر، ابراهیم و محسن لعل‌علی‌زاده (۱۳۹۰)، «جنگ نرم، بازی‌های رایانه‌ای اسلام‌ستیز و پدافند غیرعامل»، مطالعات قدرت نرم، ش ۱.
۸. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح: سیدمهدی رجایی، قم: دار الکتب الاسلامی.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، قرآن در قرآن، چ ۲، قم: اسراء.
۱۰. حسینیان، روح‌الله (۱۳۷۶)، حریم عفاف، چ ۴، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۱. حقی برسوی، اسماعیل (بی‌تا)، تفسیر روح البیان، چ ۱، لبنان - بیروت: دار الفکر.



۱۲. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۳. روح‌افزا، فرشته (۱۳۹۶/۹/۲۳)، «نگرش زنان غربی درباره زنان شرقی»، در: خبرگزاری اهل بیت، <http://fa.abna24.com>.
۱۴. سالاری‌فر، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۰)، بهداشت روانی با رویکرد دینی، چ ۳، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۵. سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۹۴)، «اسلام خاستگاه واقعی حقوق بین‌الملل»، حقوق اسلامی، ش ۴۷.
۱۶. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۰)، جوان و نیروی چهارم زندگی، چ ۲، تهران: انتشارات صدا و سیما جمهوری ایران.
۱۷. شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، تصحیح: صبحی صالح، قم: هجرت.
۱۸. شفاف (اتاق شیشه‌ای خبر) (۱۳۸۸/۰۷/۰۲)، «توصیف زنان غربی و زن مسلمان از نگاه استاد آمریکایی»، کد خبر ۸۷۶۳.
۱۹. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تصحیح: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.
۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۲، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۱. فرید تنکابنی، مرتضی فرید (۱۳۷۹)، راهنمای انسانیت: کلمات قصار حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: سیری دیگر در نهج الفصاحه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۲. فلسفی، محمدتقی (۱۳۴۴)، جوان از نظر عقل و احساسات، چ ۱۵، تهران: هیئت نشر معارف اسلامی.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۴. گوستاویونگ، کارل (۱۳۹۳)، خود ناشناخته (فرد در جامعه امروزی)، ترجمه: مهدی قائنی، چ ۲، تهران: جامی.
۲۵. لیشی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ، تصحیح: حسین حسینی بیرجندی، قم: دار الحدیث.



۲۶. (۱۳۸۴)، «گفت‌وگو با خانواده علامه جعفری»، ماهنامه جامعه، ش ۱۴.
۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، تصحیح: جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۸. علی شکوهی (۱۳۹۳)، عوامل و ریشه‌های دین‌گریزی از منظر قرآن و حدیث، چ ۵، قم: بوستان کتاب.
۲۹. جان کلورمونسما (۱۳۶۲)، اثبات وجود خدا، ترجمه: احمدآرام، چ ۵، تهران: سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.

راه‌های تقویت دین‌باوری در جوانان

ابوالفضل ساجدی *

زهرا رضائیان **

چکیده

توجه به ارزش‌های دینی در جامعه و تقویت باورهای دینی جوانان، از نیازهایی است که باید همواره مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا دین با شناساندن مبدأ، مقصد و هدف زندگی، الگوی رفتاری خاصی را برای پیمودن مسیر زندگی به انسان می‌دهد و به زندگی معنا می‌بخشد. فطرت پاک و روح لطیف، جوان را برای هر نوع آموختن و پذیرش بهتر سخن حق آماده می‌سازد؛ زیرا دین بهترین پناهگاهی است که با ارائه جهان‌بینی صحیح، می‌تواند جوانان را در غلبه بر نومیدی، سرخوردگی و خروج از حیرت و سرگشتگی یاری کند؛ از این رو تقویت باورهای دینی جوانان ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا این باورها نقش مهمی در مصونیت آنان در مقابل این هجمه‌ها و تأمین یک زندگی سالم دارند. معرفی و ارائه الگوهای شایسته به جوان، انذار و تبشیر، معرفی و تبیین صحیح دین و کارکردهای آن، شناسایی ظرفیت‌های جوان و بهره‌مندی از استعدادها، محبت به جوان و نرمی در رفتار با او، تقویت بینش دینی، معرفی چهره واقعی فرهنگ غربی، امر به معروف و نهی از منکر و بهره‌مندی از هنر برای ارائه آموزه‌های دینی، برخی از راهکارهایی است که سبب تقویت دین‌داری در جوانان می‌شود. این مقاله به روش کتابخانه‌ای و با هدف ارائه راه‌ها و روش‌های تقویت و بارورکردن پایه‌های مذهبی جوانان تألیف شده است.

کلیدواژه‌ها

جوانان، باورهای دینی، بهداشت روان، دین.

* دکترای فلسفه دین، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام. ab.sajedi.1395@gmail.com

** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث. tahoraa.r@gmail.com



مهم‌ترین گرفتاری انسان امروزی، بی‌هدفی و بی‌معنایی در زندگی است. این احساس که ناشی از فراموشی خداوند به عنوان مبدأ و مقصد زندگی است، سبب شده انسان امروزی هنگامی که به پایان زندگی می‌اندیشد، آینده را تاریک و مبهم ببیند و از آن هراسان شود. این در حالی است که دین با فراهم‌ساختن یک نظام فکری و عقیدتی منسجم در چهارچوب مبدأ و معاد، واقعیت‌های زندگی را برای آدمی قابل فهم می‌کند تا آنجا که فرد احساس هدفمندی و معناداری در این جهان می‌کند. پژوهش‌های گوناگون درباره تأثیر ارزش‌ها و عقاید مذهبی در سلامت روانی افراد، بیانگر آن است که عقاید مذهبی موثرترین عامل سلامت انسان بوده و نقشی بسیار مهم در ارتقای بهداشت روانی دارد. دوران جوانی با توجه به بیداری مذهبی در جوان، فرصت بسیار مناسبی برای بارورساختن اندیشه‌های صحیح و رشد متعالی اندیشه‌های جوان و تأمین سلامت و بهداشت روانی وی است؛ فرصتی که در صورت کاهلی به‌راحتی از دست رفته و پیامدهای منفی آن، دامن هر فرد و جامعه‌ای را خواهد گرفت. روان‌شناسان دینی بر نقش دین در تسکین آلام و کاهش نومییدی بشر در زندگی اجتماعی، افزایش تحمل‌پذیری، تمکین توأم با آرامش و سرسپردگی و دستیابی به نوعی تشریف‌روانی و ایجاد شخصیت همساز تأکید کرده‌اند. از نظر ماکس وبر (Max Weber) افراد جامعه همیشه نیاز روانی دارند که جهان را هدف‌دار و معنادار ببینند. محققانی همچون پیچ (Page) و کوپر اسمیت (Kupersmidt) نیز درباره ارتباط سلامت روان و احساس تنهایی بر این باورند که سطح سلامت روان، رفاه و بهزیستی بالای افراد، از میزان احساس تنهایی آنها می‌کاهد. برخی محققان ثابت کرده‌اند که احساس تنهایی با بسیاری از مشکلات روانی مانند عزت نفس پایین، کفایت اجتماعی پایین، تعاملات اجتماعی ضعیف و مشکلات سلامت ذهنی مانند اضطراب، افسردگی و رفتارهای معطوف به خودکشی، همبستگی دارد. این در حالی است که افرادی که از احساسات دینی قوی‌تری برخوردارند، کمتر دچار اضطراب، تنهایی و افسردگی می‌شوند (ر.ک: حسینی‌زاده آرانی و کلانتری، ۱۳۹۴: ص ۴۴-۲۵).

در حقیقت دین به عنوان بهترین نقطه اتکا، با ارائه جهان‌بینی صحیح می‌تواند همگان و به‌ویژه جوانان را در فائق‌آمدن بر نومییدی، سرخوردگی و خروج از حیرت و سرگشتگی یاری رساند. در این زمینه مقالات و کتاب‌های بسیاری نگارش شده‌است که از جمله می‌توان به کتاب راه‌های



تقویت باورهای دینی، تألیف حمید نگارش و مقاله‌های «راه‌های تقویت باورهای دینی» اثر مسعود رستنده؛ «مسجد، تقویت باورهای دینی، سلامت اجتماعی» نوشته سید عبدالقادر حسینی؛ «تقویت باورهای دینی در معارف و اخلاق اسلامی» نگاشته محمد سالاری و «نقش والدین در تقویت باورهای دینی فرزندان» نوشته فاطمه سادات حسینی و پژمان شیرمردی اشاره کرد.

مفهوم‌شناسی

دین

لغت‌شناسان برای دین، معانی مختلفی همچون طاعت، جزاء، عادت، قهر، استیلا، تدبیر، سیره و ... بیان کرده‌اند (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ص ۳۱۹؛ ابن منظور، بی تا، ج ۳: ص ۱۶۷؛ طوسی، بی تا، ج ۱: ص ۳۶؛ دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۷: ذیل واژه دین). در آیات قرآن نیز دین به معنای جزاء، شریعت، کیش و آیین، راز و نیاز و دین اسلام به کار رفته است (ر.ک: فاتحه: ۴؛ حجر: ۳۵؛ آل عمران: ۸۳؛ شوری: ۲۱؛ عنکبوت: ۶۵؛ توبه: ۳۳). البته واژه دین به طور انتزاعی شاید بیش از یک معنای اساسی نداشته باشد که همان تسلیم، خضوع و فرمان‌برداری کامل و خالص در برابر احکام تکوینی و تشریحی خداوند است؛ اما در هر جمله و در هر موقعیت تازه‌ای، می‌تواند معنای نسبی ویژه همان جمله را دارا باشد. علت گوناگونی و فراوانی معانی دین نیز جملات بسیاری است که در موقعیت‌های گوناگون تاریخی و جغرافیایی پدید آمده و معنای واژه دین را در خود داشته است (طهماسبی، ۱۳۷۸: ص ۶۳).

در میان اندیشمندان اختلاف نظرهای فراوانی در تعریف دین وجود دارد؛ اما مقصود از دین در این مقاله «شیوه رفتار صحیح انسانی، آن‌گونه که خداوند می‌خواهد» (مصباح، ۱۳۷۸، ج ۱: ص ۳۸) می‌باشد. از منظر قرآنی کسی دیندار است که رفتار او موجب رضایت خدای سبحان باشد (ر.ک: بینه: ۸؛ توبه: ۱۰۰؛ نساء: ۱۱۴؛ آل عمران: ۱۶ و ۱۷).

جوان

واژه «جوان» در زبان فارسی به معنای هر چیزی است که عمر چندانی از آن نگذشته باشد؛ اعم از انسان، حیوان یا درختی که به میانه عمر طبیعی خود رسیده باشد (معین، ۱۳۷۵، ج ۱: ص ۱۲۴۹؛ عمید، ۱۳۷۹: ص ۴۷۴). در فرهنگ عربی نیز دو تعبیر رایج درباره جوان وجود دارد. «فتی» از ریشه



«فَتَى» و «فَتَو» به معنای طراوت و شادابی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۴۷۳) و «شَاب» از ریشه «شَبَبَ» به معنای شکوفایی و برخورداری از حرارت (ابن فارس، ۱۴۰۴: ص ۶۲۵) است.

دین‌باوری و دین‌گریزی در جوانان

دین‌باوری و دین‌پذیری، یکی از روحیات ارزشمند بشری است که نتیجه حق‌طلبی و فضیلت‌خواهی فطری انسان است. این روحیه به اعتراف بسیاری از روان‌شناسان، در آغاز دوران جوانی به شدت فعال شده و رشد می‌کند. تمایل فطری جوانان به مذهب بسیار شدید است و از نظر روان‌شناسان بین بحران تکلیف و جهش‌های مذهبی افراد ارتباط انکارناپذیری وجود دارد (ر.ک: شاه‌جعفری و تقی‌زاده، ۱۳۹۵: ص ۳۵۸-۳۴۵). این در حالی است که روحیه دین‌پذیری و دین‌باوری در میان جوانان مانند دیگر روحیات جوانی بر اثر گذر ایام ضعیف می‌شود؛ در ذات دین هیچ‌گونه عنصر خردگریزی وجود ندارد اگر جوانان به دریافت معارف دینی نائل آیند، در هیچ رتبه‌ای از دین نمی‌گریزند.

جوانان باید بیاموزند که حقیقت دین، شیوه رفتار صحیح انسانی است، آن‌گونه که خدا می‌خواهد (مصباح، ۱۳۷۷: ص ۳۸) و از نگاه قرآن، دیندار واقعی کسی است که اعمال و رفتارش موجب رضایت خدای سبحان شود. چنین نگرشی از دین، می‌تواند مانع دین‌گریزی آنان شود؛ زیرا دین‌گریزی چیزی جز کم‌رنگ شدن ایمان و کم‌نور شدن چراغ دین و نافرمانی از اوامر الهی که از سوی انبیا و ائمه علیهم‌السلام نازل شده نیست (اصفهانی، ۱۳۸۲: ص ۴۰).

دین‌افزون بر ایجاد هماهنگی و تعادل در غرایز و نهاد آدمی، سبب بازگشت به خویش می‌شود؛ یعنی انسان را از بی‌خودی درآورده و با مبدأ خود آشنا می‌سازد و مانع حیرانی و سرگردانی او می‌شود (کافمن، ۱۹۸۱). رویگردانی از دین و دین‌گریزی زمانی رخ می‌دهد که از دین و کارکردهای دینی معنای صحیحی ارائه نگردد و پرسش‌های ذهنی و شبهه‌ها برای آنان پاسخ درخوری نیابد.

راهکارهای تعمیق دین‌پذیری و دین‌باوری

هیچ‌کس نمی‌تواند به طور کامل با دین قطع رابطه کند؛ زیرا دین امری فطری است و از انسان جداشدنی نیست؛ چنانکه قرآن کریم نیز به این حقیقت اشاره دارد: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا

يَعْلَمُونَ؛ پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند» (روم: ۳۰). اگرچه ممکن است که دینداری برخی افراد برای مدتی کم‌رنگ و ضعیف شود یا فردی دین خود را تغییر دهد و دین دیگری انتخاب کند، هیچ کس نمی‌تواند برای همیشه بی‌دین باشد. از دیگر سو جوانی، دوره مهم و پرحادثه‌ای است؛ به‌گونه‌ای که بر دیدگاه و اندیشه جوان تأثیرات ناگهانی می‌گذارد که تا مدت‌ها ادامه خواهد داشت. میزان تغییر در نگرش و رفتار جوان در این دوره بسیار زیاد است. زندگی عاطفی‌اش (انفعالی) توسعه می‌یابد و سرعت دگرگونی‌هایش با رشد جنسی همراه است. همچنان‌که الگوهای رفتاری‌اش تغییر می‌یابد، ارزش‌هایش نیز دگرگون می‌شود.

جوانان نه تنها دین‌ستیز نیستند؛ بلکه دین‌باور و معنویت‌گرا بوده و از کارکردهای ناروایی که به نام دین تمام می‌شود، به شدت رنج می‌برند. بی‌تردید عوامل متعددی مانند ناهنجاری‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و روانی زمینه‌گریز جوانان را از دین فراهم می‌کند. برای تقویت باورهای دینی جوانان، باید عوامل شکاف‌ساز میان دین و جوانان را شناخت و با زدودن این موانع، پیوند میان جوانان و دین را عمیق‌تر ساخت (ر.ک: امینی و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۸۶-۶۵).

۱. معرفی و ارائه الگوهای شایسته

الگو در لغت به معنای سرمشق، مقتدا، مثال و نمونه است (دهخدا، ۱۳۳۷، ج ۲: ص ۲۷۷۹). در قرآن کریم واژه «أسوه» به کار رفته و به معنای حالتی است که انسان هنگام پیروی از غیر پیدا می‌کند (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ذیل ماده «أسأ»؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱: ص ۹۰). همچنین به معنای اقتدا و پیروی آمده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶: ص ۲۸۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱: ص ۹۰). قرآن بر معرفی الگو به اهل ایمان توجهی تام دارد (احزاب: ۲۱؛ ممتحنه: ۴) و در آیات متعددی پیامبر خود را، به یادآوری الگوها فرامی‌خواند؛ الگوهایی که پیش از زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌زیستند (مریم: ۴۱، ۵۱، ۵۶). قرآن، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نیز الگوی همیشگی معرفی می‌کند که به صدر اسلام اختصاص ندارد و در روش الگودهی نیز مردم را به انتخاب آگاهانه دعوت می‌کند و از پیروی کورکورانه برحذر می‌دارد (زخرف: ۲۳-۲۴). روان‌شناسان نیز الگوگیری را فرایندی دانسته‌اند که شخصی طی آن رفتارهایی را از طریق مشاهده یاد می‌گیرد و آنها را بازتولید می‌کند (پرین، ۱۳۸۱، ج ۲: ص ۲۱۴).



در هر مقطع سنی، الگوهای جذاب برای یادگیری و شکل‌دهی رفتار انسان‌ها و به‌ویژه جوانان، نقش اساسی و مهمی دارد؛ زیرا الگو از یک‌سو در دستیابی به هدف نقش مهمی دارد و از دیگر سو، در دوره جوانی تأثیرپذیری از خانواده بسیار کم‌رنگ‌تر می‌شود. جوان به دلیل برخورداری از فطرت پاک و گرایش به آرمان‌های انسانی، آمادگی بسیاری برای پیروی و بهره‌گیری درست از الگوها دارد. ارائه و معرفی نمونه عینی انسان دین‌باور به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به جوان، می‌تواند پیوند عمیق‌تری میان او و باورهای دینی ایجاد کند؛ زیرا وی بدین وسیله می‌تواند تحقق دین‌داری و ثمرات آن را مشاهده و از آن پیروی کند. این همان روشی است که دشمن در راه جدایی جوان از دین، از آن بهره می‌جوید. دشمنان با ارائه الگوهای ضدّ دینی به جوان در قالب افراد برتر، برجسته و موفق در فیلم‌ها و سریال‌ها، ضمن الگوسازی در جهت ایجاد شکاف میان جوان و دین، چهره‌ای منفی از الگوهای دینی ارائه می‌دهند.

بنا بر پژوهشی از دانش‌آموزان سال سوم متوسطه شهر تهران، سریال امام علی علیه السلام، بالاترین تأثیر را در جذب دانش‌آموزان به زندگی و شخصیت آن حضرت داشته است (کلبعلی، ۱۳۸۴: ص ۷۵۹). با نمایش فیلم محمد رسول الله صلی الله علیه و آله در اتریش، ۹۰۰۰ نفر نام فرزند خود را حمزه گذاشتند و ۴۰۰۰ نفر نیز در آن سال مسلمان شدند. نمایش فیلم زندگی‌نامه یکی از اولیای مذهبی مسیحیان نیز سبب شد ۱/۵ میلیون نفر در آفریقا مسیحی شوند (ساجدی، ۱۳۹۵: ص ۲۹۳-۲۹۷).^۱

۲. انذار و تبشیر

انذار به معنای خبردادنی است که به دنبال آن ترس باشد؛ چنانکه تبشیر نیز نوعی آگاهی‌بخشی است که فرد را خوشحال کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ذیل واژه «الانذار»؛ طریحی، ۱۴۰۸: ذیل ماده «نذر»). دین‌باوری، پایبندی به تکالیف و محدودیت‌هایی را در پی دارد؛ ازاین‌رو باید با روش‌هایی از جمله انذار و تبشیر، تحمل این تلخی را بر جوان آسان کرد. جوان از سویی مشتاق تبشیر و از سوی دیگر مرعوب انذار است؛ بنابراین باید در ارائه آموزه‌های حاوی ترس و امید، هماهنگ با موقعیت جوان عمل کرد و از مسیر اعتدال خارج نشد. پژوهش‌های تجربی و میدانی نیز از نقش چشمگیر پیام‌های ترسناک در بازدارندگی رفتاری خبر می‌دهد.

۱. به نقل از مجله Inquiry. گفتنی است در روش الگویی، باید از آسیب‌هایی مانند تاریخی‌جلوه‌دادن اسوه‌های دینی و تلقی فرائسانی از آنها اجتناب شود.



قرآن کریم توجه به هر دو عنصر بشارت و انذار را در تربیت لازم می‌شمرد (احزاب: ۴۵) و خود نیز برای هدایت انسان‌ها، از هر دو شیوه بهره برده است (بقره: ۲۶۱؛ یس: ۷۰؛ طه: ۱۱۳). انذار در قرآن جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا انسان‌ها بر دفع مفسده و ضرر، بیش از جلب منفعت ترتیب اثر می‌دهند؛ از این رو تقدم انذار بر تبشیر در برخی آیات الهی، نکته روان‌شناختی دارد. چنانکه روان‌شناسان معتقدند افزون بر رفتار، انگیزه‌های درونی که بر اساس اصل بازگشت به تعادل بر رفتار آدمی تأثیر می‌گذارد، محرک‌های بیرونی نیز در حد گسترده‌ای رفتار آدمی را تغییر می‌دهد (شاملی، ۱۳۷۹: ص ۱۸). شهید مطهری انذار را عاملی سوق‌دهنده می‌داند که در عین اینکه مردم را بیم می‌دهد تا از کفر اجتناب کنند، آنها را به صراط مستقیم رهنمون می‌سازد. همچنین تبشیر، عاملی است که جلب‌کننده دل‌هاست و مردم را به کسب پاداش فرا می‌خواند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۶: ص ۱۵۵). زیرا ساختار روان‌شناختی بشر بر این اصل استوار است که به سود و زیان خود می‌اندیشد. البته نباید انذار را به اشتباه با واکنش‌های اهانت‌آمیز یا سرزنش‌های افراطی یکسان پنداشت. این دو نوع برخورد یا واکنش، همیشه دارای نتایج معکوس است. در یکی از واکنش‌های امام علی علیه السلام نسبت به یک مرد یهودی که آن حضرت را به سبب این ادعای شگفت‌آور که «پیش از آنکه مرا از دست بدهید، از من پیرسید» مورد عتاب قرار داده بود، با سعه صدر فراوان دلیل این ادعا را برای وی شرح داد. مرد یهودی متقاعد نشد و بیشتر گستاخی کرد. برخی از مسلمانان برخاستند تا او را به دلیل اهانتش به امام علیه السلام از مسجد بیرون بیندازند، ولی امام علیه السلام فرمود: «حجت‌های خدا از طریق پرخاش و واکنش‌های خشونت‌بار پابرجا نخواهد شد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰، ص ۱۲۶).

فخر رازی در تفسیر آیه ۲۱۳ سوره بقره می‌نویسد: «در این آیه واژه «مبشرین» پیش از «منذرین» آمده است؛ زیرا تبشیر بسان پیشگیری از بیماری است، در حالی که انذار همانند درمان بیماری پس از وقوع آن است. بی‌تردید همیشه، تبشیر و پیشگیری قبل از درمان ایفای نقش می‌کند. انذار نوعی تلنگر شناختی است؛ در حالی که تبشیر نوید و وعده‌ای ترغیب‌کننده است» (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۶، ص ۳۷۲ و ۳۷۳).

نکته مهم دیگر در انذار و تبشیر، رعایت تناسب هر یک به مقتضای وضعیت جوان است. اگر او به دلیل امیدهای نابه‌جا، خطرهای راه دین‌ستیزی را فراموش کرده و مسیر خطا را می‌پیماید، باید در مورد پیامدهای انحراف خویش انذار شود؛ ولی اگر به یأس در غلتیده و امکان خلاصی از



گناهان و عذاب را دور می‌بیند، به عامل تشویقی و دلگرم‌کننده نیاز دارد (پراتکانیس، ۱۳۸۰: ص ۱۸۷-۱۸۹).

۳. معرفی و تبیین صحیح دین و کارکردهای آن

اگرچه اصل دین و اصول آن ثابت و تغییرناپذیر است، از دین می‌توان برداشت‌های گوناگون داشت. نوع برداشت و تلقی از دین، نقش اساسی در ترویج دین یا ایجاد تنفر از آن دارد؛ ازاین‌رو برای تقویت باورهای دینی جوانان و دین‌پذیری بیشتر آنان، باید قرائت صحیح و رسایی از مفاهیم دینی به جوان ارائه شود؛ چنانکه ارائه دین در قالب‌های نارسا و نادرست، می‌تواند آسیب اساسی به دین و دین‌داری وارد سازد. جان کلوور مونسما (John cloer Monsma) یکی از علت‌های ایمان‌نیابردن برخی از دانشمندان به خداوند را نارسایی مفاهیم دینی برشمرده و معتقد است ارائه تصویر ناقصی از خدا به انسان، سبب شد مفهوم خدا به کلی متروک و از صحنه فکر دانشمندان خارج شود (مونسما، ۱۳۶۲: ص ۶۰).

جامعه‌شناسان و روان‌شناسان معتقدند ما اکنون در عصری زندگی می‌کنیم که مشکل اصلی انسان، تنهایی است و زندگی ما توأم با آشفتگی و سرگردانی روحی است که به گونه‌ای خطرناک به حالت دیوانگی نزدیک شده است (بولتون، ۱۳۹۷: ص ۲۵؛ مورنو، ۱۳۹۴: ص ۱۰۰). انسان درگیر با این دغدغه‌ها و مشکلات روحی و روانی، دین را عاملی برای نجات خویش می‌بیند و به سمت آن می‌رود و آرامش و سعادت و رهایی از تنهایی را از آن می‌طلبد. اگر دین نتواند این خواسته‌ها را برآورد، طبیعی است که سبب گریز انسان از دین می‌شود.

معرفی و تبیین صحیح و شایسته دین و کارکردهای آن، می‌تواند نقش برجسته‌ای در جذب جوان و تقویت باورهای دینی وی داشته باشد. هرچه این تصویر واقعی‌تر و دلپذیرتر باشد، گرایش جوان نیز به سوی آن بیشتر است؛ زیرا جوان از نظر شناختی، دارای تفکر انتزاعی است و از نظر ذهنی به حداکثر کارایی هوش می‌رسد. امروزه گرایش جوان به فلسفه زندگی، او را به سوی مسائل اخلاقی، سیاسی و مذهبی سوق داده است. جوان می‌کوشد هویت مذهبی خود را شکل دهد، ولی به دلایل گوناگون ممکن است در فرایند هویت‌یابی مذهبی با بحران مذهبی مواجه شود و نتواند این هویت را خوب تشخیص دهد و در نتیجه دچار سردرگمی و درنهایت بی‌رغبتی و گریز از دین شود. این در حالی است که اگر دین به‌درستی معرفی شود و کارکردهای آن به‌خوبی به نمایش درآید، آرامش‌بخشی و سعادت‌آفرینی دین بیش از پیش بر جوان جلوه می‌کند

و او را به سوی دین جذب می‌کند. همچنان‌که خداوند می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸).

دانشمندان و روان‌شناسان نیز امروزه ثابت کرده‌اند معرفی صحیح دین و نمایش کارکردهای درست آن به مردم، تأثیر بسزایی بر سلامت روانی، کاهش علائم بیماری و کاهش ناراحتی و آشفتگی دارد؛ بنابراین میان دین و بهداشت روانی، رابطه مثبتی وجود دارد (سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۱۷۳). ویکتور فرانکل (Viktor Frankl) معتقد است: «التیام فرد و جامعه تنها با مراعات سه جنبه انسانی یعنی جسمی، روانی و دینی حاصل می‌شود و بیمار را باید با هسته معنوی خودش آشنا ساخت» (همان: ص ۱۷۱). این مسئله تنها زمانی می‌تواند به خوبی جوابگو باشد که دین و کارکردهای آن به درستی به همگان معرفی شود.

۴. ظرفیت و استعدادشناسی

تربیت و هدایت، امری تدریجی است که بر اساس توانایی‌های انسان پایه‌گذاری می‌شود؛ زیرا استعداد‌های انسان بر مبنای توانایی‌هایش به تدریج شکوفا می‌شود. هنگام هدایت و تربیت جوان باید به تفاوت انسان‌ها از نظر استعداد و توانایی و مرتبه پذیرش دین و دین‌داری توجه خاص داشت. اگر انتظارات دینی متناسب با استعداد و توانایی جوان نباشد و اگر سلوک دینی به تدریج صورت نپذیرد، بی‌گمان که دین‌پذیری و باورهای دینی جوان نیز آسیب می‌بیند. امام علی علیه السلام فرموده است: «لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا تَفَاوَتْ أَوْ فَاذًا اِشْتَوُوا هَلَكُوا؛ خیر مردم در تفاوت آنهاست و اگر همه مساوی باشند، هلاک خواهند شد» (صدوق، ۱۳۷۶: ص ۴۴۶).

توجه‌نکردن به این نکته مهم و در نظر نگرفتن ظرفیت و استعداد‌های افراد سبب می‌شود دین نقش واقعی خود را از دست بدهد و دین‌داری آن‌گونه که باید میسر نشود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۰: ص ۱۷۵). در هدایت جوان و فراخوانی به سوی دین، باید به مراتب و ظرفیت وجودی او توجه ویژه شود تا انتظارات از او به واقع نزدیک‌تر شود. به عبارتی باید با هر مخاطبی به گونه‌ای خاص صحبت کرد و برای هر مریضی باید نسخه ویژه او را نوشت. از همین رو پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ؛ ما پیامبران مأمور شده‌ایم که با مردم به اندازه عقل آنها (و استعداد و ظرفیت‌شان) سخن بگوییم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲: ص ۶۹).

۵. محبت

دین، پیام‌آور محبت و هدایت برای انسان‌هاست و هرگز با خشونت سازگار نیست. مدارا، نرمی و



محبت، اگر در خدمت دین و سلوک دینی قرار گیرد، می‌تواند جوان را به آموزه‌های خود جذب کند. اظهار محبت و به کارگیری جملات عاطفی و پرجاذبه، برقراری روابط دوستانه با او، مساعدت‌های عملی به او در امور زندگی و رشد درسی، عیادت از او هنگام بیماری، گرفتاری و ناراحتی و ... جوان را آماده شنیدن و به یاد سپردن و نیز اجرایی کردن دستورهای دین می‌کند. از دیگر سو بخشی از نیازهای انسان در ارتباط با دیگران معنا می‌یابد؛ زیرا انسان موجودی اجتماعی است که بخشی از نیازهایش از طریق ارتباط با دیگران تأمین می‌شود. مزلو (Abraham Maslow) در طبقه‌بندی نیازهای انسان، نیاز به تعلق داشتن و عشق را از نیازهای اساسی و عالی انسان می‌داند. بی‌شاپ (Bishop) و اندر بیتزن (Inderbitzen) معتقدند ارتباط صمیمانه و دوستانه با دیگران، رابطه مثبتی با بسیاری از شاخص‌های سلامت روانی و سازگاری اجتماعی دارد (سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۹۰: ص ۱۱۲-۱۱۳).

خشونت‌هایی که به نام دین انجام می‌شود و الزام‌هایی که در جهت دین‌پذیری صورت می‌گیرد، سبب دوری جوانان از دین می‌شود و تصویری خشن و همراه با فشار و ارعاب از دین برای آنان بر جای می‌گذارد؛ درحالی‌که روح و جوهر دین چیزی جز محبت نیست. نیروی محبت از نظر اجتماعی نیز نیروی عظیم و شگرفی است. با کیمیای محبت است که می‌توان مس وجود را به زر تبدیل کرد و دوستی و ارتباط پایدار ایجاد کرد. محبت و عشق‌ورزی به جوان و توجه به این نیاز اساسی او، می‌تواند عامل قدرتمندی در جذب او به دین و تقویت باورهای دینی‌اش باشد؛ از همین رو خداوند نیز به پیامبر خویش می‌فرماید: «فَإِنَّمَا رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لَئِنَّ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتُمْ فَظًّا غَلِيظًا الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ؛ پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرم‌خو [و پر مهر] شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، به‌یقین از پیرامون تو پراکنده می‌شدند» (آل‌عمران: ۱۵۹).

۶. تقویت بینش دینی

ضعف معرفتی و عدم تفکر درباره دین و برداشت ناصحیح از معارف دینی، سبب دوری جوان از دین و سست شدن باورهای دینی‌اش می‌شود. جوان در شرایطی است که انواع غرایز و به‌ویژه غریزه جنسی و لذت‌طلبی در وجودش به اوج رسیده است. احاطه عوامل بیرونی که سبب برانگیختن شهوت او می‌شود، دشواری کار را برای او دوچندان می‌کند. اگر دین برای جوان به‌گونه‌ای معرفی شود که در تقابل با ضرورت‌های وجودی، طبیعی و فطری اوست، نه تنها دین‌پذیری و دین‌باوری‌اش دچار آسیب می‌شود؛ بلکه سبب گریز او از دین نیز خواهد شد. این

در حالی است که دین، جلوه رحمانیت خداست؛ پس نمی‌تواند در پی سرکوب نیازهای طبیعی انسان باشد. «کار دین، محو غرائز نیست؛ تعدیل و اصلاح، رهبری و حکومت و تسلط بر آنهاست؛ چون غرائز را نمی‌توان و نباید از بین برد؛ بنابراین در اجتماعاتی که با نام خدا و دین و مذهب برای نابودی غرایز قیام می‌کنند و خداپرستی را با زندگی، متضاد معرفی می‌کنند، خود این معانی و مفاهیم عالی، شکست خورده و مکتب‌های ضدخدایی و ضددینی رواج می‌گیرد» (مطهری، ۱۳۷۵: ص ۲۱۵). به‌راستی چگونه می‌شود که خداوند انسان را با نیازهای مناسب وجود و فطرتش بیافریند و غرایزی در وجودش قرار دهد، اما دین با آنها ناسازگار باشد. به‌یقین اگر ارائه دین به صورت سرکوب نیازهای طبیعی بشر باشد، ثمره‌ای جز گریز انسان از آن نخواهد داشت (شکوہی، ۱۳۸۶: ص ۱۸۷).

جوان به سبب روحیه حق‌طلبی و فضیلت‌طلبی، همیشه در پی یادگیری و جستجوی حق است. هر اندازه اجتماع و محیط دینی‌تر باشد، جوان نیز کشش و تمایل بیشتری به سوی دین و باورهای دینی دارد. وقتی شور و نشاط جوانان با فرهنگ پاک و پویای اسلام عجین شود، به بار می‌نشیند و همگان از ثمرهای آن بهره‌مند می‌گردند. دشمنان این نکته را به‌خوبی دریافته‌اند؛ از این‌رو به «باورهای اسلامی» حمله می‌کنند و می‌کوشند از هر طریق به‌ویژه تخریب دین و عالمان دینی و طرح شبهه‌های گوناگون، باورهای مذهبی را در وجود جوانان سست کنند. در چنین فضایی، عدم حمایت فکری از جوان، می‌تواند باعث روی‌گردانی وی از دین شود. چنانکه مقام معظم رهبری می‌فرماید: «دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط فساد و فحشا سعی می‌کند جوان‌های ما را از دست ما بگیرد. کاری که از لحاظ فرهنگی دشمن می‌کند، تنها یک تهاجم فرهنگی نیست؛ بلکه باید گفت یک شیبخون فرهنگی، یک غارت فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است. امروز دشمن دارد این کار را با ما می‌کند» (بیانات در دیدار با فرماندهان گردان عاشورا، ۱۳۷۱).

پرسشگری و یافتن پاسخ مناسب، به‌ویژه در مسیر دین‌باوری برای جوان امری پسندیده است و اقتضای روحیه او و پلکان ترقی این گروه است؛ اما باقی‌ماندن در شبهه‌ها، او را از حرکت در مسیر الهی باز می‌دارد. چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بَادِرُوا أَحْدَاثَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَشْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجِئَةُ؛ نوجوانان و جوانان را دریابید و به آنان حدیث و دین بیاموزید، پیش از آنکه مرجئه (گروهی منحرف) بر شما پیش‌دستی کنند و جوانان را برابیند» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ص ۳۳۱).



۷. معرفی چهره واقعی فرهنگ غربی

معرفی نظام حقوقی و سیاسی حقیقی اسلام به جوان و آشنایی با ارزش‌های پنهان و آشکار در جنبه‌های گوناگون و شفافیت‌سازی درباره شبهه‌ها و شایعاتی که وجود دارد، نه تنها چهره حقیقی دین را نمایان می‌سازد؛ بلکه پرده از حقیقت وجودی فرهنگ غربی نیز برمی‌دارد و به جوان می‌فهماند که جامعه غربی، یک جامعه ارزشمند به معنای واقعی نیست؛ بلکه سراب پوچی است که جوان را با نیرنگ و ظاهرسازی‌های زیبا به سوی خود جذب کرده و در گرداب هلاکت گرفتار می‌کند.

شور و نشاط جوانان وقتی با فرهنگ اسلام عجین شود، به بار خواهد نشست تا همگان از ثمرهای آن بهره‌مند شوند. دشمنان این نکته را به خوبی دریافته‌اند که به باورهای دینی جوانان حمله می‌کنند و می‌کوشند از هر طریق باورهای مذهبی را در وجود جوانان کمرنگ کنند (باقری، ۱۳۹۶: ص ۲۳).

پی‌ریزی بینشی درست در زمینه فرهنگ اصیل اسلامی و معرفی چهره حقیقی فرهنگ غربی که نگاهی انسان‌محور و سکولار دارد و هدف انسان از زندگی را تنها کسب لذت می‌داند، می‌تواند چونان سنگری نفوذناپذیر جوان را در برابر بمباران فرهنگی دشمن محافظت کند و او را از کژروی‌ها و ناهنجاری‌ها باز دارد. شناسایی دشمن و اهداف وی، الفبای مبارزه است. برای رویارویی با یورش فرهنگی، باید با فرهنگ دشمن و ویژگی‌های آن آشنا شد.

فرهنگ غرب می‌کوشد با ترویج اندیشه رفاه‌مادی، بهره‌جویی و لذت‌بردن بی‌حد و لجام‌گسیخته در زندگی و در حقیقت زندگی در چهارچوب حیات مادی و حیوانی به دور از معنویت‌ها و اخلاق و انسانیت، ضمن ترسیم چهره‌ای خوشایند و رؤیایی از خود، جوانان اسلامی را به خود جذب کند. تمام تلاش‌های آنان درباره موجود مادی بودن انسان و بسیج کردن همه امکانات در مسیر لذت بیشتر سیر می‌کند؛ از این‌رو انسان با معنویت و باتقوایی را که از سرمایه‌های مادی بی‌بهره است، انسانی مرتجع و غیرمتمدن می‌داند؛ ولی انسان بی‌بندوبار، رفاه‌طلب، سودجو، ثروت‌اندوز، چپاولگر و بی‌دین را انسانی متمدن، متشخص و هماهنگ با زندگی مدرن امروزی معرفی می‌کنند.

اگر جوان به‌خوبی فرهنگ غرب را بشناسد، درمی‌یابد که غربی‌ها، تافته جدا بافته نیستند و در اصل با ما تفاوت ندارند؛ برای مثال این‌گونه نیست که آنها اهل صداقت باشند و ما نباشیم یا در

آنها صافی باشد و در ما آلودگی؛ بلکه وجود چنین مسائلی در آنها مربوط به عوامل نظارتی است که به چنین فرهنگی در آنها منجر شده است. برای مثال در فروشگاه‌ها به ظاهر کسی ناظر اعمال مراجعه‌کنندگان نیست، ولی دوربین‌های مخفی و عوامل غیر محسوس وجود دارند که اگر کسی مرتکب خلافی شود، با او برخوردهای شدیدی می‌شود. افراد مطمئن هستند که تحت مراقبت‌اند و کسانی ناظر آنها‌یند (ساجدی و نمازی، ۱۳۸۰: ص ۲۰۶).

استعمار با ارائه الگوهایی برای افراد جوامع می‌کوشد آنان را از نظر فرهنگی به خود وابسته و فرهنگ خود را به گونه‌ای القا کند که فرهنگ اصیل خویش را رها کرده و مجذوب فرهنگ او شوند. آنان با گستردن دام‌های گوناگون می‌کوشند مردم دیگر ملل و به‌ویژه جوانان را با تطمیع به خود جذب کنند و در صورت ناکامی با نشر شایعات و اکاذیب به ترور شخصیت افراد مؤثر بپردازند. آنان حتی برای تحقق اهداف شوم خویش، دست خود را به خون پاک برگزیدگان و اندیشمندان و مجاهدان ملت آغشته می‌سازند که تاریخ انقلاب اسلامی ما، نمونه‌های فراوانی از این نوع ترفندها در دل خود جای داده است. آنان در تلاش‌اند تا مذهب را که عامل بیداری، پویایی، ظلم‌ستیزی، عدالت‌گستری و تأمین‌کننده سعادت دنیا و آخرت است، به عامل تخدیری، انفرادی، انزواطلبی، ظلم‌پذیری، واپس‌گرایی و رهبانیت تبدیل کنند. به تعبیر امام خمینی؛ اسلام ناب محمدی را به اسلام آمریکایی مبدل نمایند (ر.ک: مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی‌فقیه، ۱۳۷۸: ص ۱۰۹؛ عباسی، ۱۳۸۶: ص ۷۵-۹۲).

۸. امر به معروف و نهی از منکر

یکی از موانع گرایش به دین و دین‌باوری میل به بی‌بند و باری و راحت‌طلبی و نداشتن مسئولیت است که سبب می‌شود آدمی خود را در اختیار هوس و گناه قرار دهد و در پی درک لذت‌های محسوس و مادی و اشباع بی‌اندازه‌غرایز مادی و حیوانی باشد (شکوهی، ۱۳۸۶: ص ۲۵۲). از این رو امر به معروف و نهی از منکر به عنوان فریضه الهی بر همگان واجب شده است. امر به معروف و نهی از منکر دو بال بزرگ جامعه برای رسیدن به سعادت است. خداوند به جامعه‌ای که از عمل به این واجب الهی سستی ورزد و یا آن را ترک کند، عذابی عمومی را وعده داده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إِذَا أُقْتِي تَوَاكَلَتِ الْأُمَمُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْذَنُوا بِوَقَاعِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى؛ هرگاه امت من امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذار نمایند، پس باید اجازه جنگ خود با خدا را بدهند» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱: ص ۳۹۴).



جامعه‌ای که در انجام دادن این فریضه الهی کوتاهی ورزد، به‌گونه‌ای که هر کس به امید انجام آن به‌واسطه دیگری بنشیند و به دنبال یافتن راه فراری از این مسئولیت باشد، مورد نفرت خداوند است و در مسیر جنگ با خدا حرکت می‌کند.

هدف از امر به معروف و نهی از منکر، پیش‌گیری از گناه، گسترش و عادی‌سازی آن است. گناهایی که زمینه فساد و لذت‌جویی افراطی را فراهم، و التزام افراد جامعه اسلامی را به دستورهای دینی تضعیف می‌کنند. مهربانی با مردم، دعوت به خیر با محبت و لطافت، سخن‌گفتن با مردم به نیکی و توجه به خلق و خوی متفاوت مردم برای سخن‌گفتن، ویژگی‌هایی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای آمران به معروف و ناهیان از منکر برشمرده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۷: ص ۸۳). روحیه لطیف و استقلال‌طلب جوان، تنها با امر و نهی سازگار نیست و این امر فضای دلکش و دوستانه تربیت را به جوّ دستوری حاکم و محکوم تبدیل می‌کند. به کارگیری زبان نرم و ناصحانه، دل‌شنونده را نرم و آماده پذیرش می‌کند؛ همان‌گونه که بیان سخت و آمرانه، بر فاصله میان گوینده و شنونده می‌افزاید.

۹. بهره‌مندی از هنر برای ارائه آموزه‌های دینی

یکی از ابزارهای ضروری در عرصه تقویت باورهای دینی جوانان، کاربست هنر در این مسیر است. زبان هنر، زبانی بین‌المللی است. امروزه قالب‌های مختلف هنری اعم از شعر، داستان، نمایش‌نامه و اجرای تئاتر، نقاشی و گرافیک، خوشنویسی و حتی اجرای موسیقی به‌عنوان جذاب‌ترین و درعین حال رساترین ابزار جهت انتقال پیام مورد استفاده قرار می‌گیرد. اکنون رسانه یکی از مهم‌ترین ابزارهاست که همان‌گونه که توانسته نقش بسیار مهمی در ترویج فرهنگ غربی ایفا کند، می‌تواند در تقویت باورهای دینی جوان نیز نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد.

مستکبران عالم به‌خوبی دریافته‌اند تا زمانی که جوانان یک ملت به دینی الهی معتقد و به انجام دستورهای آن دین ملتزم باشند، نمی‌توانند بر آنها و بر ملت‌شان مسلط باشند؛ از این رو می‌کوشند از هر وسیله‌ای برای بیگانه‌کردن جوان از مبدأ هستی استفاده کنند. آنان در سده‌های گذشته برای رسیدن به این هدف، از ابزاری چون شعر و خطابه استفاده می‌کردند؛ ولی امروزه این ابزار جای خود را به رسانه‌های خبری همچون رادیو، تلویزیون، ماهواره و اینترنت داده‌اند.

امروزه رسانه و به‌ویژه فضای مجازی این قابلیت را دارد که به‌عنوان یک منبر مجازی به کار رود؛ منبری که تأمین‌کننده نیازهای دینی مخاطبان خود در این فضا باشد؛ از این رو باید زبان و سواد

رسانه‌ای را آموخت، از امکانات و محدودیت‌های آن آگاه شد و دانست که مخاطب دین در این عرصه با مخاطبان خاموش آن در عرصه‌های دیگر تفاوت جدی دارد (کیا، ۱۳۹۴: ص ۷۳).
 تبلیغ چهره به چهره دین و معرفی آن به جوان، از دیگر ابزارهای هنری است که می‌تواند در تقویت باورهای دینی جوانان نقش بسزایی داشته باشد. این شیوه تبلیغ می‌تواند مانند یک تئاتر قوی و جذاب، جوان را در حس نمایش فروبرد و با خود همراه کند. خطیب توانمند با نگاه نافذ، بیان گرم و گیرا و محتوای مفید و درست، می‌تواند جوان را با خود همراه کند و حقیقت دین را برایش به تصویر بکشد. ترسیم هنرمندانه زیبایی‌های آموزه‌های دینی برای نسل نو، سبب می‌شود قله تربیت باورهای دینی آسان‌تر فتح شود. چنانکه امام رضا علیه السلام فرموده است: «فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَخَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا؛ اگر مردم زیبایی‌های کلام ما را می‌دانستند، طریق ما را می‌پیمودند» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج: ۱، ص ۳۰۷).

نتیجه‌گیری

دین شیوه و روش زندگی است؛ روشی که هر انسانی بر اساس شناخت‌ها و گرایش‌های فطری آن را برمی‌گزیند و در دنیا، ناگزیر از پیمودن آن است و هدف از آن، رسیدن به سعادت واقعی است. نیاز شدید جامعه جوان به توسعه فرهنگ دینی و نهادینه‌سازی فضایل و کرامت‌های انسانی، تعیین و تبیین راه‌های تقویت باورهای دینی را بیش از پیش مورد توجه و تأمل متفکران و متولیان فرهنگی و دینی قرار داده است؛ به‌گونه‌ای که پویایی و کارآمدی نظام اسلامی به‌ویژه در عرصه فرهنگ در گرو تقویت باورهای دینی و توسعه اخلاق و فضایل انسانی است. حفظ جوانان به عنوان نیروهای کارآمدی که نقش برجسته‌ای در سازندگی جامعه دارند، از هجمه‌های دشمنان و شناخت آسیب‌های فردی و اجتماعی این هجمه‌ها، ضرورت تقویت باورهای دینی آنها و زدودن موانع دین‌پذیری و دین‌باوری را بیش از پیش نمایان می‌سازد.



کتابنامه

۱۲۲



سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۹۸

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۲. اصفهانی، ابراهیم (۱۳۸۲)، «نگاهی به عوامل جامعه‌شناسی و روان‌شناختی دین‌گریزی با تکیه بر یافته‌هایی از سوره مبارکه هود»، فصلنامه علمی ترویجی معرفت، ش ۶۴.
۳. امینی، جبار و همکاران (۱۳۹۱)، «علل و عوامل دین‌گریزی و نقش دانشگاه‌ها در اصلاح آن»، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات معرفتی، س ۱۶، ش ۱.
۴. باقری، عالیہ (۱۳۹۶)، «علل دین‌گریزی جوانان و گرایش آنان به فرهنگ غرب و راهکارهای مقابله با آن»، دو ماهنامه نخبگان علوم و مهندسی، ش ۸.
۵. بولتون، رابرت (۱۳۹۷)، روانشناسی روابط انسانی (مهارت‌های مردمی)، ترجمه: حمیدرضا سهرابی و افسانه حیات روشنایی، تهران: رشد.
۶. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری (۱۳۷۱)، بیانات در دیدار با فرماندهان گردان عاشورا.
۷. پراتکانیس، آنتونی (۱۳۸۰)، عصر تبلیغات، ترجمه: کاووس سید امامی و محمدصادق عباسی، تهران: سروش.
۸. پرین، لارنس (۱۳۸۱)، روان‌شناسی شخصیت: نظریه و تحقیق، ترجمه: محمدجعفر جوادی و پروین کدیور، چ ۵، تهران: رسا.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
۱۰. حسینی‌زاده آرانی، سیدحسین و عبدالحسین کلانتری (۱۳۹۴)، «دین، سلامت روان و احساس تنهایی؛ بررسی نسبت میان دینداری و سلامت روان با احساس تنهایی (مطالعه موردی شهروندان تهرانی)»، فصلنامه علمی پژوهشی جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۴.
۱۱. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹)، دولت آفتاب، تهران: انتشارات دریا.
۱۲. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲)، لغت‌نامه، چ ۱، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۳. _____ (۱۳۳۷)، لغت‌نامه، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، دمشق: دار القلم - الدار الشامیه.

۱۵. ساجدی، ابوالفضل (۱۳۹۵)، دین‌گریزی چرا؟ دین‌گرایی چه سان؟ تعلیم و تربیت دینی نسل نو، آسیب‌شناسی و درمان، چ ۵، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۶. _____ و محمود نمازی (۱۳۸۰)، «عوامل تضعیف و تقویت خودباوری فرهنگی و علل گرایش جوانان به فرهنگ غیرخودی»، ماهنامه معرفت، ش ۴۵.
۱۷. سالاری‌فر، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۰)، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۸. شاملی، عباسعلی (۱۳۷۹)، «جایگاه انذار و تبشیر در نظام تربیتی پیامبران (نگرش قرآنی)»، ماهنامه معرفت، ش ۳۳.
۱۹. شکوهی، علی (۱۳۸۶)، عوامل و ریشه‌های دین‌گریزی از منظر قرآن و حدیث، چ ۳، قم: بوستان کتاب.
۲۰. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.
۲۱. _____ (۱۳۷۶)، الامالی، تهران: کتابچی.
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۲، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۳. طریحی، محمد بن حسن (۱۴۰۸ق)، مجمع البحرین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. طهماسبی، علی (۱۳۷۸)، دغدغه‌های فرجامین: پژوهشی در معناشناسی واژه دین، تهران: یادآوران.
۲۶. عباسی، محمد (۱۳۸۶)، «عوامل دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب»، ماهنامه معرفت، س ۱۶، ش ۵.
۲۷. عمید، حسن (۱۳۷۹)، فرهنگ عمید، چ ۱۹، تهران: امیرکبیر.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ق)، کتاب العین، قم: اسوه.
۲۹. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چ ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۰. کلبعلی، ایراندخت (۱۳۸۴)، بررسی محتوای کتاب‌های (تعلیمات دینی - تعلیمات اجتماعی و ادبیات فارسی) مقطع ابتدایی و راهنمایی در رابطه با آشناسازی دانش‌آموزان با ارزش‌های اسلامی و ایرانی، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.



۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. کیا، علی اصغر و هانیه نقدی (۱۳۹۴)، «نقش پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی بر تقویت دینداری از نگاه دانشجویان»، فصلنامه علوم خبری، ش ۱۵.
۳۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، بحارالانوار، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۴. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۵. مصباح، محمدتقی (۱۳۷۷)، آموزش عقاید، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، مجموعه آثار، چ ۸، قم: صدرا.
۳۷. _____ (۱۳۷۵)، علل گرایش به مادیگری، چ ۸، تهران: انتشارات صدرا.
۳۸. معین، محمد (۱۳۷۵)، فرهنگ معین، چ ۱۰، تهران: امیرکبیر.
۳۹. مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه (۱۳۷۸)، تهاجم فرهنگی، تهران: انتشارات معاونت فرهنگی سپاه.
۴۰. میرشاه جعفری، ابراهیم و محسن تقی‌زاده (۱۳۹۵)، «واکاوی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر دین‌پذیری دانشجویان»، فصلنامه علمی ترویجی مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، س ۲۰، ش ۳.
۴۱. مورنو، آنتونیو (۱۳۹۴)، یونگ، خدایان و انسان مدرن، ترجمه: داریوش مهرجویی، چ ۸، تهران: نشر مرکز.
۴۲. مونسما، جان کلوور (۱۳۶۲)، اثبات وجود خدا، ترجمه: احمد آرام، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

Kafman, g.d (1981), *The Theological Imagination: Constructing the Concept of God*, Philadelphia: Westminster Press.



Ways to Strengthen Religious Beliefs in Young People

Abolfazl Sajedi* & Zahra Rezaeian**

Abstract

Paying attention to religious values in the society and strengthening the religious beliefs of young people is one of the needs that should always be taken seriously, because religion, by introducing the origin, destination and purpose of life, gives a special behavioral pattern to walk the path of life to human beings and gives meaning to life. Pure nature and gentle spirit prepare the youth for any kind of learning and better acceptance of the word of truth, because religion is the best shelter that can help young people to overcome despair, frustration and escape from astonishment and confusion by presenting the right worldview. Therefore, it seems necessary to strengthen the religious beliefs of young people, because these beliefs play an important role in protecting them against these attacks and providing a healthy life. Introducing and presenting appropriate models to young people, warning and evangelism, introducing and explaining religion and its functions in the right way, identifying young people's capacities and making use of their talents, loving young people and being gentle in dealing with them, strengthening religious vision, introducing the true face of Western culture and enjoining the good and forbidding the evil and the use of art to provide religious teachings are some of the strategies that strengthen religiosity in young people. This article is written using library method and aims to provide ways and means to strengthen and feed the religious foundations of the youth.

Keywords

Youth, religious beliefs, mental health, religion.

* PhD in Philosophy of Religion, Faculty Member of Imam Khomeini Educational and Research Institute.

ab.sajedi.1395@gmail.com

** Master of Quranic and Hadith Sciences. tahoraa.r@gmail.com



Ways to Attract Young People

Eshrat Ranjbar*

Abstract

Paying attention to the youth as the most important human capital of a society is of utmost importance, and a healthy, dynamic and advanced society needs educated and religious young people. Although young people are innately ready to embrace religion and be educated, the youth of today live in a society where globalization, cyberspace, and cultural aggression can transform their religious identity. Considering the harms of religiosity, this study seeks to explain the strategies for attracting young people to religion and institutionalizing religiosity. In order to attract young people to religion, it is necessary for parents and educators to establish a sympathetic relationship with the young person in a constructive interaction, while recognizing the young person's characteristics and respecting his beliefs and while lining up their statements with their practice they also need to wisely put the religious teachings, and correctly introduce religion, provide answers to the questions and doubts of the youths, to pave the way for their attraction to religion and protection against cultural invasion.

Keywords

Religion, religious beliefs, youth, faith.

* Master of Islamic Philosophy and Theology. ranjbar.ac@gmail.com



Ways to Deepen the Religious Beliefs of Children and Teenagers

Moslem Garivani*

Abstract

What makes the educators and parents' methods suffer evidently is the "superficial, formal, and shallow" teaching of religion to children and "lack of deepening of religious beliefs"; This also happens with paying attention to the external factors rather than the internal ones as well as focusing on religious appearances and actions rather than the principles of religious beliefs and values. Internalization, which is considered as an important factor in deepening the religious beliefs in psychology, is an important way to get rid of this educational damage, because internalizing a value and virtue is the deepest and most stable response to social influence. In this article, by explaining the key concepts and different educational approaches, we have explained the importance of deepening beliefs in religious texts and by referring to religious texts, we have reached organized methods regarding deepening religious beliefs which this article strives to put forth with a new layout.

Keywords

Religious education, deepening of beliefs, religious sense, children, teenagers.

* PhD in Islamic Mysticism. mgrivani59@gmail.com



Causes and Roots of Apostasy (religion disaffiliation)

Naser Rafiei Mohammadi * & Alireza Ansari**

Abstract

Religion is the program of human happiness and salvation, and religiosity is the institutionalization of religious teachings and values in all aspects of life, which has many fruits for the individual and the society. Some factors both overtly and covertly threaten religiosity, one of which is apostasy. Of course, no one can completely sever ties with religion, because religiosity is innate. Apostasy, in the sense that the light of faith diminishes and religion loses its importance in people's lives does not happen to a particular religion, but to all religions and schools, and is caused by various factors. In this study, misinterpretations of religion, uninformed and blind imitations, the practice of people affiliated with religion, ignorance, irresponsibility, bad friends, longing and fanaticism, bigotry, stubbornness and poverty are explained as the causes and roots of apostasy.

Keyword

Religion, religious beliefs, causes of apostasy.

* PhD in Quranic and Hadith Sciences, Member of the Faculty of Al-Mustafa University. n.rafeil10@yahoo.com

** Scientific expert of cultural and advertising content production group. alirezaansari44@yahoo.com



The Role of Mosques in Deepening Religious Beliefs

Hamed Qera'ati*

Abstract

The tumultuous history of Islam has witnessed the influence of various internal and external elements in the field of Islamic thought and culture. Influencing and being influenced, due to the lack of necessary attention in deepening religious beliefs, which in many cases has turned opportunities into epistemological threats, so much so that in cases such as Mahdism and the uprising of Sayyid al-Shuhada (AS) when it becomes superficial and inefficient, it turns into an ideological threat such as the emergence of false claimants of Mahdism or absurdist readings on the subject of the uprising of Sayyid al-Shuhada (AS). This article tries to examine the role of mosques in deepening religious beliefs by relying on Quranic, hadith and historical sources and social realities, with a practical approach and descriptive-analytical method. The purpose of this article is to explain the role of mosques in deepening religious beliefs and in the end, it concludes that mosques in comparison with other religious places in addition to providing emotional and ritual needs, strengthen the argumentative dimensions of religious teachings and have been less affected by deviated discourses.

Keywords

Mosques, religious beliefs, religious rituals, clerics, religious places

* PhD in Shiite Studies and member of the Faculty of History, Baqerul Uloom University. gharaati_1359@yahoo.com



The Role of Clergy's Wingism in Weakening Religious Beliefs

Mohammad Kazem Karimi*

Abstract

Beliefs are the most important part of the content of religion, and various factors and contexts play a role in strengthening and weakening them. Wingism, that is the dependence on the interests and tendencies of the country's political wings, a phenomenon prevailing in the Islamic Republic system which is due to the tendency to increasingly politicize issues in the society, has affected most sections of the society, especially clerics, and because of the clerics' role in modeling religious and moral propensities this phenomenon plays a significant role in changing and weakening people's religious beliefs. The present article, with the aim of a pathological study of the wingism of the clerics, has tried to warn about the mechanism with which this phenomenon affects the religious beliefs of the members of the society and its consequences on weakening them with a descriptive-analytical approach and based on religious heritage. The final assessment is that the clerics' wingism can at the very least negatively impact the religious beliefs of various segments of the society, due to its consequences such as declining trust in the clerics, promotion of lenience in religiosity, tendency towards the rival ideas, degradation of religious teachings and reduced tolerance and mutual rejection.

Keywords

Clergy, politics, wingism, religiosity, religious beliefs.

* Researcher at the Institute of Islamic Sciences and Culture. mk.karimi@isca.ac.ir

